

افغانستان
گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۲ در مورد محافظت افراد
ملکی در منازعات مسلحانه



عکس از هوشنگ هاشمی، اسوشیید پرس



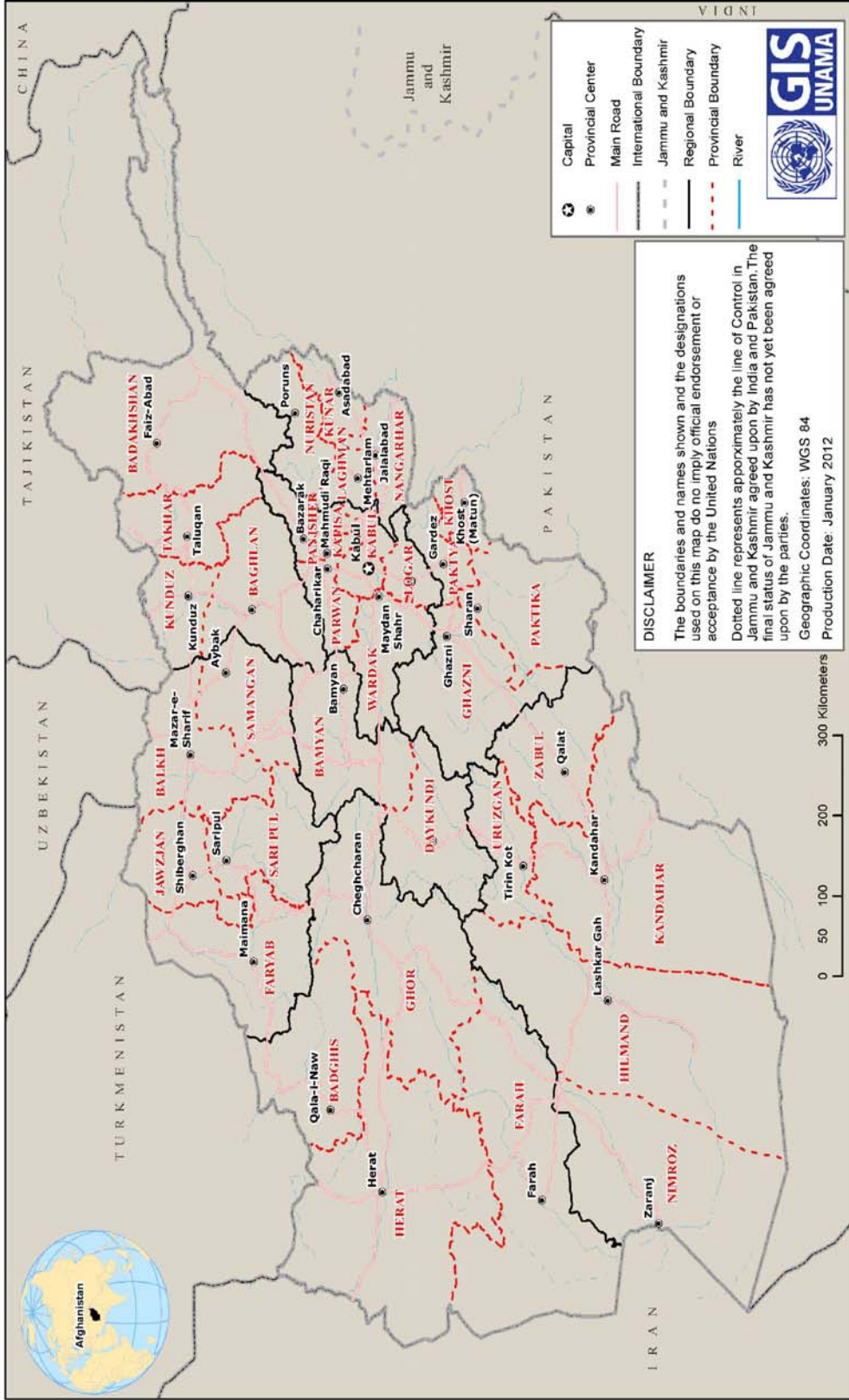
هیئت معاونت سازمان ملل متحد در
افغانستان



دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد
برای حقوق بشر

کابل، افغانستان
جولای ۲۰۱۲

AFGHANISTAN ADMINISTRATIVE DIVISION



افغانستان

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۲ (۱ جنوری - ۳۰ جون) در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه



هیئت معاونت سازمان ملل متحد در
افغانستان



دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد
برای حقوق بشر

کابل، افغانستان
جولای ۲۰۱۲

تصویری که در صفحه اول گزارش درج گردیده، به تاریخ ۱۰ اپریل سال ۲۰۱۲ در ولسوالی گزره ولایت هرات گرفته شده است. عکس موصوف، صحنه ی بعد از یک حمله انتحاری که از وسایل نقلیه استفاده نموده و بالای مرکز ولسوالی حمله نموده بود را به نمایش می گزارد. در این حمله ۱۳ فرد ملکی کشته شده و ۵۷ فرد دیگر مجروح گردیدند. حمله در ساعت ۸:۳۰ صبح زمانی بوقوع پیوست که مردم بخاطر گرفتن تذکره های شان منتظر بودند.

مأموریت

این گزارش شش ماهه سال ۲۰۱۲ در مورد محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه، توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، تهیه گردیده و دوره زمانی ۱ جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۲ را در بر می گیرد.

این گزارش به تعقیب مأموریت یوناما بر اساس قطعنامه ۲۰۴۱ (۲۰۱۲) شورای امنیت ملل متحد با هدف " نظارت بر وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت آنها، تقویت پاسخ دهی و کمک در تطبیق کامل آزادی های بنیادی و مقررات حقوق بشری شامل در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که ارتباط به این می گیرد تا زنان بطور کامل از حقوق بشری شان استفاده نمایند" تهیه گردیده است.

یوناما یک سلسله فعالیت های را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته اند: "نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های جانبدارانه برای تقویت محافظت غیرنظامیانی که در جنگ های مسلحانه متضرر می گردد؛ و فعالیت های که باعث تقویت بیشتر مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر، قانون اساسی، و سایر قوانین افغانستان در میان تمام طرفهای درگیر می شود." این گزارش توسط دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، بازنگری شده و داده های تخصصی را از طرف آنها دریافت نموده است.

واژه نامه

حمله هوایی: حمله هوایی، مهمات قابل شلیک از طیاره بشمول حمایت هوایی نزدیک توسط هواپیماهای با بال ثابت و حملات جنگی نزدیک توسط بالگرد ها (هلیکوپترها) را می گوید. و نیز حملاتی را می گوید که با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون خلبانی که از راه دور کنترل می شود، صورت می گیرد.

ABP: پولیس سرحدی افغان

ALP: پولیس محلی افغان

ANA: اردوی ملی افغان

ANP: پولیس ملی افغان

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان یک اصطلاح پوششی بوده که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

AXO: مواد انفجاری متروک

تلفات: شامل کشته شده گان و زخمی ها می گردد و میتوان آن را به دو دسته ذیل تقسیم نمود:

• **تلفات مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری های نظامی ناشی میشود که شامل تلفات برخاسته از عملیات های نظامی انجام شده توسط نیروهای دولتی و نیروهای نظامی بین المللی می گردد. مثلاً رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلاشی و دستگیری، مبارزه در مقابل شورشیان یا عملیات های ضد تروریزم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که در نتیجه فعالیت گروههای مسلح غیر دولتی صورت می گیرد. مانند کشتار های سازمان یافته، تلفات ناشی از مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیری مستقیم با نیروهای طرفدار دولت.

• **سایر عوامل یا اسباب غیر مستقیمی که منجر به تلفات می گردد:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، قرار ذیل می باشد: "تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ تصادفی ناشی از وضعیت غیر صحی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحی منع شده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از تبادل آتش.

اطفال: بر اساس کنوانسیون حقوق طفل، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن ۱۸ سال (مشمول ۰-۱۷) باشد. در ضمن اساسنامه محکمه جنایی بین المللی روم که در سال ۲۰۰۳ از سوی افغانستان نیز به تصویب رسیده بود، خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت مستقیم در خشونت ها را جرم شمرده است. (به جزء (XXVI) فقره (ب) بند (۲) ماده ۸ و جزء (VII) فقره ای بند ۲ ماده ۸ مراجعه شود)

غیرنظامیان و مبارزین محافظت شده: مقررات حقوق بشردوستانه بین المللی تحت نام "غیرنظامیان" کسانی را خطاب می کنند که مبارز(عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) نمی باشند و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ی یکی از طرف های درگیر یا بخش از شورش کننده گان عمومی^۱ نباشند. در صورتی که غیرنظامیان بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند محافظت خویش را از دست می دهند. مثلاً؛ غیرنظامیان، جنگجویانی که از صفوف جنگ خارج شده، مثل (مجروح، مریض، اشخاص که کشتی شان متلاشی می شود، توقیف یا تسلیم می گردد) و یا کسانی که مربوط به بخش های صحی یا مذهبی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی یاری به امنیت یا آساف در افغانستان.

EOF Incidents: **حادثات مربوط به عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده است:** زمانی که افراد در هنگام نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این حوادث اتفاق می افتد.

ERW: بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ و نیز به نام مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک یاد می گردد.

IDP: بیجا شدگان داخلی

IED: مواد انفجاری تعبیه شده. یعنی بمبی که برخلاف روش متعارف نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. مواد انفجاری تعبیه شده می تواند به اشکال ذیل مشاهده شود: " بصورت بمب انتحاری؛ مانند مواد انفجاری جاسازی شده در بدن، کنترل از راه دور، مواد انفجاری جاسازی شده در موتور، مواد انفجاری که با تماس قربانی خودش فعال می گردد و یا مواد انفجاری بشقاب ماندی که با آوردن فشار منفجر می گردد."

استحصال مواد انفجاری: استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثه ی مواد انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات نظامی قابل استفاده، تا با این روند؛ طرزالعمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری تقویت گردیده، منابع شورشیان را کاهش داده و تعقیب عدلی را حمایت نماید. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تخنیکی، قانونی و بایومتریکی، شده و تحلیل های را شامل می گردد که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد.

Incidents: حادثات؛ زمانی صورت می گیرد که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی تلف شود. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های جرمی شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

^۱ اصطلاح قیام یا شورش عمومی که در کنوانسیون سوم ژنو تذکر یافته، به این معناست که: " ساکنین یک سر زمین اشغال نشده، یعنی کسانی که در برخورد با نیروهای مهاجم بی اختیار سلاح در دست می گیرند و در مقابل آنها مقاومت می کنند بدون اینکه وقت داشته باشد تا خود را در واحد های منظم نظامی شامل سازند مشروط به اینکه سلاح را در ملا عام حمل نموده و قوانین و سنت های جنگ را رعایت می کنند." فقرهای (۱) و (۶) ماده ۴.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی

IM Forces: "نیرو های نظامی بین المللی" شامل تمامی سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارند را تشکیل می دهد. در ضمن این واژه آنده از نیرو های را نیز در بر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل تعداد نیرو های ویژه و نیرو های عملیاتی ویژه میباشد.

Injuries: به معنای جراحات جسمی با میزان شدت متفاوت یاد می گردد. میزان شدت جراحت ها در داتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نمی شود. جراحت ها شامل شوک یا صدمه های غیر فیزیکی و روانی و یا نتایج که از اثر حوادث به بار می آید مانند ضربه روحی، نمی گردد.

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان. آیساف بر اساس فصل ۷ منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیرو ها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست ۲۰۰۳، ناتو بر اساس درخواست دولت افغانستان و ملل متحد، فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا ۸ دسامبر ۲۰۱۱ تقریباً شامل ۱۳۰۳۱۳ نفر از ۴۹ کشور مساعدت کننده نیرو می گردید که در شش سلسله فرماندهی منطقوی بشمول مقرر عمومی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر ۲۰۰۸ بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه ۲۰۱۱(۲۰۱۱) شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت ۱۲ ماه دیگر الی ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۲ تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یعنی اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهیم در آیساف می باشند.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا استخبارات دولتی افغانستان

NGO: سازمان غیر دولتی

گروه های مسلح غیر دولتی یعنی عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان"، افراد و گروه هایی که در اثر یک سلسله اهداف تحریک شده، با مشخصات یا هویت های مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد، فعالیت می نمایند.

Pro-Government Forces (PGF): نیروهای طرفدار دولت

• **نیروهای دولت افغانستان:** این نیروها تمام نیروهای نظامی و شبه نظامی که در عملیات های ضد تروریسم فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند را در بر می گیرد. این نیروها شامل اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی میگردد، اما محدود به این ها نمی باشد.

• **نیروهای نظامی بین المللی و نمایندگی های دیگر از کشورها (OGAs)**

SOP: طرز العمل عملیات های معیاری

کشتار سازمان یافته: استفاده دولت و عناصر دولتی از نیروی کشنده، آن هم به شکل عمدی، قصدی و با پلان از قبل طرح شده در زیر چتر قانون را کشتار سازمان یافته می گوید. هم چنان؛ عین کار توسط یک گروه مسلح منظم و دخیل در منازعه مسلحانه بر علیه فرد مشخص که آن فرد در تحت توقیف مرتکبین قرار نداشته باشد را نیز کشتار سازمان یافته می گوید. هر چند در بسیاری از حالات کشتار هدفمند و سازمان یافته حق حیات را نقض می کند، اما در شرایط استثنایی جنگ مسلحانه ممکن قانونی باشد.

به گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرا قضایی و خود سرانه، در فقره ۳ صورت جلسه ی چهاردهمین جلسه شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد مراجعه گردد. فلیپ آلسون.

ادیندم "مطالعه قتل های سازمان یافته" A/HRC/14/24/Add.6. 10 May 2010

UNDSS: دفتر امنیت و مصئونیت ملل متحد.

UNAMA: هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

UNHCR: کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین

USSOF: نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده امریکا

UXO: مواد منفجر ناشده

فهرست مطالب

IX.....	میتودولوژی یا روش تهیه گزارش
X.....	مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه
۱.....	خلاصه گزارش
۱۲.....	پیشنهادات
۱۵.....	نیروهای مخالف دولت و محافظت افراد ملکی
۱۶.....	مواد انفجاری تعبیه شده
۱۹.....	حملات انتحاری و پیچیده
۲۱.....	قتل افراد ملکی به شکل سازمان یافته و هدفمند
۲۲.....	پاسخ طالبان به گزارش سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی
۲۳.....	حقوق بشر در مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد
۲۵.....	کنترل مناطق توسط حکومت افغانستان
۲۶.....	نفوذ نیروهای مخالف دولت و کنترل مناطق توسط آنها
۲۷.....	تخطی های حقوق بشری در مناطقی که در تحت کنترل نیروهای مخالف دولت قرار دارد
۲۹.....	عناصر متشکله ساختارهای شبه قضایی
۳۰.....	مجازات
۳۲.....	آزادی رفت و آمد
۳۳.....	وضع مالیات به شکل غیر قانونی
۳۴.....	تأثیر نیروهای متحرک عناصر مخالف دولت بر محافظت افراد ملکی
۳۵.....	آزادی بیان
۳۶.....	تهدیدها و حملات جهت اعمال دستور العمل های اخلاقی
۳۶.....	دست رسی به خدمات صحی
۳۹.....	دست رسی به تعلیم و تربیت
۳۹.....	مداخله در مکاتب و حمله علیه مکاتب
۴۰.....	حملات تأیید شده
۴۲.....	قتل های سازمان یافته و تعلیم و تربیت
۴۲.....	تصرف مکاتب توسط اطراف درگیر در جنگ
۴۲.....	نفوذ بر تعلیم و تربیت
۴۵.....	نیروهای طرفدار دولت و محافظت افراد ملکی

۴۶.....	بیانیه ها و رهنمود های تاکتیکی آیساف
۴۷.....	حملات هوایی
۵۰.....	عملیات جستجو
۵۱.....	عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون
۵۲.....	نیروهای امنیتی افغانستان و محافظت افراد ملکی
۵۴.....	مبارزه در مقابل مواد انفجاری تعبیه شده و استحصال آن. پاک سازی و خنثی نمودن این مواد
۵۵.....	پولیس محلی افغانستان و محافظت افراد ملکی
۵۸.....	معافیت در برابر تخطی های حقوق بشری توسط پولیس محلی
۶۰.....	حملات عناصر مخالف دولت علیه پولیس محلی
۶۰.....	پولیس محلی افغانستان و گروپ های مسلح غیر قانونی که خود را پولیس محلی معرفی می نماید ...
۶۱.....	سایر اقداماتی که به منظور بهبود رفتار و اجراآت پولیس محلی روی دست گرفته شده اند.....
۶۲.....	تأثیر منازعات مسلحانه بر افراد آسیب پذیر
۶۲.....	تأثیر منازعات مسلحانه بر زنان و اطفال
۶۲.....	بیجا شدن افراد ملکی در اثر جنگ ها
۶۳.....	واقعات بیشتری مرتبط به جنگ ها
۶۴.....	ضمیمه ۱
	حادثات مربوط به محافظت افراد ملکی در بیانیه ی ۵ فبروی ۲۰۱۲ طالبان در مقایسه با آمار بانک
۶۴.....	اطلاعات و ارقام دفتر یوناما

میتودولوژی یا روش تهیه گزارش

یوناما باوصف اجرای تحقیقات در ساحه ی رویدادها، با یک سلسله منابع گسترده و انواع اطلاعاتی که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، تا جای که امکان دارد رازینی و مشوره نموده و گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تهیه می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما نهایت تلاش های خود را بکار می برد تا اطلاعات ارایه شده از منابع گسترده بشمول " شواهد عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسئولین محلی در روستاها و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی و اطلاعات بدست آمده از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحی، تصاویر ویدیویی، گزارش ریاست امنیت و مصئونیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهاد های غیر دولتی و طرف های سوم" را جمع آوری و بررسی مجدد نماید.

در جایی که ممکن باشد، تحقیقات بر اساس شهادت اولیه قربانیان، شاهدان صحنه و تحقیقات در محل صورت می گیرد. در بعضی موارد بخصوص جایی که دسترسی به علت محدودیت های امنیتی وجود ندارد، این گونه تحقیقات در ابتدا امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع گسترده که آن منابع معتبر ارزیابی گردیده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت رویداد متذکره گزارش داده نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات قبل از نتیجه گیری میتواند چندین هفته را در بر گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر و گنجاندن آن در تحلیل ها دوباره بررسی گردیده و اصلاح گردد. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارشی که از ارقام تلفات افراد ملکی تذکر به عمل می آید، قضایای بسته شده گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد وضعیت غیر نظامی بودن قربانیان گزارش داده شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیار های قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و فرض نمی کند که مردان که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، بلکه این گونه ادعا ها بر اساس واقعیت های موجود در مورد یک رویداد مشکوک ارزیابی می شوند. هرگاه وضعیت یک یا چندین قربانی نا مشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک داتایس را در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت غیر نظامیان در درگیری های نظامی را تقویت کند. این داتایس بخاطر تسهیل جمع آوری اطلاعات به شکل منظم، تحلیل و ارزیابی منسجم و مؤثر اطلاعات منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن، جنس، مرتکبین حادثه، تاکتیک، نوع سلاح و دسته بندی های دیگر طراحی شده است.

یوناما نهایت تلاش می نماید تا حد امکان طرفِ مسئول یک حادثه ی مشخص را معین نماید. هر چند به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات ها مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات های نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویداد ها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان طرفهای مختلف نظامی و شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسئولیت را به عهده نمی گیرند، یوناما مسئولیت یک رویداد مشخص را به نیروهای طرفدار دولت و یا به عناصر ضد دولتی نسبت میدهد. یوناما ادعا نمی کند که ارقام ارائه شده در این گزارش کامل می باشد؛ بلکه احتمال دارد یوناما تلفات افراد ملکی را با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط جنگی کمتر گزارش نموده باشد.

مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه

بر اساس دیدگاه یوناما جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "نیروهای طرفدار دولت" به آن اشاره می شود) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره می شود) که شامل طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی و غیره میگردد، درگیر جنگ می باشد.

همان طوریکه شورای امنیت ملل متحد در قطع نامه ۱۳۲۵ شان تأکید نموده است، اعمال کامل نورم های مربوط به حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر در مورد زنان و دختران و مد نظر گرفتن اقدامات ویژه برای محافظت زنان و دختران از خشونت های مبتنی بر جنسیت در جریان منازعه مسلحانه برای تمام دولت ها، حیاتی و ضروری پنداشته می شود.^۲

تمام طرف های درگیر در جنگ؛ بشمول نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی بر اساس مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی جهت محافظت غیرنظامیان تعهدات آشکار و واضح دارند.

الف) مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی

ماده ۳ مشترک در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو، حد اقل معیار هایی که طرف های درگیر بشمول دولت و طرفهای غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند را تعیین نموده است.

^۲. قطع نامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت. هم چنان به قطع نامه های ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۹ (۲۰۰۹) و ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) شورای امنیت مراجعه گردد.

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو و عضو پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷^۳ می باشد که در آن به محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی پرداخته شده است. این پروتکل حمله علیه افراد غیرنظامی و حمله بر اهداف که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید.

قواعد متعددی در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو و پروتکل های الحاقی آن بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد^۴. مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی افغانستان قابل اعمال می باشد، به شرح ذیل می باشد:

- تشخیص: "جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد حمله قرار گیرند^۵. طرف های درگیر باید در تمام حالات جمعیت ملکی را از جنگجویان" و "اهداف ملکی را از اهداف نظامی" تشخیص دهند.^۶
- تناسب: "در یک حمله ی که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها وجود داشته باشد، که از منفعت محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی بدست می آید، فراتر رود، منع گردیده است^۷.
- احتیاط در حمله: "...غیرنظامیان در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات های نظامی باید از مصونیت همه جانبه برخوردار باشد^۸". در زمان انجام عملیات نظامی، باید مراقبت دائمی صورت گیرد تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود^۹ و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا در بعضی موارد به حداقل رسانده شود^۹".

همه کشور های که در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان سهم دارند، بشمول قوت های آیساف، نیروهای ویژه امریکایی در افغانستان، اعضای ائتلاف عملیات تحکیم آزادی و نیرو های عملیات های ویژه که خارج از این سلسله فرماندهی قرار دارند، همه امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو می باشند. هرچند تمام کشورهای کمک کننده نظامی امضاء کننده پروتکل الحاقی ۱ و پروتکل الحاقی ۲ ۱۹۷۷ نیستند، اما تمام این نیروها به آن قواعد حقوقی مربوطه که بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد، مقید می باشند.

^۳ افغانستان، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ را به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۰۹ تصویب نمود که پروتکل موصوف به تاریخ ۲۴ دسمبر ۲۰۰۹ نافذ گردید.

^۴ کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، نویسندگان، جان ماری هینکارتز و لوئیس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge 2005) مطالعه کمیته بین المللی صلیب سرخ.

^۵ پروتکل الحاقی ۲، بند (۲) ماده ۱۳

^۶ پروتکل الحاقی ۱، ماده ۴۸. به بند (۲) ماده ۵۱ که در آن مقرر گردیده، افراد ملکی "نباید مورد هدف قرار گیرند" و به بند (۲) ماده ۵۲ که در آن گفته شده "حملات فقط باید مواضع نظامی را هدف قرار دهد" مراجعه شود.

^۷ پروتکل الحاقی ۱، بند (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. جهت اطلاعات بیشتر به ماده ۵۷ در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

^۸ پروتکل الحاقی ۲، بند (۱) ماده ۱۳

^۹ پروتکل الحاقی ۱، بند های (الف) و (ii) فقره ۲ و فقره (۱) ماده ۵۷.

ب) مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق بشر بین المللی

قواعد حقوق بشر بین المللی هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اعمال می باشد. قواعد حقوق بشر بین المللی همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی به شکل متمم و مکمل هم دیگر یکجا تطبیق می گردد. افغانستان امضاء کننده ی چندین معاهده بین المللی حقوق بشر^{۱۱}، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد و این اقدام، دولت افغانستان را متعهد می نماید تا حقوق بشری تمام شهروندان را در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت شان، تأمین نموده و از آن محافظت نماید. در حالیکه طرفهای غیر دولتی در افغانستان بشمول گروه های مسلح غیر دولتی نمی توانند بصورت رسمی طرف معاهدات بین المللی حقوق بشر قرار بگیرند اما حقوق بشر بین المللی به اندازه کافی این را تصدیق می نماید که طرفهای غیر دولتی مانند طالبان، بر مناطقی که به شکل غیر رسمی فعالیت دارند، بر اساس تعهدات حقوق بشر بین المللی ملزم پنداشته می شود.^{۱۱}

ج) مکلفیت ها بر اساس حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی اساسنامه محکمه جنایی بین المللی روم را امضا و قبول نمود. بنابر این افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی دادگاه شان مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آنصورت محکمه جزای بین المللی با توجه به صلاحیت شان می تواند بر قضیه که در افغانستان صورت گرفته رسیدگی نماید.

کشورهای که نیروهای نظامی شان در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی سهم داشته و یکی از طرف های درگیر در جنگ افغانستان می باشند و در ضمن اساسنامه محکمه جزای بین المللی روم را تصویب نموده اند، مسئولیت دارند تا جرایمی را که توسط اتباع شان در افغانستان صورت گرفته در چهارچوب صلاحیت محکمه تحقیق و مورد پیگیری قرار دهند.^{۱۲} به طور مشخص دولت ها مسئولیت دارند تا نقض فقره های (آی) و (ای) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه محکمه جزای بین المللی روم را تحقیق و مورد تعقیب عدلی قرار دهند. زیرا، در فقره های ماده متذکره چنین تصریح گردیده: "حملاتی که به شکل عمدی علیه

^{۱۱} افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی محوی هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۵ اگست ۱۹۸۳. کنوانسیون منع هرگونه خشونت علیه زنان، مصوب ۵ مارچ ۱۹۸۳. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب ۲۶ جون ۱۹۸۷. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۷ اپریل ۱۹۹۴. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۲. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳. منبع: http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html.

^{۱۲} در ادامه به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش پاسخ دهی در سریلانکا، مورخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۱، پراگراف ۱۸۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمام تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ ۱ جون ۲۰۱۱ مراجعه کنید.

^{۱۳} قطع نظر از اینکه دولت ها اساسنامه روم را امضا کرده باشد یا خیر، بر اساس حقوق عرفی مسئولیت دارند تا نقض جدی حقوق بشر و تخطی ها از حقوق بشر دوستانه بین المللی را مورد تحقیق قرار دهند.

جمعیت غیر نظامی هدایت داده می شود و یا اگر این گونه حملات علیه افراد ملکی که مستقیماً در خشونت ها سهم ندارند؛ صورت می گیرد^{۱۳}، جنایت جنگی در جنگ داخلی به شمار می آید.

د) مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

اعضای نیروهای مخالف دولت بر اساس قوانین جزای افغانستان می تواند مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد. اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان و نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسئول شناخته می شوند.

تعریف غیر نظامیان و جنگجویان محافظت شده

یوناما افراد ملکی را طوری تعریف می نماید که با حقوق بین المللی مطابقت داشته باشد. سایرین و طرف های درگیر در منازعه افغانستان اصطلاح فرد ملکی را طوری تعریف می نمایند که در بخش بعدی مطرح خواهد گردید.

یوناما

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیار های حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. هدف از کلمه "ملکی" کسانی می باشند که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ی یکی از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاص خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشد^{۱۴}. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد.

حقوق بشر دوستانه بین المللی برای طرف های درگیر در یک جنگ ضرورت می دارد تا در زمان اجرای عملیات های نظامی شان میان افراد غیر نظامی و جنگجویان تفکیک قایل شوند. کسانی که دیگر شورشی نبوده و یا دیگر در خشونت ها سهم نمی گیرند، محفوظ تلقی گردیده و نباید هدف قرار گیرند. اما در کنار افراد ملکی، جنگجویانی که دیگر از میدان جنگ خارج شده (مانند زخمی، بیمار، آنهای که کشتی شان می شکنند و در حال غرق شدن است و بازداشت یا تسلیم شده اند) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحتی نیروهای مسلح اند همه این ها تحت حقوق بشر دوستانه بین المللی در برابر حمله یا هدف قرار گرفتن مصئون می باشند.

اما در ارتباط جنگ افغانستان؛ این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحتی و کسانی که در ارائه خدمات عامه سهم دارند،

^{۱۳}. پراگراف ۱ ماده ۵۰ پروتکل الحاقی ۱ را با کنوانسیون های ژنو مقایسه کنید. همچنین به "رهنمود های تفسیری در مورد مفهوم مشارکت مستقیم در خشونت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی" نوشته نیلز میلزر، تاریخ ۱ جولای ۲۰۰۹ مراجعه کنید.

شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که وظیفه نظامی ندارند و در عملیات های مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد.^{۱۴}

عناصر مخالف دولت/طالبان

طالبان به شکل همگانی اظهار نموده اند که یک تعداد افراد خاصی که بر اساس نورم های بین المللی در تحت عنوان تعریف "افراد ملکی" قرار می گیرند ممکن مورد حمله قرار بگیرند و این مسئله با حقوق بشر دوستانه بین المللی مغایرت دارد.

در سال ۲۰۱۱، طالبان مسؤلیت تعداد زیادی از کشتار های هدفمند مقامات ملکی دولتی، بزرگان قوم، کارمندان حکومتی، قراردادکنندگان، موثروانان، مترجمین و سایر افراد ملکی را به عهده گرفتند و همچون افراد را در لیست عمومی که اهداف مشخص گنجانیده می شد، شامل کردند. چنانچه بعداً به کشتن و یا دستگیری آن اهداف؛ اقدام می گردید.^{۱۵} در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱، اعلامیه ی که در پاسخ به تشکیل لوی جرگه؛ توسط طالبان منتشر گردیده بود، تعداد وسیع از افراد ملکی که در لوی جرگه سهم گرفته بودند و یا به نحوی به حکومت ارتباط داشتند به عنوان اهداف مشروع توسط طالبان تشخیص گردیده بود.

در اعلامیه آمده بود که: "امارت اسلامی می خواهد که به تمام آنهای که به این لوی جرگه مصطلح اشتراک می نمایند، اخطار دهد که همچون خیانتکاران توسط مجاهدین امارت اسلامی در هر گوشه ی از کشور مورد تعقیب قرار خواهد گرفته و به واکنش شدید مواجه خواهد شد. عالمان امین کشور یک فرمان را در این مورد تصویب نموده که در صورت دستگیری هر یکی از آنهای که در این جرگه شرکت نموده به جرم خیانت مسؤل قلمداد خواهد شد. هم چنان؛ امارت اسلامی مجاهدین دلیر و شجاع خویش را مخاطب قرار داده که هر محافظ امنیتی، شخصی که در فکر مشارکت در این جلسه است و پیروان این جلسه را مورد هدف قرار دهد."^{۱۶}

هدف قرار دادن و کشتار عمدی اینها و سایر افراد ملکی نقض نورمهای حقوق بشر دوستانه بین المللی میباشد. زیرا، در آن نورم ها به شکل صریح آمده است که تنها اهداف نظامی برای انجام حمله مشروع محسوب می گردد. افراد ملکی اهداف مشروع نظامی نیستند مگر اینکه به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرند.

آیساف

آیساف بنا به درخواست یوناما تعریف ملکی را چنانچه در طرزالعمل عملیاتی معیاری ۳۰۷، چاپ سوم پذیرفته شده، به شرح ذیل ارائه نموده است:

^{۱۴} یوناما آئندة از افسران پولیس را به عنوان جنگجو می پذیرند که بصورت مستقیم در جنگ ها سهم دارند. این مسئله شامل حال پولیس ملی افغان، پولیس محلی و پولیس سرحدی که بصورت منظم عملیات های ضد شورشگری را انجام میدهند نیز می گردد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یوناما به عنوان غیر نظامی، آئندة از پولیس ترافیک افغان و دیگر افسران پولیس را در نظر دارد که فقط نقش نظم عامه ملکی را انجام میدهد.

^{۱۵} به گزارش نیم سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد تلفات افراد ملکی مراجعه گردد. پراگراف (iv-vi) دستور العمل طالبان و بیانیه طالبان در ۳۰ اپریل سال ۲۰۱۱ که حملات بهاری شان را اعلام نموده بود، لیست از اشخاص را که مورد هدف قرار می دادند؛ شامل اعضای کابینه حکومت، اعضای پارلمان و شورای صلح نیز می گردید.

^{۱۶} اظهار نظر سخنگوی امارت اسلامی در مورد لوی جرگه ی که قرار است برگزار گردد، ۲۶ اکتوبر سال ۲۰۱۱.

حقوق بشر دوستانه بین المللی کلمه "ملکی" را به اشخاص اطلاق می کند که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ی یکی از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاص خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشد. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد. اما در صورت جراحت، مریضی، توقیف یا تسلیم شخص موصوف، آن محافظت تعریف شده را دوباره بدست میاورد، چون به شکل فعال در جنگ سهم نمی گیرد. افراد ملکی توسط گروه کاهش تلفات افراد ملکی (Civilian Casualty Mitigation Team) با توجه به وابستگی های شان جهت تحلیل و تجزیه، بیشتر تفکیک می گردد.^{۱۷}

۱۷. مکاتبه امیلی یوناما با آیساف، ۱۵ جون ۲۰۱۲.

خلاصه گزارش

خانم من همراهی چهارتا طفلم و خانم برادرم همراهی دو تا طفلش در مرکز ولسوالی منتظر نشسته بودند تا تذکره های ما را بگیرد. من از خانواده ام خواهش کردم تا در نزدیکی دروازه منتظر بماند و من داخل ولسوالی رفته تا ببینم که آیا کارمندان اداره احصائیه به دفتر کارش رسیده است. بعد از داخل شدن، یک انفجار قوی را شنیدم، لذا دو باره به طرف دروازه دویدم و مشاهده کردم که مردم آغشته به خون در زمین افتاده است. یکی از دخترانم را دیدم که در زمین افتاده و از بین رفته است و سه تا دختر دیگرم همراهی مادرشان مجروح گردیده بودند. پولیس به من کمک کرد تا دختران و همسر را در موتر گذاشته و آنها را به شفاخانه انتقال دهم.

بر اساس معلومات بعدی که یوناما دریافت نموده است، یکی از دختران این فرد شاهد صحنه در اثر جراحت های زیاد بعداً در شفاخانه فوت نموده است.^{۱۸}

– صحبت های پدر دو تا دختری بود که در اثر حمله مواد انفجاری تعبیه شده در مرکز ولسوالی گزره ولایت هرات به تاریخ ۱۰ اپریل سال ۲۰۱۲ کشته شدند. چنان چه در این حادثه مجموعاً ۱۳ فرد ملکی کشته شده و ۵۷ فرد دیگر مجروح گردیدند.

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، منازعه مسلحانه در افغانستان به شکل دوام دار تلفات سنگینی را بر افراد ملکی وارد نموده است. از اول ماه جنوری تا تاریخ ۳۰ ماه جون سال ۲۰۱۲، خشونت های ناشی از جنگ به تعداد ۳۰۹۹ فرد ملکی را کشته و مجروح نموده که از این مجموعه به تعداد ۱۱۴۵ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۹۵۴ فرد ملکی مجروح گردیده است. این رقم در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۱ که ۳۶۵۴ (۵۱۰ مقتول و ۲۱۴۴ مجروح) فرد ملکی کشته و مجروح گردیده بود، در تلفات مجموعی ۱۵ درصد کاهش را نشان می دهد.^{۱۹} کاهش تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، آن روند دائمی را که در جریان پنج سال گذشته تلفات افراد ملکی به طور پیوسته رو به افزایش بود، معکوس نشان می دهد. اما یوناما هنوز هم نگران می باشد. زیرا، تعداد تلفات افراد ملکی هنوز در سطح بالا قرار داشته و با شش ماه اول سال ۲۰۱۰، قابل مقایسه می باشد، به خاطریکه در جریان شش ماه اول سال ۲۰۱۰، به طور مجموع به تعداد ۳۲۶۸ (۱۲۷۱ مقتول و ۱۹۹۷ مجروح) فرد ملکی کشته و مجروح گردیده بود.

بر اساس یافته های یوناما، از اول جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۲ در مجموع ۹۲۵ زن و طفل کشته و مجروح گردیده، که این رقم ۳۰ درصد تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل می دهد.^{۲۰} رقم فوق الذکر در مورد زنان و اطفال در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱، یک درصد افزایش را نشان می دهد.^{۲۱} مواد انفجاری

^{۱۸}. مصاحبه یوناما در شفاخانه هرات، ۱۱ اپریل سال ۲۰۱۲، ولایت هرات.

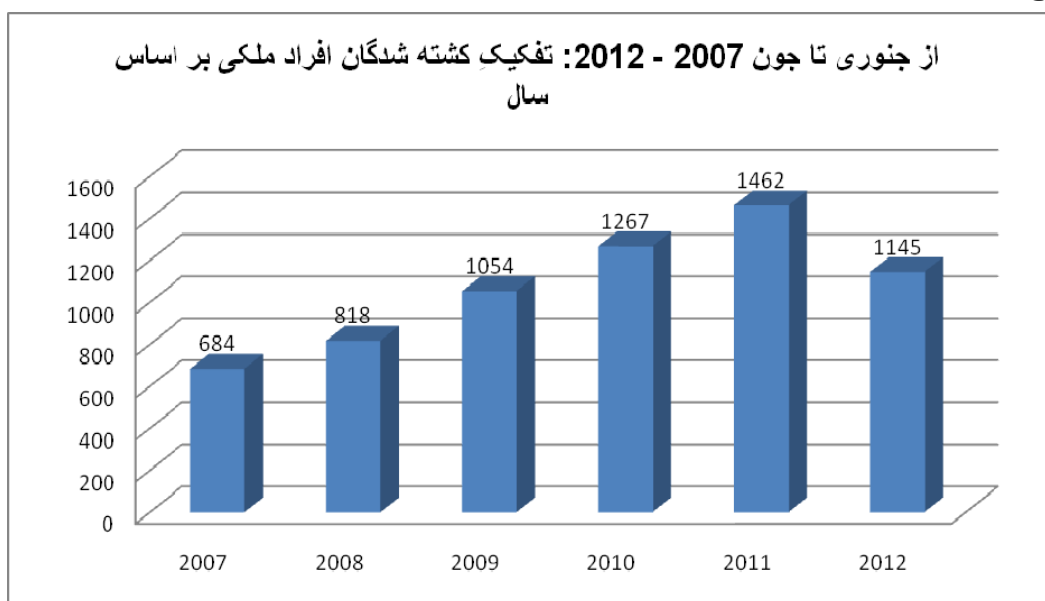
^{۱۹}. ارقام منتشره قبلی دفتر یوناما یعنی ۱۴۶۲ فرد ملکی مقتول در شش ماه اول سال ۲۰۱۱، به تعداد ۴۸ فرد ملکی مقتول که در نتیجه حمله هوایی در ولسوالی غازی آباد ولایت کتر به تاریخ ۱۷ ماه فروری سال ۲۰۱۱ به قتل رسیده بود را شامل نمی گردید. جهت معلومات بیشتر به مبحث حملات هوایی مراجعه گردد.

^{۲۰}. بر اساس کشفیات یوناما، در مجموع ۵۷۸ (۲۳۱ کشته و ۳۴۷ مجروح) فرد ملکی کشته و مجروح را اطفال تشکیل می دهد و ۳۴۷ (۱۱۸ کشته و ۲۲۹ مجروح) را طبقه انات تشکیل می دهد.

^{۲۱}. مجموعاً به تعداد ۱۱۳۹ طفل و زن بین ماه جولای و دسمبر سال ۲۰۱۱ که ۲۹ درصد تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل میدهد، کشته و مجروح گردیده بود. در آن دوره زمانی به تعداد ۳۹۲۰ فرد ملکی کشته و مجروح گردیده بود.

تعییه شده و به تعقیب آن جنگ های زمینی سبب عمده ی کشتارهای زنان و اطفال تلقی می گردد. کمیشنریای عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین گزارش داده است که تا تاریخ ۳۰ جون، خشونت های ناشی از جنگ در حدود ۱۱۴۹۰۰ فرد را بیجا نموده بود. که از این مجموعه به تعداد ۱۷۰۷۹ جدیداً در نیمه اول سال ۲۰۱۲، بیجا گردیده است. تغییر مکان ناشی از جنگ در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، در مقایسه عین مدت سال قبل ۱۴ درصد افزایش یافته است.

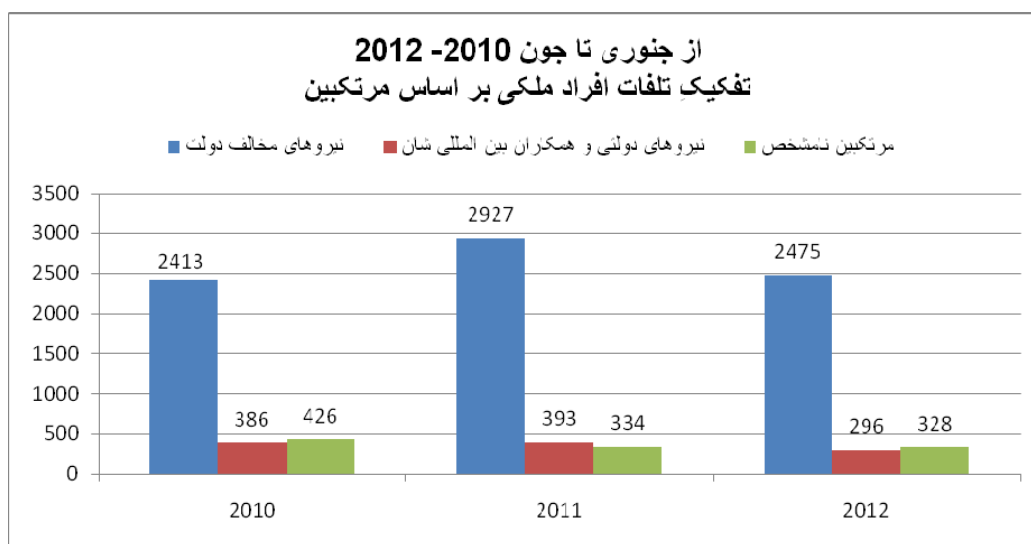
نیروهای مخالف دولت، مسئول ۸۰ درصد تمام تلفات افراد ملکی می باشد. در حالیکه ۱۰ درصد تلفات به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده شده و یوناما نمی تواند ۱۰ درصد دیگر را به هیچ یکی از طرف های درگیر به طور مشخص نسبت دهد.



یوناما از تمام طرف های درگیر در جنگ دعوت به عمل می آورد که به وظایف قانونی شان به طور کامل عمل نموده تا تلفات افراد ملکی و آسیب رساندن به مردم ملکی، کاهش یابد. یوناما مواد انفجاری تعییه شده ی که توسط نیروهای مخالف دولت استفاده می گردد و تفکیک بین اهداف ملکی و نظامی قایل نیست را محکوم نموده و نیز، این نهاد تقاضا می نماید که استفاده از تاکتیک های که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی کرده نمی تواند، مانند مواد انفجاری تعییه شده ی بشقاب مانند که با وارد نمودن فشار منفجر می گردد، به زودی متوقف گردد. یوناما مجدداً از نیروهای مخالف دولت خواهش می نماید که به طور عاجل کشتار سازمان یافته و عمدی افراد ملکی را متوقف سازد.

با وجود تعهدات گسترده ی بین المللی و پیشرفت های مهم در دهه گذشته، فرایند گذار افغانستان به طرف صلح و ثبات هنوز به نقطه اكمال نرسیده است. یوناما از دولت افغانستان تقاضا به عمل می آورد که با کمک ناتو، آسیاف و جامعه بین المللی، تلاشهایش را افزایش داده تا اطمینان حاصل گردد که نیروهای امنیتی افغان به قدر کافی آموزش، تجهیز و حمایت می گردد، تا این نیروها افراد ملکی را در مقابل

آسیب ناشی از جنگ به طور مؤثر محافظت نماید. هم چنان، این نیروها باید بتواند که جلوی خشونت را گرفته و تهدید های ناشی از خشونت های مربوط به جنگ را بر مردم کاهش دهد. در نتیجه، جهت محافظت افراد ملکی و حصول اطمینان از محافظت حقوق اساسی بشری اقدامات بیشتر باید روی دست گرفته شود. یوناما قبل از نشر، این گزارش را با حکومت افغانستان در میان گذاشته و آنها بر تعهدات شان جهت محافظت افراد ملکی در جریان جنگ، تأکید ورزیدند.



نیروهای مخالف دولت و محافظت افراد ملکی

نیروهای مخالف دولت مسئول ۸۰ درصد تلفات افراد ملکی می باشد. این نیروها در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، به تعداد ۸۸۲ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۱۵۹۳ فرد ملکی را مجروح نموده اند. این رقم در مقایسه با شش ماه اول سال ۲۰۱۱ با ۱۱۶۷ فرد ملکی مقتول و ۱۷۶۰ فرد ملکی مجروح، ۱۵ درصد^{۲۲} کاهش را نشان می دهد. یوناما بر نگرانی شان در مورد استفاده دوام دار تاکتیک هایی که توسط نیروهای مخالف دولت استفاده می شود و تفکیک بین افراد ملکی و نظامی کرده نمی تواند، اصرار می ورزد.

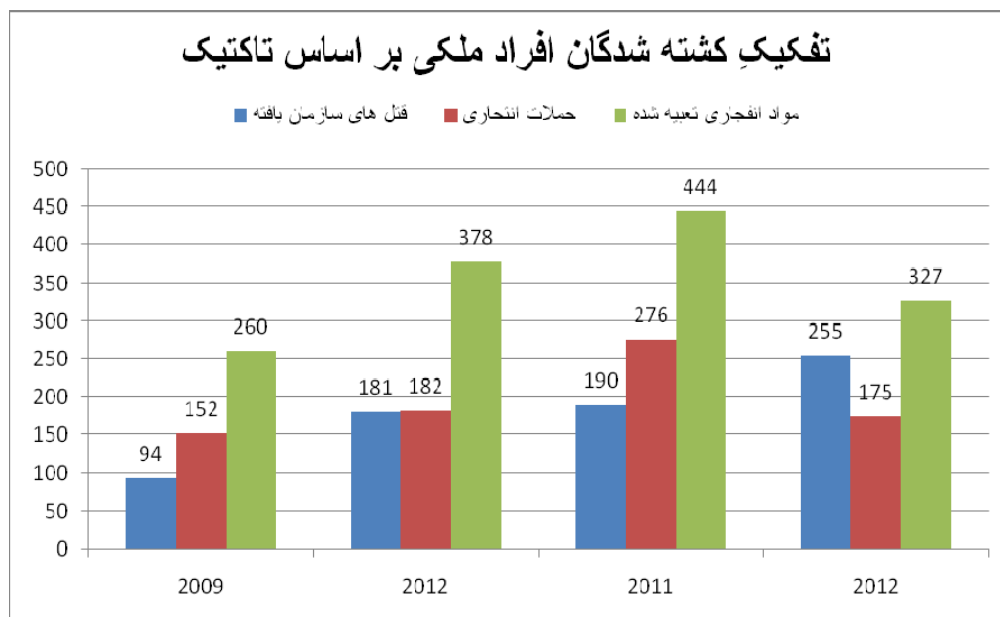
مواد انفجاری تعبیه شده به عنوان تهدید بزرگ علیه افراد ملکی مطرح می گردد. نیروهای مخالف دولت به شکل دوام دار از مواد انفجاری که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی قایل نیست و به شکل غیر قانونی بهره برداری می گردد، استفاده می نماید. از اول ماه جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۲، مواد انفجاری به تنهای باعث ۳۳ درصد تمام تلفات افراد ملکی گردیده است که در مجموع ۳۲۷ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۶۸۹ فرد ملکی را مجروح نموده است. با در نظر گرفتن تمام تاکتیک های که نیازمند استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده می باشد، مثلاً حملات انتحاری و حملات انتحاری پیچیده^{۲۳}، چنین میتوان

^{۲۲} ۲۴ درصد کاهش در آمار قتل ها و ۹ درصد کاهش در مجروحین به مشاهده می رسد.

^{۲۳} تعریف یوناما از حمله انتحاری پیچیده اینست که: "حمله انتحاری به شکل پیچیده عبارت از حمله ی است که به شکل عمدی و هماهنگ شده صورت می گیرد و شامل مواد انفجاری تعبیه شده در بدن انسان و وسایل حمل و نقل می باشد و هم چنان بیشتر از یک حمله کننده و بیشتر از یک نوع ابراز مانند مواد انفجاری تعبیه شده در بدن و راکت، در انجام حمله استفاده می گردد. تمام عناصر سه گانه فوق الذکر باید وجود داشته باشد تا یک حمله از جمله حملات پیچیده به شمار رود.

گفت که این تاکتیک ها، کلاً باعث ۵۳ درصد تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ گردیده است. در اکثر قضایای که مواد انفجاری تعبیه شده باعث تلفات افراد ملکی گردیده، یوناما مشاهده نموده است که چنین مواد انفجاری تعبیه شده به خاطر یک هدف معین نظامی هدایت داده نشده است. به طور مثال، گذاشتن مواد انفجاری تعبیه شده در جاده های که روزمره توسط افراد ملکی استفاده می گردد، منتج به آثاری می گردد که هیچ گونه محدودیتی را نمی شناسد و نیز بر مبنای حقوق بشر دوستانه بین المللی این هدف یک هدف مطلوب نمی باشد. بر اساس قوانین افغانستان، استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده توسط نیروهای مخالف دولت، همیشه یک عمل جرمی محسوب گردیده و اکثر حادثات مواد انفجاری تعبیه شده ی که در سال ۲۰۱۲ منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است، می تواند وجه جرایم جنگی را به خود بگیرد.

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، تلفات افراد ملکی که در نتیجه ی قتل های سازمان یافته توسط نیروهای مخالف دولت صورت گرفته است، ۵۳ درصد افزایش را نشان می دهد. از اول جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۲، یوناما به تعداد ۲۵۵ قتل و ۱۰۱ جرح را در ۲۳۷ حادثه جداگانه ی قتل های سازمان یافته و یا اقدام بر قتل های هدفمند، ثبت نموده است، که در عین مدت سال ۲۰۱۱ بر اثر چنین تاکتیک به تعداد ۱۹۰ فرد ملکی کشته شده و ۴۳ فرد دیگر مجروح گردیده بود. نیروهای مخالف دولت به شکل دوام دار رهبران مردم، مقامات دولتی و افراد ملکی که جهت حمایت دولت و نیروهای بین المللی مظنون قرار می گیرند را مورد هدف قرار می دهد. این تاکتیک ها باعث نقض حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی می گردد، زیرا در آن به صراحت بیان شده است که حملات نباید علیه افراد ملکی صورت بگیرد.^{۲۴}



^{۲۴} قاعده ۱. تشخیص بین افراد ملکی و جنگجویان. حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، جلد ۱: قواعد. جین-ماری جن کردس و لويس دزواک-بيک، کمیته بین المللی صلیب سرخ، کمبریج، ۲۰۰۵.

یافته های مردم: حقوق بشر در مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می شود
احساس مردم نسبت به وضع امنیتی، حکومت و محافظت افراد ملکی با توجه به تغییرات امنیتی که در این گزارش درج گردیده و انتقال مسئولیت های امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان، بطور فزاینده باهم مرتبط هستند. بخصوص در آن ساحاتی که عناصر مخالف دولت بطور فزاینده اعمال نفوذ نموده و آن ساحات را تحت کنترل می گیرد. چنین احساس در گسترش اینکه مردم در استفاده از حق آزادی رفت و آمد، مشارکت سیاسی، تعلیم و مراقبت صحی، احساس امنیت نماید، تأثیر دارد.

یوناما در ۹۹ ولسوالی دور دست و مناطق متأثر از جنگ^{۲۵}، در سراسر افغانستان با مردم رایزنی نموده است، تا نظریات آنها را در مورد نفوذ نیروهای مخالف دولت در بالای جامعه ی شان و تأثیر ناشی از آن را بر محافظت از حقوق بشر، دریافت نماید. یوناما گزارش های نامتناقضی را دریافت نموده است که نشان می دهد، کنترل محدود حکومت در مناطق فوق الذکر، نیروهای ضد دولتی را قادر ساخته اند تا تخطی های حقوق بشری را با معافیت کامل انجام بدهد که این تخطی ها کشتار، قطع عضو، اختطاف و لت و کوب نمودن مردم را شامل می گردد. هم چنان، نیروهای مخالف دولت باعث می گردد که مردم از حقوق بشری شان مانند آزادی رفت و آمد، دست رسی به تحصیل، آزادی بیان و حق تداوی موثر، محروم گردد. یوناما نگران این می باشد که نیروهای مخالف دولت با نقض حقوق اساسی بشری شهروندان افغان و قوانین جزای افغانستان، بطور متداوم تخطی های حقوق بشری را با معافیت انجام می دهد.

هرچند اکثریت مردم گزارش داده اند که در تعداد زیادی از مناطقی که به شکل جزئی یا کلاً در تحت کنترل نیروهای مخالف دولت می باشد، تأسیسات صحی و کارمندان شان توسط نیروهای مخالف دولت مورد حمله قرار نگرفته است.

دخالت غیر قانونی نیروهای مخالف دولت و حملات آنها علیه نهادهای مربوط به تعلیم و تربیت

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما به تعداد ۳۴ حمله را مورد بررسی قرار داده است که علیه تأسیسات آموزش و پرورش صورت گرفته و بر اساس آن کارمندان، معلمین و نهادهای تعلیم و تربیت متأثر گردیده اند. این حوادث به آتش کشیدن مکاتب، قتل های سازمان یافته معلمین و متعلمین، حملات مسلحانه بر تأسیسات آموزشی، اشغال مکاتب، تهدید و مسدود نمودن مکاتب به خصوص مکاتب دختران را شامل می گردد. ۳۴ حادثه ی که تا هنوز به ثبت رسیده است یک افزایش جدی را در مقایسه با عین مدت سال قبل نشان میدهد، زیرا یوناما در عین مدت سال قبل، ۱۰ تا همچون حادثه را به ثبت رسانیده بود. از مجموع ۳۴ حادثه ی متذکره، ۶ تای این حوادث به عنوان قتل های سازمان یافته توسط نیروهای مخالف دولت علیه معلمین، محافظین مکاتب و مقامات اداره تعلیم و تربیت، تثبیت شده است.

۲۵. از ۹۹ ولسوالی که توسط یوناما بررسی گردید، در ۱۱ ولسوالی آن در مراحل یک و دو به ترتیب در ماه جولای و نومبر انتقال امنیت به نیروهای امنیتی افغان صورت گرفته بود. این رقم در حدود ۱۱ درصد تمام ولسوالی های را تشکیل می دهد که بررسی گردیده است.

به حیث یک بخشی از رایزنی های یوناما در ۹۹ منطقه متأثر از جنگ در سراسر افغانستان، یافته ها حاکی از آنست که نفوذ طالبان بر سیستم آموزشی در حال افزایش می باشد و در نتیجه این موضوع می تواند بر دست رسی اطفال به خصوص دختران به تعلیم و تربیت ضربت وارد نماید. نیروهای مخالف دولت نفوذ شان را بر تعداد زیادی از منطقه اعمال می نماید. البته این اعمال نفوذ فقط بخاطر تغییر در نصاب تعلیمی بر مبنای طرز تفکر خود شان نیست، بلکه مبنای برای مذاکره سیاسی با مردم محلی می باشد.

از ۲۶ اپریل سال ۲۰۱۲، در گزارش منشی عمومی، که این گزارش بر موضوع اطفال و منازعات مسلحانه برای سال ۲۰۱۱^{۲۶} پرداخته بود و به شکل فراگیر و جهانی^{۲۷} منتشر گردید، نام طالبان^{۲۸} به عنوان طرفی که مسئول تخطی های جدی مشخص علیه اطفال می باشند، در لیست شان قرار گرفت. گزارش متذکره افراد یا گروهی را در لیست شان درج نمود که بطور مشخص مسئول حمله بر مکاتب، شفاخانه ها بوده و یا هم مسئول تهدید علیه همچون افراد یا مکان های محافظت شده می باشد^{۲۹}.

نیروهای دولتی - همکاران بین المللی شان و محافظت افراد ملکی

بر اساس یافته های یوناما در نتیجه عملیات ها و اعمال ناشی از نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ به تعداد ۱۶۵ فرد ملکی کشته شده و ۱۳۱ فرد ملکی مجروح گردیده اند. این رقم ۲۵ درصد کاهش را در مجموع تلفات افراد ملکی در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱، نشان می دهد، زیرا در آن وقت بر اساس دریافت های یوناما، این نیروها به تعداد ۲۵۵ فرد ملکی را کشته و ۱۳۸ فرد ملکی را مجروح نموده بود.

از هنگامی که یوناما ثبت تلفات افراد ملکی را آغاز نموده است، حملات هوایی به عنوان تاکتیکی می باشد که در مقایسه با تمام تاکتیک های که توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان استفاده می گردد، بیشترین افراد ملکی را کشته و یا مجروح نموده است. بر اساس یافته های یوناما، از اول ماه جنوری تا تاریخ ۳۰ ماه جون، در نتیجه حملات هوایی توسط نیروهای بین المللی ۸۳ فرد ملکی کشته شده و ۴۶ فرد ملکی زخم برداشته است. این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۱، ۲۳ درصد کاهش را در مجموع تلفات ناشی از این تاکتیک نشان می دهد. زیرا، در آن هنگام بر اساس دریافت های یوناما در مجموع ۱۶۷ فرد ملکی با تفکیک ۱۲۷ و ۴۰ به ترتیب کشته و مجروح گردیده بود. در سال ۲۰۱۲، این تاکتیک تقریباً

^{۲۶} گزارش منشی عمومی در مورد اطفال و منازعات مسلحانه (2005)، A/59/695-S/2005/72

^{۲۷} پاراگراف ۸-۱۸ گزارش منشی عمومی در مورد اطفال در منازعات مسلحانه که این گزارش از ماه جنوری تا دسامبر سال ۲۰۱۱ را تحت پوشش قرار میداد. تاریخ ۲۶ اپریل ۲۰۱۲ (S/2012/261 - A/66/782)

^{۲۸} قطعنامه ۱۹۹۸ (۲۰۱۱) شورای امنیت از منشی عمومی می خواهد تا در ضمیمه های گزارشهای شان در مورد اطفال و منازعات مسلحانه گروهای ذیل را لیست نماید: اولاً آن طرف های جنگ را که به طور سیستماتیک بر مکاتب و شفاخانه ها حمله می نماید. ثانیاً آنها را که در یک وضعیت جنگی علیه اشخاصی که با مکاتب و شفاخانه ها ارتباط دارد و از لحاظ حقوقی مصون تلقی می گردد، حمله نموده و یا اینکه اینها را تهدید به حمله می نماید

^{۲۹} لیست فوق الذکر، نیروهای طالبان را بشمول جبهه توره بوره، جماعت السنه الدعوه سلفی و شبکه لطیف منصور، شامل می گردید.
^{۳۰} هرچند که گزارش یوناما در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ نشان می داد که ۱۱۹ فرد ملکی (۷۹ مقتول و ۴۰ مجروح) در نتیجه حملات هوایی کشته و مجروح گردیده بود، اما رقم اصلاح شده ی ۱۶۷ فرد ملکی مقتول و مجروح برای شش ماه اول سال ۲۰۱۱، تلفات افراد ملکی را که در نتیجه حمله هوایی ۱۷ فیروری سال ۲۰۱۱ در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر صورت گرفته بود، نیز شامل می گردد. در حمله هوایی متذکره ۴۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۹ فرد ملکی مجروح شده بود. ارقام منتشره یوناما در مورد تلفات افراد ملکی ناشی از حمله هوایی در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ افراد ملکی مقتول را که در حمله هوایی غازی آباد به قتل رسیده

چهار برابر بیشتر در مقایسه سایر تاکتیک های نیروهای دولتی و همکاران بین المللی، باعث قتل افراد ملکی گردیده است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، از ۱۲۹ فردی که توسط حملات هوایی کشته و مجروح گردیده، ۸۱ آن را زنان و اطفال تشکیل میدهد. این رقم تقریباً دو سوم مجموع تلفات افراد ملکی ناشی از حملات هوایی را پیشکش می نماید.^{۳۱}

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در اثر جنگ های زمینی ۲۱ فرد ملکی را به قتل رسانیده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ فوق العاده کاهش یافته است. زیرا، در عین مدت سال ۲۰۱۱، در اثر این تاکتیک ۶۶ فرد ملکی به قتل رسیده بود.

از اول ماه جنوری تا تاریخ ۳۰ ماه جون، در نتیجه عملیات های جستجو و توقیف توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان به تعداد ۲۰ فرد ملکی کشته شده و ۱۲ فرد ملکی مجروح گردیده اند. این رقم در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۱، کاهش ۲۷ درصدی را نشان می دهد که این در حقیقت سازگاری با آن روند نزولی دارد که در عین مدت سالهای ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، به ثبت رسیده بود.

تلفات افراد ملکی در نتیجه حادثات مربوط به عکس العمل تدریجی نیروهای آیساف و نیروهای امنیتی افغان در مقابل یک پدیده مظنون، در سال ۲۰۱۲ دوام دار کاهش یافته است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، در اثر این حوادث ۲۵ (۹ کشته و ۱۶ زخمی) فرد ملکی در ۱۶ حادثه جداگانه آسیب دیده است. این رقم در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱، کاهش ۴۳ درصدی را در مجموع تلفات افراد ملکی نشان می دهد.

هرچند یوناما کاهش تلفات افراد ملکی را از اثر حملات هوایی به دیده نیک نگریسته، اما بر نگرانی شان در مورد عملیات های هوایی که منتج به قتل و جرح افراد ملکی می گردد، اصرار می ورزد. هرچند، که تعداد زیادی از حادثات تلفات افراد ملکی در هنگام عملیات های بزرگ نظامی علیه شورشیان صورت می گیرد، اما بعضی از عملیات های هوایی که منجر به تلفات افراد ملکی می گردد، در مقایسه با آن نفع محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی حاصل می دارد، به طور واضح افراط آمیز می باشد. به طور مثال، به تاریخ ۶ ماه جون سال ۲۰۱۲، در ولسوالی بره کی برک ولایت لوگر، یک حمله هوایی فرماندهان طالبان را که در یک اقامتگاه شخصی دور هم جمع شده بود، مورد هدف قرار داد، که در اثر آن ۱۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۲ نفر از طبقه انانث نیز مجروح گردید. ۷ نفر از طبقه انانث و ۹ طفل بشمول یک طفل ۱۰ ماهه و ۵ دختر جوان در اثر این حمله از بین رفت. این عملیات در قالب عملیات زمینی آغاز گردید، اما بعد از آنکه نیروهای مخالف دولت با نیروهای نظامی جنگ را آغاز نمود، تقاضای حمله هوایی صورت گرفت. هرچند که حمله هوایی به تعقیب یک سلسله اقدامات مربوط به عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون،

بود، شامل نشده اما ۹ نفر مجروح را شامل می گردید. زیرا، به خاطر ارقام متناقضی که از کشته شدگان افراد ملکی مشاهده می شد، جلوی بررسی و تأیید بموقع را گرفته بود.

^{۳۱} از جنوری تا جون سال ۲۰۱۲، حملات هوایی توسط نیروهای بین المللی باعث شده تا به تعداد ۳۰ (۱۶ کشته و ۱۴ مجروح) زن کشته و مجروح گردد و ۵۱ (۳۹ کشته و ۱۲ مجروح) طفل به قتل رسیده و زخم بردارد.

صورت گرفت، اما نتایج این حمله هوایی باید پیش بینی می شد. یک حمله هوایی تاکتیکی که یک کمپ مسکونی را مورد هدف قرار می دهد، این امکان خیلی زیاد وجود دارد که کشته شدن و آسیب رساندن به افراد ملکی را تصادفاً به دنبال داشته باشد، در اینجاست که در مقایسه با آن نفع مستقیم و ثابتی که از لحاظ نظامی بدست می آید، افراط صورت می گیرد.

حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی به صراحت بیان میدارد که طرفین درگیر در جنگ باید هر اقدام ممکن را انجام دهد تا این را ارزیابی کند که آیا توقع می رود که این حمله قتل و جرح افراد ملکی، آسیب رساندن بر اهداف ملکی یا مجموع از اینها را به شکل اتفاقی به دنبال داشته باشد. اگر چنین شد، به نظر می رسد در مقایسه با نفع محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی انتظار می رود، افراط صورت خواهد گرفت.^{۳۲}

آیساف گام های استواری را جهت جلوگیری از تکرار تلفات افراد ملکی توسط حمله هوایی برداشته است. منشی عمومی در گزارش اخیر خود در مورد افغانستان این را با قدردانی یاد نموده بود که حکومت افغانستان و آیساف دوام دار طرز العمل های شان را به هدف جلوگیری تلفات افراد ملکی بشمول جریان عملیات های هوایی به شکل مؤثر بازنگری می نماید.^{۳۳} بعد از حمله هوایی در لوگر، آیساف اقدامات بیشتری را روی دست گرفته است تا تلفات افراد ملکی را کاهش دهد، مانند دستور العمل جداگانه ی که در وسط ماه جون سال ۲۰۱۲، ایجاد گردید و رهنمود تاکتیکی را در عملیات های هوایی اصلاح می کند. یوناما به این پیشنهاد شان اصرار می ورزد که تمام حادثات تلفات افراد ملکی باید به شکل عاجل مورد بررسی قرار گیرد، و نیز اقدام جبرانی مناسب صورت گرفته و یافته های تحقیق منتشر گردد. یوناما، نیروهای امنیتی افغان را ترغیب می نماید که رهنمودهای تاکتیکی آیساف را در میان خود شان عملی نماید، چون چنین رهنمودها تأکید به عمل می آورد که این یک ضرورت الزامی است تا تلفات افراد ملکی در مناطق که تحت علمیات های آنهاست، کاهش یافته و یا از آن جلوگیری به عمل آید.

پولیس محلی افغان

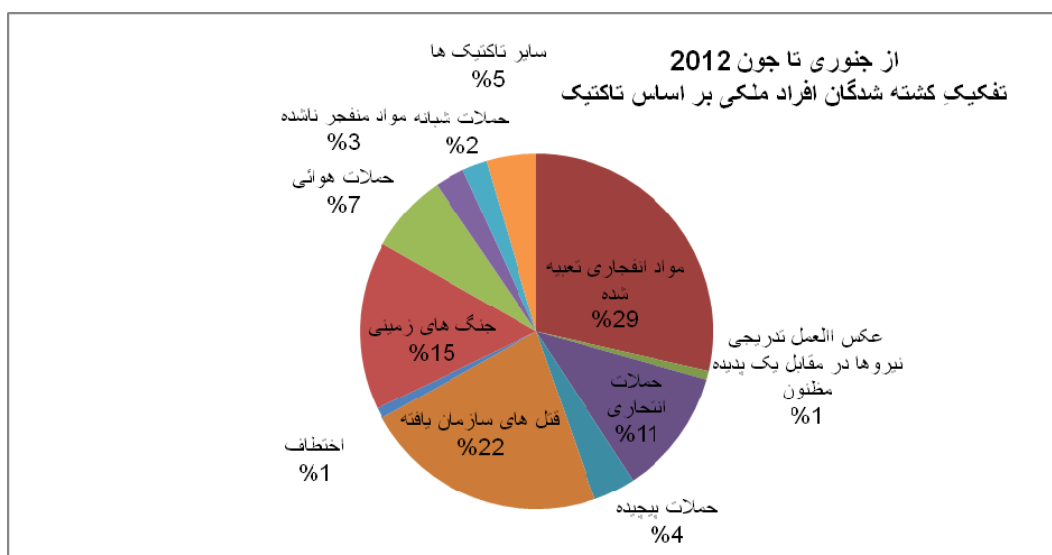
از ماه جنوری تا جون سال ۲۰۱۲، یوناما با حکومت افغانستان و پولیس، رهبران مردمی، بزرگان قومی و سایر نهادهای مربوطه در ۵۱ ولسوالی رایزنی نموده است، تا نظریات آنها را در مورد تطبیق برنامه پولیس محلی در ولسوالی های شان به دست آورد. در این فرایند، یوناما نگرش های گوناگونی را در مورد چگونگی احترام و محافظت حقوق بشر توسط پولیس محلی دریافت نموده است. مردم بهبودی امنیت و کاهش حضور نیروهای مخالف دولت را در خیلی از مناطقی که پولیس محلی حضور دارند گزارش داده اند. هر چند، نهادهای دیگری که با یوناما صحبت نموده است این دست آورد را در قسمت امنیت به دیده

^{۳۲} قاعده ۱۴ در مورد تناسب در حمله و قاعده ۱۸ در مورد اقدام احتیاطی در حمله. حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، جلد ۱: قواعد. جین - مری جن چرتس و لویز ذرواک - بیک، کمیته بین المللی صلیب سرخ، کمبریج، ۲۰۰۵.

^{۳۳} گزارش منشی عمومی سازمان ملل در مورد وضعیت افغانستان و تأثیر آن بر امنیت و صلح بین المللی. شصت و ششمین جلسه مجمع عمومی، شصت و هفتمین سال شورای امنیت، فقره ۳۸ صورت جلسه. A/66/855-S/2012/462, 20 June 2012.

نیک نگریده، اما تعداد زیادی بر موضوعاتی که در گزارش قبلی یوناما در مورد محافظت افراد ملکی^{۳۴} گنجانیده شده بود، اصرار می ورزد. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما به تعداد شش شکایت را از هفت ولایت علیه پولیس محلی درج نموده است. علاوه بر یوناما، گزارش های متناقضی را در مورد استخدام و پروسه آزمایش پولیس محلی، افزایش نفوذ نیروهای مخالف دولت در داخل صفوف آنها، ضعف در فرماندهی و کنترل پولیس محلی توسط پولیس ملی، ضعف و فقدان عمومیت در نظارت بر آنها و عدم پاسخ دهی در مورد تخطی های حقوق بشری که توسط پولیس محلی در گذشته صورت گرفته بود و یا در حال حاضر صورت می گیرد، دریافت نموده است.

در جریان شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما تداوم سایر ابتکارات دفاع محلی را مانند برنامه محافظت از زیر بناهای مهم در شمال و شمال شرق، مشاهده نموده است.



سایر حوادث ناشی از جنگ

گلوله باری های پاکستان بر خطوط مرزی

همان طوری که در سال ۲۰۱۱ ما شاهد آن بودیم، در سال ۲۰۱۲ نیز یوناما گزارش های در مورد حادثات گلوله باری های بین مرزی که از طرف پاکستان فیر می گردید را درج نموده است. این فیرها در ساحات مرزی ولایت کنر در زون شرق افغانستان اصابت نموده است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، در اثر این فیرها ۱۶ فرد ملکی افغان آسیب دیده است. از مجموع ۱۶ فرد ملکی ۱۵ نفر آن مجروح گردیده و ۱ نفر آن کشته شده است. این حوادث در ماه جون باعث گردید که پنج صد فامیل از ولایت کنر بیجاشده و ۳ مکتب مسدود گردد. هم چنان مردم در مقابل این گلوله باری ها تظاهرات نمودند.

^{۳۴} به گزارش سالانه یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در سال ۲۰۱۱، که در ماه فبروری سال ۲۰۱۲ منتشر شده بود، مراجعه گردد.

کاهش تلفات افراد ملکی از ماه جنوری تا جون سال ۲۰۱۲ و تأملی بر عوامل این کاهش

عوامل مختلفی ممکن دلیل کاهش تلفات افراد ملکی باشد. بعضی از عوامل به پیشرفت هایی در زمینه امنیت ارتباط می گیرد در حالیکه عواملی دیگر نشاندهنده ی اینست که نیروهای مخالف دولت ممکن بر تلاش های شان مجدداً تمرکز نموده و یا بعضی از ساحات را در برخی مناطق تحت نفوذ در آورده باشد.

بر مبنای تحلیلی که توسط بخش امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفته است، ظاهراً عملیات های نظامی نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان که فرماندهان، تدارکات سلاح ها، منابع مالی و کمکی نیروهای مخالف دولت را مورد هدف قرار می دهد، سبب شده است تا شبکه های شورشیان را تضعیف نماید. به قتل رساندن بعضی از فرماندهان کلیدی و متعاقباً اختلال در ساختار فرماندهی و کنترل شورشیان باعث شده تا حملات اندکی علیه نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان صورت گیرد. هم چنان، این موضوع باعث شده تا تلفات مجموعی افراد ملکی به خصوص از ناحیه حملات ابتکاری شورشیان علیه نیروهای دولتی و بین المللی و جنگ های زمینی بین شورشیان و نیروهای امنیتی افغان یا آیساف، کاهش یابد. بر مبنای یافته های یوناما، از اثر جنگ های زمینی بین نیروهای ضد دولتی و نیروهای دولتی یا همکاران بین المللی شان، در حدود ۴۲ درصد در کشته شدگان افراد ملکی کاهش رخ داده است. علاوه بر تغییر تاکتیک مخالفین از پرداخت کمتر به جنگ های زمینی و رو آوردن بیشتر به کشتارهای سازمان یافته افراد ملکی، ممکن دلیل ضعف شورشیان باشد.

فرارسیدن بی موقعی یک زمستان خیلی سرد ممکن است که جلوی رفت و آمد، و ظرفیت عملیاتی شورشیان را در شش ماه اول سال گرفته باشد، زیرا این مسأله احتمالاً خشونت های ناشی از جنگ را کاهش داده است. عوامل احتمالی دیگری که به ضعف شورشیان می انجامد، ممکن است نزاعهای داخلی بین گروه های مسلح باشد و این عوامل ممکن باعث شده باشد تا حملات اندکی در چهار ماه اول سال ۲۰۱۲ به خصوص به تعقیب شروع فصل جنگ، صورت گرفته باشد. با وجود اعلامیه عمومی طالبان در دوم ماه می سال ۲۰۱۲ در باره آغاز عملیتهای بهاری و وعده آنها در مورد افزایش حملات، شدت این حملات بر مبنای خواستی که رهبری طالبان داشت، ظاهراً مشاهده نگردید، بخصوص آن عملیات های که در کابل توقع می رفت صورت بگیرد. زیرا سطح این حوادث با رویدادهای ماه می تا جون سال ۲۰۱۰، قابل مقایسه می باشد.

ظاهراً چنین معلوم می گردد که نیروهای مخالف دولت تلاش های شان را علیه نیروهای امنیتی افغانستان به خصوص تمرکز ویژه جهت حملات در مقابل پولیس ملی را شدت می بخشد. تعداد حملات علیه نیروهای امنیتی افغان در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ با ۲۳۱۱ حمله به طور کلی با سطح حملات در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ با ۲۳۳۵ حمله مشابه می باشد.^{۳۵} این موضوع با حملاتی که علیه نیروهای نظامی بین

^{۳۵}. ارقام توسط بخش امنیت ملل متحد به تاریخ ۱۰ جولای سال ۲۰۱۲ تهیه گردیده است.

المللی صورت می گیرد، در تقابل می باشد. زیرا، حمله علیه نیروهای بین المللی در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۱، ۱۰ درصد کاهش را نشان می دهد.^{۳۶}

براساس مشاهدات یوناما، نیروهای مخالف دولت در مناطق دوردست که حضور حکومت در آنجا حد اقل می باشد، بعضی ساحات را تحت نفوذ قرارداده، که این موضوع بر محافظت حقوق بشری این مردم متأثر، تأثیر قابل توجه می تواند داشته باشد.

علاوه بر کاهش حملات بر نیروهای بین المللی که این موضوع خود در کاهش تلفات افراد ملکی کمک می نماید، یوناما خاطر نشان می سازد که هم چنان کاهش تلفات افراد ملکی در نتیجه پیشرفت پایدار طرزالعمل عملیاتی نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بشمول دقت در هدف گیری، صورت گرفته است. در مجموع نیروهای امنیتی افغان و آیساف دوام دار کار می نمایند تا تلفات افراد ملکی را کاهش دهد. این موضوع به طور مشخص زمانی آشکار می گردد که به تلفات افراد ملکی ناشی از عملیات های جستجو و توقیف و کاهش حادثات عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون، نگرسته شود. هرچند تلاش های بیشتر از این باید صورت بگیرد تا در جریان عملیات های هوایی از تلفات افراد ملکی جلوگیری به عمل آید.

۳۶. معلومات ماهانه آیساف، حوادث تا ماه اپریل ۲۰۱۲، حملات ابتکاری دشمن در سراسر کشور، تغییرات ماهوار و سال به سال، ص ۲، منتشره ۲۲ می ۲۰۱۲.

پیشنهادات

یوناما از تمام طرفین درگیر در جنگ تقاضا به عمل می آورد که با وظایف قانونی شان به طور کامل عمل نموده تا تلفات افراد ملکی و آسیب رساندن به مردم ملکی را به حد اقل برساند. یوناما می خواهد تا استفاده از تاکتیک های که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی کرده نمی تواند، مانند مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند که با وارد نمودن فشار منفجر می گردد و بمب های انتحاری، به شکل عاجل متوقف گردد. یوناما از حکومت افغانستان می خواهد که با همکاری جامعه بین المللی اقدامات بیشتری را روی دست گیرد تا افراد ملکی را که در اثر خشونت های ناشی از جنگ متأثر می گردد، محافظت نماید. یوناما پیشنهادات ذیل را جهت بهبودی در محافظت افراد ملکی، ارائه می دارد:

پیشنهادات برای نیروهای مخالف دولت

- نیروهای مخالف دولت مطابق به حقوق بشر دوستانه بین المللی باید عمل نمایند. این نیروها از اصول تفکیک، تناسب و اقدامات احتیاطی حقوق بشر دوستانه بین المللی باید حمایت نموده و نیز فرد ملکی را طوری تعریف نماید که مطابق به حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.
- در مطابقت با حقوق بین المللی هدف قرار دادن افراد ملکی را متوقف نمایند. هم چنان فرامینی که حملات و قتل های افراد ملکی را توسط حملات انتحاری اجازه می دهد، لغو نمایند.
- استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند که با آوردن فشار منفجر می گردد را عاجل متوقف نموده و نیز به شکل همگانی متعهد گردند که استفاده از سلاح هایی که غیر قانونی بوده و تفکیک بین افراد ملکی و نظامی قایل نیست را تحریم نمایند.
- تشکیلات شبه قضایی که مجازات غیر قانونی مانند قتل، قطع اعضا، و لت و کوب را بر مردم تحمیل می نماید، باید لغو گردد. دستور العمل ها، مقررره ها و رهنمود هایی که به اعضای نیروهای جنگی هدایت می دهد تا از تلفات افراد ملکی جلوگیری و اجتناب نماید را اجرا نموده و نیز آن اعضای که افراد ملکی را به قتل رسانیده، مجروح نموده و یا مورد هدف قرار می دهد، مسئول قرار گرفته و پاسخ اعمال خود را دریافت نمایند.
- برای مؤسساتی که برنامه های بشر دوستانه دارند، به طور ویژه آن نهاد هایی که خدمات صحی، شفاخانه ها و داکتران را فراهم می نمایند، باید اجازه داده شود که دست رسی کامل در همه جا داشته باشند. تعهد همگانی باید صورت بگیرد تا اطمینان حاصل گردد که از کمپاین واکسن حمایت صورت می گیرد و نیز به گروهی که واکسین را انجام می دهد اجازه داده شود که کمپاین واکسن را به شکل سالم در تمام نقاط افغانستان انجام دهد.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- گام های جدی بیشتر جهت تقویت نهادهای حاکمیت قانون، به طور مشخص نهادهای قضایی و پولیس به هدف حصول اطمینان از اینکه فعالیت جرمی به شکل قانونی توسط نهادهای حکومتی

رسیده گی می گردد، برداشته شود. این اقدامات شامل تحقیق، تعقیب عدلی و مجازات افرادی می گردد که جزا های غیر قانونی به خصوص قتل افراد را در قالب یک تشکیلات شبه عدلی انجام می دهد. هم چنان، نقض های حقوق بشری و سایر اعمال جرمی که توسط نیروهای مخالف دولت صورت می گیرد، مورد تعقیب قرار گیرد.

■ یک گروه کاهش تلفات افراد ملکی مشابه به گروه کاهش تلفات افراد ملکی مربوط به آیساف در اردوی ملی افغانستان ایجاد گردد، تا اطمینان حاصل گردد که حادثات تلفات افراد ملکی که توسط نیروهای امنیتی افغان صورت می گیرد، به شکل شفاف و بموقع مورد تحقیق قرار گرفته و به طور درست تعقیب می گردد. این موضوع باعث می گردد تا محافظت افراد ملکی، جبران خسارت و پاسخ دهی تقویت گردد.

■ حقوق اطفال به ویژه دختران را به شکل کامل محافظت نموده تا آنها به آموزش و پرورش دست رسی داشته باشند. تلاشها جهت حصول اطمینان به خاطر بازماندن و ایمنی مکاتب باید صورت بگیرد، به نحوی که ماهیت ملکی بودن مکاتب حفظ گردیده و تأسیسات آموزشی برای فعالیت های نظامی استفاده نگردد. معیارهای حقوق بشری که توسط قوانین افغانستان حمایت می گردد و در فهرست مطالب وزارت معارف به تصویب می رسد، باید در نصاب تعلیمی مکاتب گنجانیده شود.

■ رشد ظرفیت و تمویل نیروهای امنیتی افغان جهت فرماندهی، کنترل و عملیات های مؤثر برای مبارزه علیه مواد انفجاری تعبیه شده و انهدام این مواد بشمول استحصال این مواد، در اولیت قرار داده شود.^{۳۷}

■ به اضافه موضوعات مهم دیگر، از میکانیسم آزمایش و بررسی مؤثر، استخدام، نظارت و پاسخ دهی پولیس محلی به منظور جلوگیری از تخطی های حقوق بشری اطمینان حاصل گردد. اطمینان حاصل گردد که برای جرایمی که توسط پولیس محلی صورت می گیرد باید پاسخ قانونی داده شده و هم چنان اطمینان حاصل گردد که سایر نیروهای دفاعی محلی به کمک نیروهای نظامی بین المللی به زودترین فرصت منحل گردد.

پیشنهاد به نیروهای نظامی بین المللی

■ بازنگری رهنمود های تاکتیکی و طرز العمل عملیاتی باید به شکل دوام دار صورت گیرد. به طور مشخص آن رهنمودها و دساتیری که انجام حملات هوایی را تنظیم می نماید، با این دیدگاه که از

^{۳۷} استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثه مواد انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات نظامی قابل استفاده، تا با این روند؛ طرز العمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری تقویت گردیده، منابع شورشیان را کاهش داده و تعقیب عدلی را حمایت نماید. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تکنیکی، قانونی و بایومتریک، شده و تحلیل های را شامل می گردد که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد.

- تلفات اتفاقی افراد ملکی و تخریب اهداف ملکی جلوگیری به عمل آمده و جبران خسارت به قربانیان حملات پرداخته شود. بازنگری بعد از عملیات را دوام دار اجرا نموده و تحقیقات بر قضایای که افراد ملکی بر اساس آن تلف شده است را با هماهنگی حکومت افغانستان انجام دهد.
- شفافیت، پاسخ دهی و برقراری ارتباط بهتر با افراد ملکی که آسیب دیده است را از طریق انتشار همگانی تمام کشفیات آیساف در مورد حادثه ی که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است، بهبود بخشید. پاسخ دهی و اقدامات انطباقی، و نیز تهیه جبران خسارت به شکل سیستماتیک مورد تعقیب قرار گیرد.
 - با نیروهای امنیتی افغان جهت بالابردن ظرفیت تحلیل و گزارش دهی آنها و به خاطر بهبودی در کاهش تلفات افراد ملکی از طریق ایجاد گروه کاهش تلفات افراد ملکی در داخل نیروهای امنیتی افغانستان همکاری نموده و به شکل دوام دار با آنها کار نماید.
 - اطمینان حاصل گردد که نیروهای امنیتی افغان به شکل کافی تمویل و تجهیز گردیده و آموزش ببیند تا به شکل مؤثر؛ فرماندهی و کنترل عملیات های ضد مواد انفجاری و خنثی سازی مواد انفجاری تعبیه شده بشمول بهره برداری هایی که این مواد صورت می گیرد را اجرا نماید.
 - اطمینان حاصل گردد که نیروهای امنیتی افغان در مورد رهنمود های تاکتیکی، دستورالعمل ها و بهترین تجاربی که در افزایش موفقیت آمیز محافظت افراد ملکی دریافت گردیده است، کاملاً آموزش دیده و معلومات حاصل نمایند.

نیروهای مخالف دولت و محافظت افراد ملکی

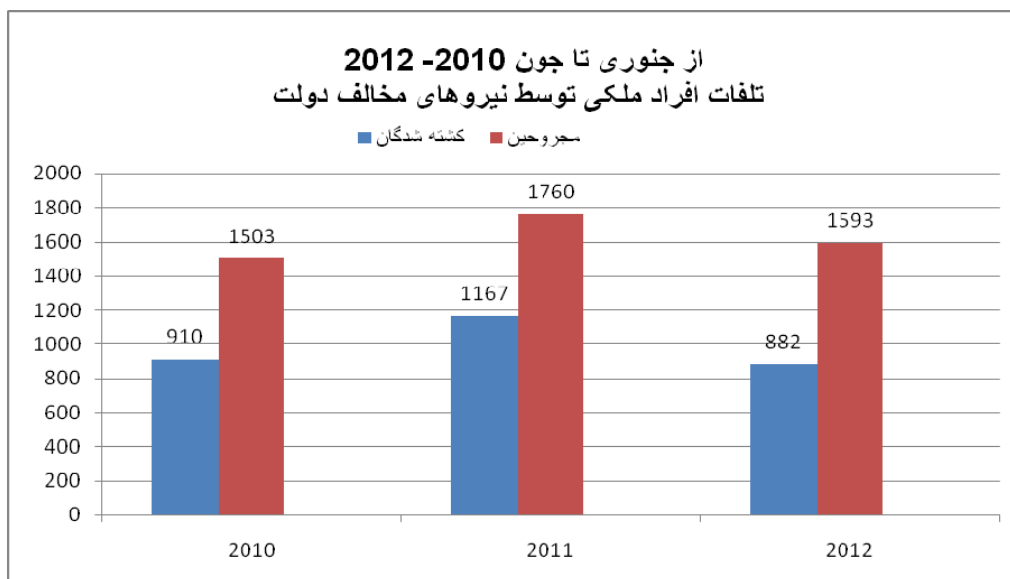
من با کاکایم در محوطه ی هوتل سپوژمی نشسته بودیم و ساعت حدود ۱۱ شب بود. او از من تقاضا کرد که دوربین عکاسی را از موتر آورده تا این ضیافت را ثبت نماییم. من به طرف موتر رفتم و در این زمان صدای فیر را شنیدم. یک مرد مسلح را دیدم که به شکل نامنظم بر مردم فیر می کند و آن را دیدم که بر یک گروپ از مردان جوان که مصروف اواز خوانی بودند و از موسیقی شان لذت می بردند، فیر می نماید. بعضی از آنها فوراً کشته نشده بودند، مجروحین برای کمک فریاد می زدند، اما مرد مسلح دوباره آمد و با هدف قراردادن سر آنها بر آنها فیر می نمود. آن مرد تمام آنها را کشت. من هم چنان دیدم که آن مرد چطور کاکایم را کشت و بالای سرش فیر نمود. مغز کاکایم از سرش بیرون آمد. شما میدانید که کاکایم تازه از ایران آمده بود تا مادر سالخورده اش را ببیند، اما توسط حمله کنندگان کشته شد. حمله کنندگان، محوطه هوتل را بررسی نموده و در داخل ساختمان رفتند تا مردم را جستجو نموده و بکشند.^{۳۸}

یکی از بازماندگان حمله انتحاری پیچیده ی که به تاریخ ۱۵ جون بر هوتل سپوژمی در بند قرغه کابل صورت گرفت.

مرور کلی

بر اساس کشفیات یوناما، در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ به تعداد ۲۴۷۵ فرد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت کشته و مجروح گردیده، که از این جمله ۸۸۲ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۵۹۳ فرد ملکی مجروح گردیده است. در حالیکه در عین مدت سال ۲۰۱۱، به تعداد ۲۹۲۷ فرد ملکی توسط نیروهای متذکره کشته و یا مجروح گردیده بود، که از این جمله ۱۱۶۷ به قتل رسیده و ۱۷۶۰ مجروح شده بود. هرچند آمار مجموعی تلفات افراد ملکی که در نتیجه عملیات های نیروهای مخالف دولت صورت گرفته است، کاهش یافته است اما هنوز این نیروها مسئول ۸۰ درصد تلفات افراد ملکی در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ می باشد. به طور کلی نسبت کشته شدگان افراد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت، از ۸۰ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۷۷ درصد از جنوری تا جون سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است.

^{۳۸}. مصاحبه یوناما با یکی از بازماندگان حمله، ۲۸ جون ۲۰۱۲، کابل.



مواد انفجاری تعبیه شده

من سه تا از اعضای فامیلم را در این حمله از دست داده ام. آنها شامل پسر ۲۰ ساله ام، پسر برادرم که ۱۸ سال سن داشت و برادر ۶۳ ساله ام می گردید. پسر امتحان کانکور را جهت شمولیت در دانشگاه سپری نموده بود، آرزو داشت که در فاکولته انجنیری کامیاب شود. آن فقط ۲۰ سال سن داشته و رویا های زیادی داشت تا آنها را به حقیقت مبدل گرداند. آن هرگز به مرگ فکر نمی کرد، زیرا هنوز خیلی جوان بود. آخرین مرحله ی که او را دیدم یک روز قبل از کشته شدنش بود، چون از قریه آمده بود تا شب را همراهی ما سپری نماید. آن در ساعت ۱۰ قبل از ظهر ما را ترک گفته و ساعت ۱۲:۳۰ به قتل رسید. حالا برای پس آوردن پسر، برادرم و پسر برادرم هیچ چیزی کرده نمی توانم.^{۳۹}

پدری که فرزندش به تاریخ ۱ مارچ سال ۲۰۱۲، در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب قربانی حمله مواد انفجاری تعبیه شده گردیده بود.

استفاده غیر قانونی و غیر قابل تفکیکی مواد انفجاری تعبیه شده توسط نیروهای مخالف دولت باعث شده تا این تاکتیک به عنوان بزرگترین قاتل افراد ملکی معرفی گردیده و عامل اکثریت تلفات افراد ملکی بشمار آید. بر اساس یافته های یوناما، از اول ماه جنوری تا ۳۰ جون سال ۲۰۱۲ به تعداد ۱۰۱۶ فرد ملکی بر اثر این تاکتیک کشته و مجروح گردیده اند که از این جمله ۳۲۷ فرد ملکی کشته شده و ۶۸۹ فرد ملکی مجروح گردیده است و این رقم ۳۳ درصد تمام کشته شدگان و مجروحین افراد ملکی را در نیمه اول سال ۲۰۱۲ تشکیل می دهد. هرچند که مجموع تلفات ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده در مقایسه با

^{۳۹}. مصاحبه که از طریق تلفون با یوناما صورت گرفته است، ۱۱ مارچ سال ۲۰۱۲.

شش ماه اول سال ۲۰۱۱، در حدود ۱۹ درصد کاهش یافته است، اما تلفات افراد ملکی ناشی از این حملات با سطح تلفات در سال ۲۰۱۰ قابل مقایسه می باشد.

بر اساس مشاهده یوناما در اکثریت قضایای که مواد انفجاری تعبیه شده باعث تلفات افراد ملکی گردیده، مواد مذکور اهداف مشخص نظامی را مورد هدف قرار نداده و یا طوری جاسازی شده که آثارش آن گونه که حقوق بشر دوستانه بین المللی ایجاب می نماید، محدود بوده نمی تواند. به طور مثال، یوناما تعداد زیادی از حادثات تلفات افراد ملکی ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب ماندی که با آوردن فشار منفجر می گردد را به ثبت رسانیده که مواد موصوف در جاده هایی جاسازی شده که روزمره توسط افراد ملکی استفاده می گردد.

هرچند تلفات افراد ملکی ناشی از حملات مواد انفجاری تعبیه شده در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است، اما استفاده دوام دار از این تاکتیک غیر قابل تفکیک هنوز نگران کننده می باشد. اکثریت مواد انفجاری تعبیه شده ی مشهوری که توسط نیروهای مخالف دولت استفاده می گردد، شامل مواد انفجاری ذیل می باشد: مواد انفجاری تعبیه شده ی که با تماس قربانی منفجر می گردد، و در بین مواد موصوف استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب ماندی که با آوردن فشار منفجر می گردد، خیلی معمول است. شیوع مواد انفجاری تعبیه شده ی که با تماس قربانی منفجر می گردد در ولایات کندهار، ارزگان، زابل، هلمند و نیمروز در بلندترین سطح قرار دارد. مناطق متذکره اکثریت وسیعی را در استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده، تشکیل می دهد.

یوناما اعلام می نماید که این نوع مواد انفجاری تعبیه شده، دقیقاً به شکل ماین های ضد پرسنل عمل می نماید. از آنجاییکه این مواد بین اهداف افراد ملکی و نظامی تمیز قابل نیست، به عنوان سلاح غیر قابل تفکیک تلقی می گردد. لذاست که استفاده از آن بر مبنای حقوق بشر دوستانه بین المللی غیر قانونی محسوب می گردد.

مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند در افغانستان طوری تنظیم شده است که به مجرد گام گذاشتن و عبور موتر از بالای آن منفجر می گردد. اکثریت این بمب ها در افغانستان در حدود ۲۰ الی ۲۵ کیلوگرام مواد انفجاری دارد که بیشتر از دو برابر مواد انفجاری که در ساخت یک ماین معیاری ضد تانک استفاده می گردد را دارا می باشد، اما با همان وزن ماین ضد نفر منفجر می گردد. این بدین معناست که هر مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند به حیث یک ماین بزرگ زمینی ضد نفر عمل نموده که توان تخریب یک تانک را دارا می باشد. افراد ملکی که بالای این مواد انفجاری قدم بگذارد یا موتری از بالایش عبور نماید هیچ دفاعی در مقابل آن نداشته و چانس اندکی برای نجات دارد. علاوه، تعداد زیادی از مواد انفجاری تعبیه شده با ۲ الی ۴ کیلوگرام وزن تهیه گردیده و به طور ویژه طرح گردیده تا افرادی که پیاده هستند را بکشد و یا معیوب سازد.

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، مواد انفجاری تعبیه شده در ساحات عمومی که معمولاً توسط افراد ملکی استفاده می گردد، منفجر گردیده است. مثلاً در جاده ها، مارکیت ها، دفاتر حکومتی، مکان های که تجمع عمومی صورت می گیرد بشمول بازارها، اطراف مکاتب، دکان ها و ایستگاه های بس. نیروهای مخالف دولت مشخصاً آن مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب ماندی که با فشار وزن منفجر می گردد را در جاده های که حد فاصل بین پیاده روها و شاه راه را تشکیل میدهد، جاسازی نموده و افراد ملکی را که با پای پیاده، بایسکل، بس ها، تاکسی ها و موترهای شخصی عبور نموده را، کشته و یا مجروح کرده است.

هرچند نیروهای مخالف دولت از مواد انفجاری که از راه دور کنترل می شود استفاده نموده و نیروهای طرفدار دولت را مورد هدف قرار می دهد. اما، در بعضی از قضایا چنین تاکتیک بطور نامتناسب افراد ملکی را متضرر می نماید، بطور مشخص وقتی که نیروهای مخالف دولت اهداف نظامی را در ساحات ملکی مورد هدف قرار می دهد. بطور مثال، به تاریخ ۸ مارچ یک مواد انفجاری تعبیه شده ی که از راه دور کنترل می گردید، در مقابل پاسگاه نیروهای امنیتی افغان در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار منفجر گردید. در نتیجه یک طفل کشته شده و ۱۱ فرد ملکی به شمول سه طفل و یک افسر پولیس ترافیک مجروح گردیدند.

یوناما هم چنان نگرانی خویش را در مورد استفاده ی مواد انفجاری تعبیه شده به عنوان تاکتیکی برای ترور افراد ابراز میدارد. هرچند که کشتار افراد ملکی به شکل سازمان یافته بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی به صراحت منع گردیده است، اما ماهیت غیر قابل تفکیکی مواد انفجاری تعبیه شده همراه با آثار نامتناسبی که به بار می آورد، شدت این تاکتیک را افزایش می دهد. به طور مثال، به تاریخ ۱۴ جون، یک مواد انفجاری که از راه دور کنترل می گردید در مقابل خانه رئیس ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات در شهر شبرغان ولایت جوزجان منفجر گردید، که در نتیجه ۱۱ فرد ملکی مجروح گردید. از رقم متذکره دو طفل و یک زن به شکل بی نهایت جدی زخم بر داشته بود.

سایر مثال های همچون حوادث در سال ۲۰۱۲ به قرار ذیل می باشد:

- به تاریخ ۱۸ ماه جون سال ۲۰۱۲، یک مواد انفجاری تعبیه شده ی که از راه دور کنترل می گردید، یک فرمانده پولیس محلی را هدف قرار داده و در بازار ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا منفجر گردید. این انفجار ۴ فرد ملکی و ۴ عضو پولیس محلی را به قتل رسانیده و ۲۱ فرد ملکی را مجروح نمود.
- به تاریخ ۱۲ ماه جون، یک مواد انفجاری تعبیه شده ی که از راه دور کنترل می گردید، در یک دوچرخه جاسازی شده و در مرکز مارکیت ولسوالی چهار بولک ولایت بلخ منفجر گردید. این حادثه ۳ فرد ملکی را بشمول یک طفل دو ساله کشته و ۵ نفر دیگر را مجروح نمود.
- به تاریخ ۲۴ ماه می، یک مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب ماندی که با وارد نمودن فشار منفجر می گردد، در زیر یک مینی بوس شخصی که در ولسوالی قره باغ ولایت غزنی در حال حرکت

بود، منفجر گردید. این حادثه ۱۷ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۲۳ فرد ملکی را مجروح گردانید.

- به تاریخ ۱۲ ماه اپریل، یک مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند که با وارد نمودن فشار منفجر می گردد، در مقابل موتر یک فرد ملکی در ولسوالی گرم سیر ولایت هلمند منفجر گردید. در اثر این حادثه ۲ طفل کشته شده و ۴ فرد ملکی بشمول ۲ طفل مجروح گردیدند.
- به تاریخ ۷ ماه مارچ، یک مواد انفجاری تعبیه شده در یک موتر سایکل جاسازی شده و در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار منفجر گردید. در اثر این حادثه ۴ فرد ملکی بشمول ۲ طفل و یک زن کشته شده و دست کم ۷ فرد ملکی مجروح گردیدند.
- به تاریخ ۱ مارچ، یک مواد انفجاری تعبیه شده، یک تن از بزرگان با نفوذ قومی را در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب مورد هدف قرارداد. در نتیجه این رویداد ۵ فرد ملکی به قتل رسید. هدف اصلی که همانا یک عضو فعال شورای ولسوالی قیصار و ولسوال سابق بود با اعضای فامیلش در این حادثه به قتل رسید.

اکثریت اجزاء تشکیل دهنده ی مواد انفجاری تعبیه شده به افغانستان وارد گردیده و توسط شبکه های حامی جنایتکاران و شورشیان انتقال می یابد. تمام تلاش ها توسط حکومت افغانستان با حمایت جامعه بین المللی باید صورت گیرد تا از داد و ستد غیر قانونی مواد انفجاری به داخل افغانستان جلوگیری به عمل آید.

حملات انتحاری و پیچیده^{۴۰}

وقتی که پولیس موتر سایکل سوار را ایستاد نمود، او خودش را انفجار داد. این حادثه دقیقاً در نزدیک مکتب و در بازار چونی اتفاق افتاد. انفجار تعداد زیادی از مردم را مجروح نموده و نیز اجساد مرده آنها در زمین افتاده بود. در این وقت امبولانس آمد و وضعیت خیلی شلوغ و گیج کننده بود. همه به طرف مکتب می دویدند و هراسان از اینکه مبادا اطفال شان کشته و یا مجروح گردیده باشند. تعداد زیادی از مردم مجروح گردیده بودند. اگر مردم میدانستند که چیزی قرار است اتفاق بیفتد، متعلمین مکتب اجازه داده نمی شد تا در بیرون بیایند. مردم توسط انفجار در هرجای انداخته شده بودند. خون همه جا را فرا گرفته بود. حتا آنها که مجروح نگردیده بودند، لباس های شان توسط خون دوستان شان پوشیده شده بود. ما وابستگان مان را توسط امبولانس در شفاخانه انتقال دادیم و می دیدیم که چه اتفاق می افتد. ما خوشحال بودیم که آنها نمرده بودند. وابستگان من و سایرین جراحات های متعددی داشت. گلوله ها در شانه ها، شکم و بدن های آنها اصابت نموده بود.^{۴۱}

^{۴۰} تعریف یوناما از حمله انتحاری پیچیده اینست که: "حمله انتحاری به شکل پیچیده عبارت از حمله ی است که به شکل عمدی و هماهنگ شده صورت می گیرد و شامل مواد انفجاری تعبیه شده در بدن انسان و وسایل حمل و نقل می باشد و هم چنان بیشتر از یک حمله کننده و بیشتر از یک نوع ابزار مانند مواد انفجاری تعبیه شده در بدن و راکت، در انجام حمله استفاده می گردد. تمام عناصر سه گانه فوق الذکر باید وجود داشته باشد تا یک حمله از جمله حملات پیچیده به شمار رود.

^{۴۱} مصاحبه با یوناما، تاریخ ۳ جنوری سال ۲۰۱۲، شهر کندهار، ولایت کندهار.

یکی از وابستگان قربانیان حمله انتحاری ۳ جنوری در بازار عمومی مزدحم شهر کندهار، که در نتیجه آن ۵ فرد ملکی کشته شده و ۱۸ فرد ملکی مجروح گردیده بود.

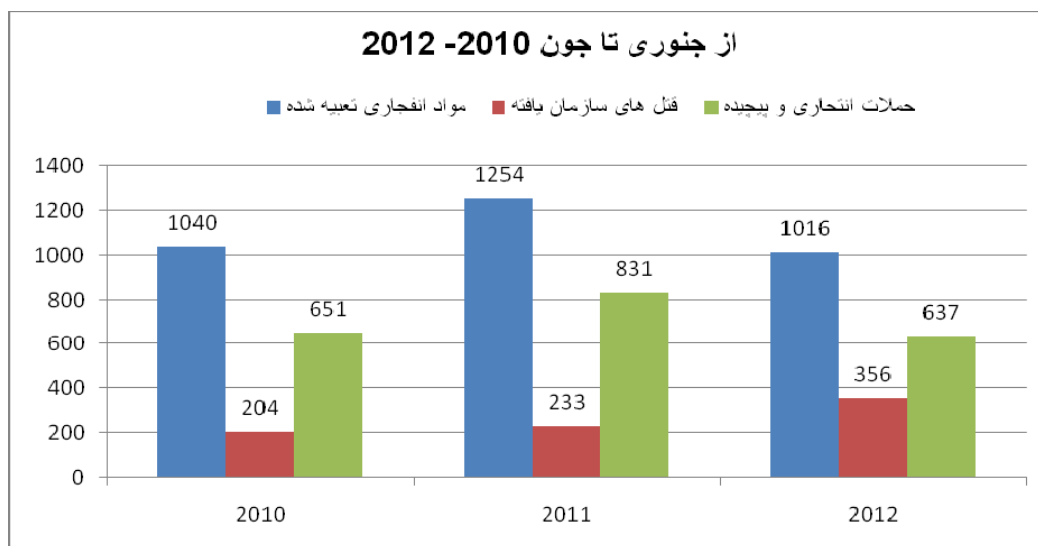
در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، بر مبنای یافته های یوناما به تعداد ۶۳۷ (۱۷۵ کشته و ۴۶۲ مجروح) فرد ملکی در نتیجه حملات انتحاری و پیچیده به قتل رسیده و مجروح گردیده است. این رقم در مقایسه با شش ماه اول سال ۲۰۱۱ که ۸۳۱ فرد ملکی کشته و مجروح گردیده بود، ۲۳ درصد کاهش را نشان می دهد. در حالیکه این نشان دهنده یک روند مثبت است، اما تلفات افراد ملکی ناشی از این تاکتیک در یک سطح بالا قرار داشته و با شش ماه اول سال ۲۰۱۰ قابل مقایسه می باشد. زیرا، در آن هنگام ۶۶۳ (۱۸۳ کشته و ۴۸۰ مجروح) فرد ملکی در نتیجه حملات انتحاری و پیچیده کشته و مجروح گردیده بود.

حملات انتحاری به اشکال مختلف می تواند صورت گیرد. بعضاً این تاکتیک توسط یک فردی که خواه جلیقه ی انفجاری به تن داشته و یا موتر مملو از مواد انفجاری را رانندگی می کند، انجام می شود. گاهی انتحارکنندگان متعددی حملات انتحاری پیچیده را انجام داده که در این نوع حمله رقم بالایی از جنگجویان شرکت می نمایند.

نیروهای مخالف دولت از انواع مختلفی حملات انتحاری به شکل دوام دار استفاده می نماید، که این حملات هیچگونه اعتنایی برای مکان های عمومی ندارد. ساحات ملکی که برای هدف نظامی بکار نمی رود، به شکل دوام دار مورد هدف قرار می گیرد. این ساحات شامل مارکیت های مزدحم، محل تجمع بزرگان قومی و دفاتر ملکی دولت می گردد. این گونه حملات بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی ممنوع بوده و آشکارا وجه جرایم جنگی را بخود می گیرد.

حوادثی که نمایانگر این گونه حملات در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ بوده، قرار ذیل می باشد:

- به تاریخ ۶ ماه جون، دو حمله انتحاری پی در پی در خارج از انبار شرکت سوپریم در شاهراه کندهار- سپین بولدک صورت گرفت که در نتیجه ۲۲ فرد ملکی کشته شده و ۵۰ فرد ملکی مجروح گردیدند.
- به تاریخ ۱۸ ماه جون، یک انتحار کننده، فرمانده پولیس محلی را در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا مورد هدف قرار داد که در نتیجه ۶ فرد ملکی به قتل رسیده و ۲۶ فرد ملکی جراحت برداشت.
- به تاریخ ۱۰ ماه اپریل، یک انتحار کننده ی که مواد انفجاری را در موتر تعبیه نموده بود، در مجاورت مرکز ولسوالی گزره ولایت هرات ۱۳ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۵۷ فرد ملکی را مجروح نمودند.
- به تاریخ ۱۹ ماه می، یک انتحار کننده، پاسگاه پولیس ملی را در ولسوالی تیر زی ولایت خوست مورد هدف قرار داد، که در نتیجه ۱۰ فرد ملکی کشته شده و ۹ فرد ملکی مجروح گردیدند.



قتل افراد ملکی به شکل سازمان یافته و هدفمند

نیروهای مخالف دولت افراد ملکی را که احساس می‌گردد از نیروهای بین‌المللی یا دولت افغانستان حمایت می‌کنند، به طور فزاینده مورد هدف قرار داده و به قتل می‌رسانند. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، به تعداد ۲۳۸ حادثه کشتارهای سازمان یافته به ثبت رسیده است که در اثر آن ۲۵۵ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۰۱ فرد ملکی مجروح گردیده است. این رقم در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱ که در اثر این نوع تاکتیک ۱۹۰ فرد ملکی کشته شده و ۴۳ فرد ملکی مجروح گردیده بود، ۵۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. کارمندان دولتی، افسران پولیس که خارج از وظیفه بودند، پولیس ملکی، بزرگان قومی، افراد ملکی که به اتهام جاسوسی برای نیروهای دولتی و همکاران بین‌المللی شان مظنون تلقی می‌گردید و مقامات دولتی به عنوان کانون اولیه این نوع حملات نیروهای مخالف دولت محسوب می‌گردید.

به تاریخ ۲ ماه می سال ۲۰۱۲، طالبان اعلام نمود که حملات بهاری الفاروق شان، بطور ویژه این هدف را دنبال می‌کند که اهداف ملکی را بشمول مقامات بلند پایه حکومتی، اعضای پارلمان، اعضای شورای عالی صلح، قرارداد کنندگان و تمام آن‌های که در مقابل مجاهدین کار می‌نمایند، به قتل برسانند.^{۴۲} نورم های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر؛ هدف قراردادن عمدی و سیستماتیک افراد ملکی را ممنوع قرار داده، چون این گونه حملات جرایم جنگی محسوب گردیده و حق حیات را نقض می‌نماید. این گونه اعمال به این مفهوم نیست که طالبان تنها دولت را ضعیف ساخته و از وجود کارمندان توانایی شان محروم می‌سازد، بلکه این حملات مردم محلی را مورد تهدید قرار می‌دهد. تعداد زیادی از همچون حوادث که در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاده است، به قرار ذیل می‌باشد:

^{۴۲}. بیانیه شورای رهبری امارت اسلامی در مورد آغاز عملیات بهاری الفاروق، شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان، ۲ ماه می سال ۲۰۱۲.

- به تاریخ ۱۵ ماه می، نیروهای مخالف دولت بر یک گروهی از بزرگان قومی در راه رفتن به یک جلسه مردمی در ولسوالی شیندند ولایت هرات فیر نمود. آنها طوری معرفی شده بودند که از دولت حمایت می کنند. در اثر این حادثه سه تای آنها کشته شده و یک فرد آنها مجروح گردید.
- به تاریخ ۱۲ ماه می، یک گروهی از نیروهای مخالف دولت بر یک فرد ملکی در ولسوالی علیشینگ ولایت لغمان فیر نموده و او را به قتل رسانید. زیرا فرد مقتول، نیروهای مخالف دولت را تهدید کرده بود که در باره طرح جاسازی مواد انفجاری تعبیه شده در نزدیکی خانه شان به نیروهای امنیتی افغانستان اطلاع می دهد.
- به تاریخ ۱۵ ماه مارچ، نیروهای مخالف دولت یک افسر پولیس را که در خارج از وظیفه بود، در خانه شان در ولسوالی گرم سیر ولایت هلمند به قتل رسانید. فرد مقتول در نزد خانواده اش در رخصتی به سر می برد.
- به تاریخ ۴ ماه جنوری، در ولسوالی سنگین ولایت هلمند مردان مسلح ناشناخته یکی از برجسته ترین بزرگان قومی و عضو شورای ولسوالی را هنگامی به قتل رسانید که آنها در حال رفتن به طرف مسجد بودند.
- به تاریخ ۱۳ ماه می، مردان مسلح ناشناخته بر یکی از برجسته ترین اعضای شورای عالی صلح زمانی که وی در داخل موترش در حال حرکت بود، فیر نموده و او را به قتل رسانیدند.

پاسخ طالبان به گزارش سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی

به تاریخ ۵ ماه فیروزی سال ۲۰۱۲، طالبان در ارتباط گزارش سالانه سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی به شکل همگانی عکس العمل نشان داد. آنها یک بیانیه ی را منتشر نموده و یافته های یوناما در مورد تلفات افراد ملکی ناشی از عملیات های شبانه را زیر سوال قرار داد بود^{۴۳}. آنها استدلال نموده بودند که به تعداد ۶۳ فرد ملکی که در عملیات شبانه نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان کشته شده و در گزارش یوناما نیز انعکاس یافته بود، درست نمی باشد. بیانیه طالبان ۳۱ حادثه ی جداگانه ی را یاد داشت نموده بود که ادعا می کردند، یوناما این حوادث را در گزارش سال ۲۰۱۱ شان درج ننموده است. حوادثی که در قالب این لیست تهیه گردیده بود، حملات هوایی، جنگ های زمینی، حوادث تیر اندازی و عملیات های شبانه ی نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان را شامل می گردید.

بعدها، حادثاتی که در بیانیه طالبان منعکس شده بود، به شکل دقیق بررسی گردید، یوناما یک پاسخ مفصل را آماده نموده و سپس این پاسخ با آن منبع طالبان که به شکل همگانی در مقابل گزارش یوناما عکس

^{۴۳}. بیانیه امارت اسلامی در مورد تازه ترین گزارش یکجانبه یوناما در مورد تلفات افراد ملکی، ۲۰۱۲/۲/۵. بیانیه موصوف در آدرس ذیل به شکل آن لاین قابل دست رس می باشد:

http://shahamat-english.com/index.php?option=com_content&view=article&id=14914:statement-of-islamic-emirate-regarding-the-recent-one-sided-unama-report-on-civilian-casualties&catid=4:statements&Itemid=4
Accessed 24 July 2012.

العمل نشان داده بود، در میان گذاشته شد. ۲۳ حادثه از مجموع ۳۱ حادثه ی که لیست شده بود، توسط یوناما بررسی گردیده و تلفاتی که در هر یکی از قضایا وجود داشت را محاسبه نمود. ارقام تلفات افراد ملکی که توسط یوناما جمع آوری شده بود یا با رقمی که طالبان تذکر داده بود، مشابه بود و یا هم در بعضی از قضایا تفاوت اندکی یا بیشتر در رقم تلفات افراد ملکی وجود داشت. از ۸ قضیه باقی مانده که تعداد زیادی از آنها را حملات شبانه تشکیل میداد یا در نزد یوناما به ثبت نرسیده و یا اشخاصی که کشته، مجروح و دستگیر شده بودند، در جمع افراد ملکی محاسبه نگردیده بود.

یوناما خاطر نشان می سازد که بیانیه طالبان بشمول حملات هوایی؛ حملات شبانه و انواع مختلفی عملیات های نظامی و پولیس را که توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان صورت می گیرد، تلفیق نموده بود. این ممکن بخاطر مأموریت های حمایتی نزدیک هوایی بوده که بعضاً بخاطر کمک به عملیات های شبانه استفاده شده و ممکن حملات هوایی را به راه انداخته باشد. در نزد یوناما، عملیات های شبانه، حملات هوایی و جنگ های زمینی به عنوان تاکتیک های جداگانه بشمار می آید. جهت جزئیات بیشتر به ضمیمه ۱ مراجعه گردد.

یافته های مردم

حقوق بشر در مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد

برای مردم قریه ما هیچ گزینه ی دیگر وجود ندارد. دولت اینجا کمتر کنترل دارد و بعضاً حضور کم داشته و یا هیچ حضور ندارد. این موضوع سبب شده است تا طالبان به عنوان یگانه مرجع جهت بدست آوردن و اعمال قدرت عمل نماید. مقامات طالبان در قالب یک حکومت موازی از مردم مالیات جمع آوری می نمایند. آنها هم چنان دهاقین را با نوک تفنگ مجبور می گرداند که حد اقل ۱۰ درصد از محصولات خود را به آنها بپردازد. طالبان هم چنان از مردان جوان دعوت می نماید که وارد نیروهای شورشیان گردیده و آنهایی را که تمایل ندارند تا به جنبش شان خدمت کنند، تهدید به قتل می نماید.^{۴۴} قریه دار یکی از ولسوالی های ولایت بلخ، به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲ با یوناما صحبت نموده بود.

در جریان پروسه مسئولیت انتقال امنیت به نیروهای امنیتی افغان که هم اکنون جریان دارد و ایجاد تغییرات در نیروهای امنیتی، دیدگاه های مردم در مورد محافظت افراد ملکی با هم ارتباط ویژه دارند. احساس مردم نسبت به امنیت و طرز حکومت بر اعمال مردم تأثیر دارد. به طور ویژه زمانی که مردم برای استفاده از حقوق اساسی بشری شان مانند آزادی رفت و آمد، حق اشتراک در امور سیاسی، حق تعلیم و تربیت، و مواظبت های صحی احساس امنیت و آزادی می نمایند. در یک محیطی که احساس نا امنی و حکومت داری ضعیف وجود داشته و مردم در آنجا محفوظ نباشند، باعث می گردد تا از پیشرفت ها، مشارکت جمعی و تمامی خوشبختی های مردم در یک جامعه جلوگیری به عمل آید. به طور مثال، تصمیم یک

^{۴۴}. مصاحبه یوناما با قریه داری که از ولایت بلخ می باشد. ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲، مزار شریف.

فامیل جهت فرستادن دختران و پسران شان به مکتب با درک مردم از امنیت و اینکه آیا اطفال شان به شکل مصئون به مکتب رفته می تواند، ارتباط دارد.

یوناما به حیث بخشی از مأموریتش به هدف نظارت و گزارش در مورد وضعیت افراد ملکی در منازعات مسلحانه و محافظت از حقوق بشر، در سطح کشور ریزنی های را با طیف وسیع مردم افغانستان انجام داده است. هدف از این ریزنی اینست که دیدگاه های مردم را در مورد اینکه تا چه حد از حقوق بشر در مناطقی که حکومت حضور و کنترل محدود دارد، محافظت می شود. این ریزنی، مصاحبه هایی را شامل می گردد که با اعضای جامعه، بزرگان مردم، گروه های جامعه مدنی و مقامات محلی حکومتی در ۹۹ ولسوالی مربوط به ۲۷ ولایت صورت گرفته است. مناطق متذکره یا به شکل کامل و یا به شکل جزئی در تحت کنترل طالبان قرار دارد.^{۴۵}

به تعداد ۱۱ ولسوالی از مجموع ۹۹ ولسوالی که ریزنی ها صورت گرفته بود، پروسه انتقال امنیت را قبلاً یا در مرحله اول (جولای ۲۰۱۱) یا در مرحله دوم (نومبر ۲۰۱۱) تکمیل نموده بودند. که رقم متذکره ۱۱ درصد تمام ولسوالی هایی که نظارت شده بود را تشکیل می دهد. ۳۰ ولسوالی دیگری که در این ریزنی تحت پوشش قرار گرفت، برای مرحله سوم پروسه انتقال که در ماه جولای ۲۰۱۲ شروع شده بود، تنظیم گردیده است. یوناما هم چنان با مردمان ۶ ولسوالی ولایت نورستان و ۶ ولسوالی ولایت کنر ریزنی نموده است. نیروهای بین المللی پایگاه های شان را از ولایت نورستان و کنر در ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ترک گفته بودند، هرچند که در آنجا به شکل رسمی انتقال امنیت صورت نگرفته بود.

صحبت های یوناما با افغان های که در میان روستائیان سراسر کشور زندگی می کنند، یک احساس جمعی را منعکس می کند که نیروهای مخالف دولت به شکل غیر رسمی بعضی از مناطق یا تمام ولسوالی ها در بسیاری از زون های افغانستان را تحت کنترل دارد، با وجود اینکه حکومت افغانستان به طور مجموع کنترل اکثریت کشور را در دست دارد. مردم با نظر موافق بیان می داشت که نیروهای مخالف دولت خود شان را برای مردمان محلی به عنوان بدیل حکومت افغانستان معرفی می نماید. مردم با نظر موافق به یوناما اطلاع داده است که نیروهای مخالف دولت این توانایی را دارد که تخطی های حقوق بشری را با معافیت انجام دهد. تخطی های متذکره، کشتارها، قطع اعضا، اختطاف ها، لت و کوب ها را شامل می گردد. این گونه اعمال باعث می گردد تا از بهره مند شدن حقوق بشری انسانها مانند آزادی رفت و آمد، دست رسی به تعلیم و تربیت، آزادی بیان و حق رجوع مؤثر در ساحاتی که حکومت کنترل و حضور محدود دارد، جلوگیری به عمل آید.

^{۴۵}. لیست کاملی از ولسوالی ها و موقعیت ها بخاطر محافظت افرادی که با یوناما صحبت کرده در این گزارش تهیه نگردیده است.

همان طوریکه بسیاری از آن مناطق به شکل جزئی در تحت کنترل نیروهای مخالف دولت بشمول طالبان قرار دارد، در سال جاری^{۴۶}، حقوق بشر و موضوعات مربوط به محافظت افراد ملکی که در این بخش بازنگری شده است، لزوماً رویدادهای جدیدی را منعکس نمی نماید. بلکه دیدگاه های که بیان گردیده ممکن تصویری شرایطی را به نمایش گزارد که در تحت آن شرایط آن مردمان محلی که مصاحبه گردیده، در یک مدت طولانی زندگی نماید.

موضوعات ذیل یک ارزیابی را از احساس کنونی مردم و نگرانی های مردم محلی در مورد محافظت از حقوق بشر در ساحاتی که نیروهای مخالف دولت کنترل و نفوذ قابل توجه دارد، نشان می دهد.

کنترل مناطق توسط حکومت افغانستان

اکثریت افرادی که توسط یوناما مصاحبه شده است، گزارش داده که در مناطق شان بین نا امنی و عدم حضور حکومت رابطه وجود دارد. مردم از مناطقی که خیلی نا امن می باشد، مشخصاً آن مناطقی که در تحت کنترل شدید نیروهای مخالف دولت می باشد، گزارش داده است که نیروهای دولتی در قریه جات حضور ندارد. در تعداد زیادی از ولسوالی ها مصاحبه شوندگان خاطر نشان ساخته است که حضور نیروهای امنیتی افغان و تمرکز آنها طوریکه که از مراکز ولسوالی محافظت نماید. در یک صحبتی که یوناما با پسر یکی از بزرگان مردم به تاریخ ۲۸ ماه می در ولایت فاریاب داشت، شخص مذکور موضوعات ذیل را به یوناما بیان نمود:

حکومت فقط بر شاهراه کنترل دارد اما دو طرف شاهراه نا امن می باشد. زیرا، طالبان با دست رسی که دارد آمده و هرچه خواست انجام می دهد. حکومت در مرکز ولسوالی کنترل دارد و هم چنان قریه جاتی که اربکی ها در قالب پولیس محلی استخدام گردیده است.^{۴۷}

همان طوریکه حضور نیروهای امنیتی افغان و مقامات حکومتی در اکثریت از مناطق محدود به مراکز ولسوالی می باشد، نیروهای مخالف دولت با آزادی فزاینده در مناطق رفت و آمد می کنند. آنها در قریه جات با این فرض رفت و آمد می نمایند که کنترل مؤثر بر مردم داشته باشند و یا اینکه باشندگان محلی را بخاطر جلب حمایت شان تهدید نمایند. هم چنان تعداد زیادی از این مردم متأثر بطور موافق ناراضیتی

^{۴۶} در زون جنوب، جنوب شرق و شرق افغانستان، تمام ولسوالی ها و در بعضی از موارد تقریباً تمام ولایات به اندازه های مختلف توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد. باشندگان محلی به یوناما اطلاع داده است که بخش های زیادی از ولایات خوست و پکتیکا در جنوب شرق افغانستان تقریباً بطور کامل به استثنای مراکز ولسوالی و ولایت توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد. در ولایات شمالی؛ مانند بلخ، سری پل، فاریاب و جوزجان؛ بعضی از مناطقی که ولسوالی هایش مشخص می باشد به وضعیت فوق الذکر گرفتار می باشد. وضعیت مشابهی در ولسوالی های مشخص ولایات زون مرکزی مانند کابل (فقط ولسوالی سروبی)، کاپیسا، پروان و مناطق وسیع از لوگر و میدان وردک، مشاهده شده است. مردم از ولایات غربی مانند هرات، بادغیس، غور و فراه گزارش داده است که نیروهای مخالف دولت حضور شان را در بعضی از ساحات خارج از مرکز ولسوالی حفظ نموده است. صحبت کنندگان از حضور نیروهای مخالف دولت در ولایات شمال شرق مانند بغلان، بدخشان، کندز و تخار گزارش داده است. در زون مرکزی کوهستانی (بامیان و دایکندی) هیچ ساحه ی در تحت کنترل طالبان نمی باشد. افراد ملکی که در مناطق مرزی با سایر ولایات زندگی می کنند، از حضور نیروهای مخالف دولت در مرزها متأثر می گردد.

^{۴۷} یوناما با پسر یکی از بزرگان با نفوذ قومی که از قوم پشتون بود در ولایت فاریاب مصاحبه نمود. این مصاحبه به تاریخ ۲۸ ماه می سال ۲۰۱۲ در دفتر یوناما در میمنه صورت گرفت.

شان را از حکومت اعلام داشته و در بعضی از مناطق حمایت ایدئولوژیکی خود را از گروههای مخالف دولت به عنوان بدیل حکومتی که فاسد توصیف گردیده است، اظهار داشته اند.

افرادی که مصاحبه شده بودند، این را نیز خاطر نشان ساخته بودند که آیساف و نیروهای امنیتی افغان غالباً عملیات های شان را در مناطقی که به طور آشکار توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد، انجام می دهند. اما، بعد از عملیات به زودی به مراکز ولسوالی برگشته و به نیروهای مخالف دولت اجازه می دهند که حضور شان را در آنجا افزایش دهند. یوناما گزارش هایی متعددی را دریافت نموده است که نشان میدهد، نیروهای مخالف دولت در سرک های روستاها شبانه گشت زنی نموده و پاسگاه های سیار را ایجاد می نمایند. یوناما هم چنان گزارش های را دریافت نموده است که در بعضی از مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می شود، مانند ولسوالی جوند ولایت بادغیس، عملیات های نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در شش ماه آخر کاهش یافته است. در ولسوالی پسابند ولایت غور مردم گزارش داده است که هیچ عملیات نظامی توسط نیروهای امنیتی افغان در شش ماه آخر صورت نگرفته است. این موضوع نگرانی هایی را بین مردم ایجاد نموده است که مبادا این خلای امنیتی باعث گردد تا در نهایت نیروهای مخالف دولت از این وضع بهره برداری نمایند.

نفوذ نیروهای مخالف دولت و کنترل مناطق توسط آنها

در مناطق یا ولسوالی هایی که طالبان و سایر گروه های مخالف دولت به شکل مؤثر کنترل دارد، این موضوع غالباً به توانایی آنها بر می گردد که در آنجا حمایت مردم محلی را به دست آورده و یا آن را حفظ نموده اند. در مناطقی که نیروهای مخالف دولت حمایت مردم محلی را با خود دارند، فرماندهان محلی آنها در چندین قضیه از بین مردم منطقه انتخاب گردیده است، اما حکمران موصوف برای شبکه فرماندهی طالبان در جای دیگر گزارش می دهد. بطور مثال در ولسوالی شارک ولایت غور مردم گزارش داده است که فرمانده طالبان و مقامات آنها در ولسوالی حضور دارند. در جریان یک مصاحبه ی که یوناما با قریه دار یکی از ولسوالی های ولایت بلخ به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲ داشت، اهمیت حمایت مردم محلی را به ارتباط مؤثریت کنترل طالبان چنین بیان داشت:

بعضی از باشندگان محلی وجود دارند که از لحاظ ایدئولوژی طالبان را حمایت نموده و آنها از لحاظ مذهبی تحت تأثیر طالبان قرار گرفته است. این مردمان محلی بر این باورند که طالبان بیشتر از حکومت در احکام شان دقیقاً از اصول شرعی پیروی می کنند. این مردمان سنتی حتا علاقه دارند که به طالبان بپیوندند و آنها بارها طرز حکومت طالبان را بر حکومت افغانستان ترجیح داده است.^{۴۸}

در مناطقی که طالبان و سایر گروه های مخالف دولت حمایت مردمی را بدست آورده نتوانسته است، غالباً مردم محلی مورد اذیت قرار گرفته و مجازات می گردند. بطور مثال، در ولسوالی اندر ولایت غزنی

^{۴۸} یوناما با یک قریه دار در ولایت بلخ مصاحبه نمود. این مصاحبه به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲ در دفتر یوناما در مزار شریف صورت گرفت.

به تعقیب مخالفت مردم محل با عملکرد طالبان، به تاریخ ۲۰ و ۲۳ ماه جون سال ۲۰۱۲ طالبان چهار خانه مردم محلی را با زور آتش زدند.

تخطی های حقوق بشری در مناطقی که در تحت کنترل نیروهای مخالف دولت قرار دارد

تشکیلات شبه قضایی^{۴۹}

یک بچه مادرش را در یک منازعه ی که دلیلش مشخص نبود، لت و کوب نمود. زمانی که طالبان از این موضوع آگاهی یافتند، آمدند و به زودی بچه را از خانه اش گرفته و به یک تپه انتقال دادند. طالبان هم چنان از مردم خواست که در محل حضور یافته و مجازات را ببینند. زمانی که مردم جمع گردیدند، طالبان چشمان بچه را بسته و با تفنگ بر بچه فیر نموده و او را کشتند. در چند دقیقه محدود، طالبان هم قضیه را اعلام نموده و هم مجازاتش را تطبیق نمودند.^{۵۰}

قریه داری که شاهد قضیه فوق الذکر بود. قضیه ی که در آن طالبان در آخر سال ۲۰۱۱ مجازاتی را در محضر عموم در ولایت بلخ اجرا نمود. قریه دار موصوف به تاریخ ۲۷ ماه می سال ۲۰۱۲ در ولایت بلخ توسط یوناما مصاحبه گردید.

مردمان مناطقی که در تحت کنترل شدید طالبان قرار دارند، غالباً دست رسی خیلی محدود به میکانیزم عدلی یا خدمات حکومتی دارند. نیروهای مخالف دولت از این خلای حاکمیت قانون به هدف اعمال ساختار شبه قضایی خود شان در اکثریت مناطق متأثر سود می برند. زیرا، در ساحات متذکره نیروهای مخالف دولت بر قضایای جزایی، منازعات و بر بعضی قضایای که اشخاص بخاطر همکاری با نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان محاکمه و مجازات می گردد، تصمیم می گیرند. این ساختار شبه قضایی غیر قانونی بوده و بر اساس قوانین افغانستان هیچ گونه مشروعیت ندارد. مجازات های شدیدی که توسط این ساختار ها اعمال می گردد، بر اساس قوانین افغانستان عمل جرمی محسوب گردیده و در بعضی از حالات وجه جرایم جنگی را بخود می گیرد. نظر به ماهیت غیر قانونی این میکانیزم ها، یوناما براین نظر است که موجودیت این ساختارها و مجازات ناشی از آن نقض حقوق بشر تلقی می گردد. بنابر این، تحلیل یوناما عناصر این طرز العمل ها را که توسط مردم گزارش داده شده مطابق معیارهای شناخته شده ی حقوق بشر بین المللی، به طور مثال معیارهای محاکمه منصفانه، ارزیابی نمی کند.

^{۴۹} استفاده از ترمینولوژی "ساختار شبه قضایی" در این گزارش به این معنا نیست که اداره شبه نظام های حقوقی که توسط طالبان و نیروهای مخالف دولت اعمال می گردد، قانونی می باشد. این ترمینولوژی فقط به هدف تفکیک بین اعمالی که بخاطر آوردن نظم عامه و کنترل مردم صورت می گیرد (مثلاً کشتار که به تعقیب محاکمه توسط ساختار شبه قضایی انجام می شود) و قتل های که به حیث بخشی از فعالیت های شورشی مانند حملات و قتل های سازمان یافته انجام می پذیرد، استفاده می گردد. یوناما اصطلاح ساختار شبه قضایی را به عوض سیستم شبه عدلی استفاده می نماید. بخاطریکه این میکانیزم ها ذاتاً نه یک میکانیزم عدلی بوده و نه بخشی از سیستم قانونمند متحد الشکل می باشد.

^{۵۰} یوناما با قریه داری یکی از ولسوالی های ولایت بلخ مصاحبه نمود. این مصاحبه به تاریخ ۲۷ ماه می سال ۲۰۱۲ در دفتر یوناما در مزار شریف صورت گرفت.

یوناما تعداد زیادی از قضایای را به ثبت رسانیده است که در آن نیروهای مخالف دولت اشخاص را به ظن همکاری با نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بعد از انجام محاکمه؛ علنی به قتل رسانیده و یا اعضای بدن شان را قطع نموده است.^{۵۱} عدم موجودیت میکانیزم های جبران خسارت در حکومت برای قربانیان تخطی های حقوق بشر (که این تخطی ها توسط ساختارهای شبه قضایی نیروهای مخالف دولت انجام می گیرد)، به عدم حضور پروسیجر قضایی قانونی که به شکل شفاف و کارا عمل نمایند، شدت می بخشد.

قاضی ها و سارنوال های که توسط حکومت در مناطقی که تحت کنترل شدید طالبان قرار دارند استخدام می گردد به خاطر نا امنی به کارشان ادامه داده نمی توانند. این مقامات با خطر ترور شدن توسط نیروهای مخالف دولت مواجه می باشند.^{۵۲} بطور مثال بر اساس یافته های یوناما در زون غرب افغانستان، قاضی ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار و قاضی ولسوالی قرغایی ولایت لغمان به شکل سازمان یافته به قتل رسیده و سارنوال ولسوالی دره پیچ ولایت کنر اختطاف شده بود. در اکثریت ولسوالی های ولایت ارزگان هم اکنون قاضی ها و سارنوال های که به شکل رسمی استخدام شده باشند در ولسوالیها حضور ندارند و دلیلش همانا نا امنی و تهدید های موجوده می باشد.^{۵۳} کشتارهای سازمان یافته، اختطاف و تهدیدها یک فضای وحشت را در میان مقامات به بار آورده و آنها را از کار کردن و احراز شغل در این ساحات باز می دارد.

خلاهای که در حاکمیت قانون وجود دارد؛ مانع دست رسی به عدالت می گردد. نیروهای مخالف دولت این توانایی را دارند که در مناطق دوردست ولسوالی هایی که مردم به آسانی نمی توانند به نهادهای عدلی رسمی در مرکز ولسوالی دست رسی داشته باشند، خیلی به سادگی اعمال نفوذ نمایند.^{۵۴} تعداد زیادی از مردمانی که توسط یوناما مصاحبه شده است در باره توانایی سیستم عدلی رسمی جهت حل و فصل قضایا به شکل منصفانه، بموقع و شفاف با احتیاط صحبت نموده اند. زیرا، موجودیت فساد و بی کفایتی نهاد های عدلی عوامل کلیدی برای ایجاد شک و تردید آنها می باشد. علاوه، تعداد زیادی از صحبت کنندگان گزارش داده اند که نیروهای مخالف دولت تهدید و فشار قابل توجهی را بر مردمان محلی اعمال می نمایند، تا مردم را مجبور کنند که به ساختارهای شبه قضایی آنها رضایت نشان دهند.

ساختارهای شبه قضایی بر خلاف قانون اساسی می باشد. مجازات هایی مانند قتل غیر قانونی و قطع عضوی از اعضا که در ساختارهای متذکره اعمال می گردد، براساس قوانین افغانستان جرم محسوب می گردد. عدم توانایی حکومت برای پاسخ ده نگه داشتن آنهايي که اینچنین جرایم را مرتکب می گردند،

^{۵۱} هرچند در تمام حالات؛ اندکی تفاوت ها توسط یوناما ثبت گردیده است، اما محاکمه ی علنی معمولاً عبارت است از اتهام یک یا تعداد زیادی از افراد توسط نیروهای مخالف دولت در مورد یک جرم مشخص در محضر عموم، که اتهام و جزای مربوطه اعلام گردیده و مجازات به شکل علنی و به تعقیب محاکمه به زودی اجرا می گردد.

^{۵۲} قاضی که به شکل رسمی برای ولسوالی ساغه ولایت غور استخدام شده بود، نظر به نگرانی های امنیتی که وجود داشت به مرکز ولایت انتقال داده شد.

^{۵۳} در بعضی از قضایا؛ کارمندان قوه قضائیه بخاطر معاش اندک، نبود وسایل حمل و نقل، نبود مکان و دفتر در این مناطق حضور ندارند.

^{۵۴} این وضعیت تنها مربوط به مناطقی نمی شود که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد، بلکه در تمام ساحات اطراف افغانستان وضعیت چنین است. در ساحات متذکره حتا چالش های بیشتری فراروی مردم جهت رسیدن به مرکز ولسوالی وجود دارد. زیرا، در مسیر آنها مواد انفجاری تعبیه شده جاسازی شده و نیروهای مخالف دولت وجود دارد.

ممکن بر اساس اصل رسیده گی قانونی به جرایم "که از صلاحیت یک حکومت مشروع می باشد" باعث نقض حقوق بشر گردد.^{۵۵} علاوه‌تاً، انجام چنین قتل های غیر قانونی، قطع عضوی از اعضا و معیوب ساختن افراد به نظر می رسد که باعث نقض شدیدی کنوانسیون های ژنو گردیده و از جمله ی جرایم جنگی محسوب می گردد. ماده ۳ مشترک در کنوانسیون های ژنو اعمال مجازات ها از طریق همچون سیستم های قضایی را به صراحت منع نموده است. ماده مشترک ۳ در جزء (a) بیان میدارد که: "بی حرمتی به یک شخص و بی حرمتی به حیات یک شخص ممنوع است، بطور مشخص تمام انواع قتل ها، قطع اعضا، شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه را منع نموده است." و در جزء (d) گفته شده است که: "صدور مجازات ها و انجام قتل ها بدون دادرسی قبلی توسط یک محکمه ی که بطور قانونی شکل گرفته، و متضمن تمام ضمانت های قضای بوده و نیز در نزد مردمان متمدن جزء لاینفک یک دادرسی سالم معرفی شده باشد، ممنوع گردیده است.

عناصر مشکله ساختارهای شبه قضایی

یوناما جریان چندین محاکمه را بازنگری نموده و یک عده عوامل مشترک را مشاهده نموده است. درحالیکه بعضی از میکانیزم های قضایی بدون اینکه عمومیت داشته باشد و به صورت تک کاره زمانی که طالبان در جلسات جرگه و شورای محلی شرکت می کند و در جریان دادرسی مداخله می کند، تشکیل می گردد. اما ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که بیشتر منظم و کاربردی بوده است.^{۵۶} حتا وقتیکه یک ساختار شبه قضایی منظم وجود داشته باشد، آن ساختار معمولاً متحرک می باشد. در بعضی از ساحات، مردم گزارش داده است که قضایای جرمی خیلی شدید توسط محکمه طالبان در کویته فیصله می گردد. بطور مثال، مردم از غزنی گزارش داده است که کمیسیون های قضایی طالبان بر قضایای جرمی کوچکتر می پردازد، اما قضایای مهم که مجازات اعدام را به دنبال دارد، به محکمه کویته ارجاع می گردد. بطور مشابه، از ولایت ارزگان یک قاضی محکمه ابتدائیه و یک عضو شورای ولایتی گزارش داده است که ساختار قضایی طالبان فعال بوده و قضایای جرمی را در سطح محل فیصله می کنند. در حالیکه قضایای مهم به محکمه طالبان در کویته ارجاع می گردد.^{۵۷}

^{۵۵}. معیار رسیده گی قانونی چنین بیان می دارد که: "هرچند یک عمل غیر قانونی که حقوق بشر را نقض می کند، بعضاً اصلاً بطور مستقیم به دولت نسبت داده شده نمی تواند(مثلاً، بخاطریکه آن عمل توسط یک فرد غیر دولتی انجام شده و یا شخص مسئول هویت اش مشخص نشده است) اما مسئولیت بین المللی دولت مطرح می گردد. نه بخاطر نفس عمل انجام شده، بلکه بخاطر عدم رسیدگی قانونی جهت جلوگیری نقض حقوق بشر یا عدم ارایه پاسخ مطلوب در مقابل آن عمل." محکمه داخلی امریکا در مورد حقوق بشر، دادرسی سال ۱۹۸۸ در مورد قضیه ویلسکز- رادریکز، که (یک سلسله ناپدید شدن های صورت گرفته بود که عامل آنها اشخاص غیر دولتی بودند).

^{۵۶}. در سراسر افغانستان، ملاهای محلی و بزرگان قومی میکانیزم های قضایی غیر رسمی(جرگه) را بکار می برد. این میکانیزم ها شامل حل و فصل دعاوی مدنی و قضاوت بر موضوعات جزایی می باشد. تفاوت اصلی که بین میکانیزم های قضایی غیر رسمی و ساختارهای شبه قضایی وجود دارد اینست که طالبان قاضی های نام نهاد شان را، کمیسیون ها و محاکم را برای این هدف بطور مشخص موظف می نماید. و شاید قانونی که در دادرسی استفاده می گردد، معین باشد. یوناما دقیقاً آن مقررات قانونی که در ساختارهای شبه قضایی استفاده می گردد را نمی تواند تأیید نماید. زیرا، در مناطق و بین گروههای قومی، این ساختار متفاوت است.^{۵۷} یوناما چگونگی قانونی که در جریان دادرسی ها استفاده می گردد را تأیید کرده نمی تواند.

درعمل، بعضی اوقات ساختار شبه قضایی به عنوان مکمل میکانیزم های قضایی غیر رسمی که توسط بزرگان قومی و شورای محلی استفاده می گردد، عمل می نماید. مردم از بعضی بخش های مشخص ولایت جوزجان گزارش داده است که طالبان به میکانیزم های قضایی غیر رسمی اجازه می دهد که منازعات اجتماعی و فامیلی را حل و فصل نماید. اما حق حل و فصل قضایای جرمی را بخود اختصاص داده تا آنها را در محکمه خود شان فیصله نمایند. در سایر مناطق، نیروهای مخالف دولت قاضی ها و سارنوال های نام نهاد خود شان را بخاطر رسیدگی به قضایای جرمی، تعیین می نمایند. این مقامات نام نهاد حضور منظم خود را حفظ نموده، قضایا را فیصله نموده و رأی خود را صادر می نمایند. بطور مثال، در ولسوالی ترینکوت ولایت ارزگان منابع پولیس ملی و امنیت ملی تأیید نموده که یک قاضی نام نهاد طالبان فعالانه قضایا را فیصله می نماید.

یوناما جزئیات طرز العمل تشکیلات شبه قضایی طالبان را در ولایت پکتیکا به تعقیب دست گیر شدن یک قاضی طالبان توسط نیروهای امنیتی افغان و بین المللی در ۸ ماه مارچ سال ۲۰۱۲، به ثبت رسانیده است. تحقیقات نیروهای امنیتی و به تعقیب آن اتهام نامه امنیت ملی این را نشان می دهد که فرد مظنون توسط طالبان مقرر گردیده تا یک کمیسیون قضایی طالبان را در سطح محلی رهبری نماید.^{۵۸} کمیسیون از ۵ نفر تشکیل می گردید که این کمیسیون توسط این فرد مظنون طوری هدایت می شد که حکم دعوی مدنی و جزایی در مدرسه یک قریه مشخص می گردید. فرد مظنون برای قتل چهار نفر متهم بود که آنها را بشمول یکی از والیان سابق غزنی به مرگ محکوم نموده بود.^{۵۹}

مجازات

یک روز، یکی از محافظین از طریق رادیو با همکاری ارتباط گرفت. آنها از غار مرا در یک مزرعه آورد و تصمیم گرفت تا با من یک بازی را انجام دهد. من در حدود ۵۰ الی ۶۰ مرد مسلح را دیدم. آنها چشمانم را بسته نمود. آنها خواست که سرم را از تنم جدا نماید، لذا یک چاقو را در گلویم گذاشت. سپس یک مرد دیگر مداخله نموده به آنها گفت که من کهن سال هستم و دستور داد که گلویم را نه بُرد، اما فقط دستم را قطع نماید. بعد آنها مرا با زور گرفتند و از یک شخص تقاضا نمود که بازوی راستم را بسته نماید. آن شخص دو سر بازویهایم و بازویم را با دو شریان بند بسته نمود. سپس، آنها دستم را ابتدا با بُردن از بالای میچ و بعد از پایین میچ با چاقو قطع نمود. بعد دستم را از استخوان میچ با زور جدا نمود. وقتی که آنها بخش پایین میچم را جدا نمود، خیلی دردناک بود. اما من گریه نکردم و چیغ نزد، زیرا من یک مرد هستم.^{۶۰}

یک قربانی که دستش توسط طالبان در ما اپریل سال ۲۰۱۲ قطع شده بود.^{۶۱}

^{۵۸} تشکیلات شبه قضایی به همان کمیسیون قضایی طالبان گفته می شود که این موضوع هم در اتهام نامه و هم توسط مظنونی که به تاریخ ۶ ماه جون سال ۲۰۱۲، در زندان اصلی ولایت پکتیکا مصاحبه گردیده بود، ذکر گردید.

^{۵۹} فرد مظنون برای قتل افراد از طریق تصامیم محکمه شان، متهم شده بود، و تصامیم موصوف منجر به قتل افراد ذیل گردیده بود: والی سابق غزنی، دو نفر از کارگران شرکت ساختمانی که به گمان همکاری با امریکا به قتل رسیده بود و قتل یک عسکر اردوی ملی که ابتدا توسط طالبان اختطاف شده و بعد به اتهام کمک به حکومت افغانستان به قتل رسیده بود. فرد مظنون توسط محکمه ابتدائیه تیره گردید که به تعقیب آن سارنوال امنیت ملی استیناف طلب شد. قضیه متذکره در حال حاضر در نزد محکمه استیناف ولایت پکتیکا می باشد.

^{۶۰} مصاحبه یوناما در دفتر یوناما در ماه اپریل سال ۲۰۱۲ صورت گرفت. نظریه به نگرانی ها در مورد هویت قربانی و امنیت شخص، جزئیات این مصاحبه و قضیه نمی تواند در این گزارش افشا گردد.

^{۶۱} در ماه اپریل سال ۲۰۱۲، فرد متذکره مصاحبه گردید. بنا بر تقاضای متضرر از ولایت موصوف نام برده نمی شود.

مجازات های که بر اساس تصامیم تشکیلات شبه قضایی دستور داده شده و انجام می گیرد، شامل مجازات های ذیل می باشد: قتل های غیر قانونی، قطع اعضا، معیوب سازی اعضا، لت و کوب نمودن، شلاق زدن و توقیف نمودن.^{۶۲} در سال ۲۰۱۲، یوناما حوادث متعددی را به ثبت رسانیده است که مقامات طالبان مجازات هایی را اعمال نموده اند که نقض قوانین افغانستان و معیارهای حقوق بشر بین المللی شمرده می شود.^{۶۳} حادثات ذیل کمترین مثال های از مجازات های فوق الذکر می باشد:

- به تاریخ ۲۲ ماه جون، در ولایت پروان، ولسوال نام نهاد طالبان؛ قتل یک خانم ۳۷ ساله را دستور داد. خانم موصوف به رفتار غیر اخلاقی متهم شده بود. شوهر قربانی که خود عضو گروه طالبان می باشد، قتل غیر قانونی را انجام داده است. ویدئوی صحنه ی حادثه به شکل گسترده از طریق منابع گوناگون منتشر گردید. منابع حکومتی تخمین می زنند که حد اقل در حدود ۵۰ نفر صحنه ی این قتل را در منطقه ی که صورت گرفته، مشاهده نموده است.
- به تاریخ ۱۷ ماه می سال ۲۰۱۲، در ولایت بادغیس، طالبان محاکمه یک مرد و یک زن را که به انجام زنا متهم شده بودند، برگزار نمودند. این دو نفر به شکل علنی به قتل رسید.
- به تاریخ ۱ ماه فبروری سال ۲۰۱۲، در ولایت بادغیس، یک محکمه طالبان، یک نوجوان محلی را به اتهام جاسوسی برای نیروهای امنیتی افغان محکوم نمود. در اثر این محکومیت گوش نوجوان موصوف را به عنوان مجازات قطع نمودند.
- در ماه فبروری سال ۲۰۱۲، در ولایت غور، یک مرد به اتهام سرقت توسط محکمه طالبان محکوم گردیده و در حدود ۱۵ روز در خانه شخصی یکی از اعضای نیروهای مخالف دولت که ممکن به عنوان توقیفگاه غیر رسمی ازش استفاده می شد، زندانی گردید.
- در ماه فبروری سال ۲۰۱۲، در ولایت غور یک محکمه طالبان، یک مرد و یک زن را به اتهام زنا محکوم نموده و هر دو را به عنوان مجازات شلاق زدند.
- در ماه فبروری سال ۲۰۱۲، در یکی از ولایات افغانستان^{۶۴}، طالبان یک مرد را اختطاف نموده و دست راست آن شخص را بنا بر گزارش قطع نموده اند. طالبان گمان می کردند که یکی از اعضای فامیل شخص متضرر برای نیروهای امنیتی افغانستان کار می نماید. قربانی حادثه گزارش داده است که قبل از مجازات هیچ گونه پروسه محکمه طالبان اعمال نگردیده است، هر چند سایر منابع تأیید نموده که یک محکمه طالبان دستور قطع عضو این شخص را داده است.^{۶۵}

۶۲. اصطلاح مجازات های که به تعقیب طرز العمل تشکیلات شبه قضایی صورت می گیرد به قتل ها و مجازات های عمدی اشخاص توسط عناصر مخالف دولت گفته می شود. طرز العمل متذکره به این منتج می شود که یک شخص مظنون به ارتکاب جرم البته بر اساس تصور که طالبان و سایر نیروهای مخالف دولت از تعریف جرایم دارند، محاکمه شده، محکوم گردیده و بعد هم به قتل برسد. اصطلاح جرم بر اساس دیدگاه آنها جرم همکاری و جاسوسی به نفع نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان و نیز جرم همکاری با حکومت افغانستان را شامل می گردد.

۶۳. بر اساس مصاحبه های که با مردم، سایر منابعی اطلاعاتی و نهادهای که بر حقوق بشر نظارت می نمایند، صورت می گیرد، یوناما به این نتیجه می رسد که تعداد زیادی از مجازات ها توسط تشکیلات شبه قضایی طالبان صورت می گیرد و تمام این حادثات بطور کامل گزارش داده نمی شود.

۶۴. ولایت و زون مربوطه بطور مشخص بخاطر محافظت هویت قربانی افشا نمی گردد.

۶۵. نقل و قول از مجازاتی که در شروع این بخش فرعی پیشکش گردیده مربوط به این قضیه می گردد.

- در ماه دسمبر سال ۲۰۱۱، در ولایت کاپیسا، یک محکمه طالبان مردی را که متهم به جاسوسی برای نیروهای نظامی بین المللی بود، محکوم نموده و به قتل رسانید.
- در ماه سپتمبر سال ۲۰۱۱، در ولایت ننگرهار، نیروهای مخالف دولت یک مردی را که مظنون به انتقال مواد سوخت به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بود، به قتل رسانید. گزارش ها اشاره می کند که چشمان قربانی را پس از مرگ کشیدند.

یوناما از این نگران می باشد که صلاحیت محدود حکومت در این ساحات، نیروهای مخالف دولت را قادر می سازد که تخطی های حقوق بشری را با معافیت انجام دهند. یوناما تنها از یک نمونه ی دستگیری نیروهای مخالف دولت توسط مقامات حکومتی اطلاع دارد که آن فرد مجازات ها را اعلام و اجرا می نمود. بر اساس قوانین افغانستان مجازات های اعمال شده ی آن شخص، عمل جرمی خیلی شدید تلقی می گردید.^{۶۶}

آزادی رفت و آمد

نیروهای مخالف دولت روزمره برای آزادی رفت و آمد افراد ملکی در مناطقی که آنها فعالیت دارند و بطور مؤثر ساحه را کنترل می کنند، محدودیت ایجاد می نمایند. این محدودیت را یا از طریق پاسگاه های متحرک و یا دایمی ایجاد نموده و محدودیت های آشکار را بر رفت و آمد مردم اعمال می نمایند. و نیز مالیات غیر قانونی را بر مسافرین تحمیل می نمایند. علاوهً تعداد زیادی از افراد اظهار داشتند که آنها بخاطری که مبدا مورد هدف و حمله توسط نیروهای مخالف دولت قرار گیرند، می ترسند و آزادانه رفت و آمد کرده نمی توانند. زیرا، نیروهای مخالف دولت در امتداد جاده های عمومی فعالیت داشته و بر جاده هایی که در دست رس همه ی مردم قرار دارند، مواد انفجاری تعبیه شده جاسازی می نمایند. افرادی که در تعداد زیادی از زون ها مصاحبه گردیده است، از وحشتی که پاسگاه های اختصاصی طالبان ایجاد می نمایند، شکایت دارند. بخاطریکه گروپ های از مردان مسلح در این پاسگاه ها موترها را ایستاد نموده، مسافرین را مورد تحقیق قرار داده، اموال را ضبط کرده و در بعضی از قضایا حتا تلفون های موبایل افراد را بررسی می نمایند.^{۶۷} تمام این کارها بخاطری صورت می گیرد تا مدرکی را دال بر ارتباط افراد با نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان پیدا نمایند.^{۶۸}

از آنجاییکه غالباً آن جاده های توسط نیروهای مخالف دولت بطور فزاینده کنترل می گردد که آنها تنها راهی هستند که مردم از طریق آنها به مراکز ولسوالی دست رسی پیدا می نمایند. بناءً موجودیت پاسگاه های متحرک و دایم حق آزادی رفت و آمد را نقض نموده و بطور قابل ملاحظه ی بر معیشت و حق

۶۶. جزئیات این مأخذ در بخش فرعی "عناصر متشکله تشکیلات شبه قضایی" تذکر یافته است. قضیه شامل دستگیری قاضی نام نهاد طالبان در ولایت پکتیکا می گردد و به تعقیب آن اتهام نامه امنیت ملی قاضی مذکور را به قتل چهار فردی که به تعقیب تصمیم محکمه طالبان به قتل رسیده بود، متهم نمود.

۶۷. در سراسر زون شرقی در ساحات متعدد مردم از ضبط و توقیف نوار ویدئویی و بررسی پیام های تلفون موبایل مردم توسط نیروهای مخالف دولت گزارش داده است.

۶۸. مردم از ولایت کونر گزارش می دهد که این پاسگاه های متحرک متشکل از پنج الی ده مرد مسلح می باشد که جاده را برای ۳۰ دقیقه الی دو ساعت مسدود می نماید، البته این مسدودیت به ظرفیت نیروهای امنیتی افغان که چطور به تهدید پاسخ می دهد، ارتباط می گیرد. در جریان این مدت آنها افراد ملکی را ایستاد نموده و مورد سوال قرار میدهند و هم چنان پیام های تلفون موبایل شان را نیز بررسی می نمایند.

اشتغال افراد ملکی تأثیر می گذارد. این موضوع بطور مشخص بر دهاقین نیز تأثیر منفی گذاشته، بخصوص وقتی که آنها نمی توانند در مراکز ولسوالی بخاطر فروش تولیدات شان مسافرت نمایند. بطور مثال، در یکی از ولسوالی هایی ولایت بلخ افراد منطقه گزارش داده اند که بخاطر موجودیت پاسگاه های طالبان و نا امنی در جاده های که به مرکز ولسوالی ختم می گردد، تعداد زیادی از دهاقین مجبور گردیده که محصولات شان را به قریه جات محل به فروش رسانند. این موضوع سبب شده است که دهاقین درآمد های شان را از دست داده و فقر بخصوص در بین دهاقین افزایش یابد. یکی از اعضای شورای روستا در ولایت بلخ در جریان مصاحبه با یوناما به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲ بر تأثیر موضوع متذکره بر معیشت مردم چنین تأکید نموده است که:

ماین های زمینی و مسدود نمودن جاده ها توسط طالبان برای رفت و آمد تعداد زیادی از قریه نشینان ما محدودیت ایجاد نموده است. در نتیجه، روستایی ها مجبور می شوند که حاصلات شان را در داخل قریه فروخته و نتوانند آنها را به مارکیت های ولایت و ولسوالی صادر نمایند. این روستایی ها هم اکنون در میان فقیر ترین خانواده ها قرار دارند.^{۶۹}

وضع مالیات به شکل غیر قانونی

یوناما گزارش هایی را مبنی بر تحمیل مالیات غیر قانونی توسط نیروهای مخالف دولت بر مردم در تمام ساحاتی که یا به شکل کامل یا جزئی در تحت کنترل آنها قرار دارند، دریافت نموده است. چیزی که بسیار معمول است، اینست که نیروهای مخالف دولت پاسگاهها را بخاطر اخذ پول از مسافری به شکل اجبار و اخاذی، ایجاد می نمایند. اکثریت از مصاحبه شوندگان از سراسر کشور به یوناما اظهار داشته اند که نیروهای مخالف دولت وضع مالیات را ضروری پنداشته و مالیات را به عوض اجازه دادن برای مردمانی که از یک زون خارج می شوند، می گیرند. یوناما هم چنان گزارش های را از بعضی از ساحات دریافت نموده است که در آن نیروهای مخالف دولت مالیات را بر معلمین مکاتب محلی وضع می نمایند.

در بعضی از بخش های زون شرق، نیروهای مخالف دولت مالیاتی را بنام عُشر(ده درصد محصولات زراعتی) و زکات(دوینیم درصد پس اندازها) به زور از مردم می گیرند.^{۷۰} در زون شرق این نوع مالیات از طریق امام قریه که به عنوان وکیل طالبان در این خصوص عمل می نماید، به شکل وسیع جمع آوری می گردد.

یوناما هم چنان گزارش هایی را بخصوص از ساحاتی که مردم محل بر کشت کوکنار متکی می باشند، دریافت نموده است. این گزارش ها حاکی از آنست که نیروهای مخالف دولت بطور مشخص مالیات را بر کشاورزان کوکنار وضع می نمایند. در بعضی موقع این مالیات در مقابل خدمات محافظتی علیه کمپاین

۶۹. یوناما با یکی از اعضای شورای روستا که مربوط یکی از ولسوالی های ولایت بلخ می گردد، مصاحبه نموده است. این مصاحبه به تاریخ ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۲ در دفتر یوناما در مزار شریف برگزار گردید.

۷۰. یوناما هم چنان گزارش های را دریافت نموده است که گفته می شود ملیشیا و گروه های مسلح غیر قانونی نیز مالیات را به جبر از باشندگان محلی در بسیاری از ساحات جمع آوری می نمایند. علاوه بر بعضی از حادثات اعضای پولیس محلی نیز دخیل می باشد.

محو مواد مخدر وضع می گردد. بنابر گزارش این قضیه در ولسوالی شیندند هرات و با کشاورزان کونار در شرق افغانستان اتفاق افتاده است.

توانایی نیروهای مخالف دولت برای وضع مالیات بر مردم محلی آن هم به جبر و اکراه و به شکل آزادانه، حضور اندک و محدود حکومت را در این ساحات منعکس می نماید. برخلاف آن هدفی که در سیستم جمع آوری مالیات توسط حکومت نهفته می باشد، علاوه بر این مالیات های غیر قانونی صرف خدمات عمومی نگردیده و هیچ گونه منفعت آن به مردم محلی نمی رسد و بیشتر احتمال می رود که این مالیات برای کمک به خود کفائی نیروهای مخالف دولت و عملیات های شورش می گردد.

تأثیر نیروهای متحرک عناصر مخالف دولت بر محافظت افراد ملکی

بعضی از باشندگان محلی که مصاحبه شده اند، می گویند که نیروهای مخالف دولت از آنها توقع دارند که جنگجویان را به خانه های شان جا دهند و یا به آنها اجازه دهند تا از مایملک افراد ملکی برای عملیات های شان استفاده نمایند. جا دادن جنگجویان؛ شامل تهیه جا و منزل برای چند شب و نیز پناه دادن به جنگجویان در جریان عملیات های جستجو و پاکسازی نیروهای دولتی و بین المللی می گردد. در مناطقی از ولایت بغلان که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد، مردمان محلی شبنامه هایی را دریافت نموده اند. در شبنامه های متذکره به مردم محلی دستور داده شده بود که در جریان شب دروازه های خانه های شان را بخاطر جا دادن به اعضای گروه طالبان باز بمانند. در بعضی از مناطق ولایت ننگرهار، نیروهای مخالف دولت از زمین های مزروعی مردم محل بخاطر نگاهداری یا مراکزی جهت شروع عملیات های شان علیه نیروهای دولتی و بین المللی، استفاده نموده است. مردم ولایت فاریاب به یوناما گزارش داده است که در جریان روز نیروهای مخالف دولت موتورسایکل های مردم محل را توقیف نموده و بخاطر گشت زنی در ساحه از آنها استفاده می نمایند. و غالباً این نیروها در داخل خانه های مردم محل بخاطر محافظت از خود شان در مقابل نیروهای امنیتی افغان پنهان می گردند.

استفاده از خانه ها و مزرعه های افراد ملکی بخاطر محافظت نیروهای مخالف دولت، یا مستقر شدن بر یک ساحه بخاطر انجام حملات، آسیب پذیری افراد ملکی را تشدید نموده و از اثر فعالیت های نیروهای مخالف دولت خطر جدی متوجه افراد ملکی می گردد، زیرا به نظر نیروهای امنیتی افغان و نظامیان بین المللی چنین تبلور می نمایند که گویا افراد ملکی در فعالیت های شورشیان دست دارند. در همچون اعمال از افراد ملکی به حیث سپر انسانی استفاده شده و برای نیروهای امنیتی افغان و آیساف جهت تفکیک بین جنگجویان و غیر جنگجویان در جریان عملیات ها مشکلات ایجاد می نماید. در نتیجه دامنه تلفات افراد ملکی را وسعت می بخشد. حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی به صراحت استفاده از سپر انسانی را منع نموده است.

آزادی بیان

مردمان محلی هیچ چیزی در مقابل طالبان و یا به نفع حکومت گفته نمی تواند. زیرا، آنها همیشه می ترسند که توسط طالبان به اتهام جاسوسی برای حکومت به قتل نرسند.^{۷۱} یکی از بزرگان قومی از ولایت بغلان به تاریخ ۴ ماه جون سال ۲۰۱۲ با یوناما صحبت نمود.

در تمام مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد، افراد محلی به یوناما اطلاع داده اند که آنها به شکل آزادانه نظریات شان را بخاطر ترس انتقام توسط نیروهای مخالف دولت، بیان کرده نمی توانند. در غیاب آزادی بیان، نیروهای مخالف دولت از جلسات علنی، ثبت ویدئو و سایر انواع ارتباطات استفاده نموده تا از این طریق دستور جلسه و لفاظی هایش را بر مردم تحمیل نمایند. فعالیت های اینها شامل استخدام جنگجویان بشمول استخدام اطفال نیز می گردد. بطور مثال، یک منبع از ولایت جوزجان گزارش داده است که طالبان معمولاً تجمعات علنی را در مسجد، مکاتب مذهبی و ساحات عمومی برگزار می نمایند. در جریان این جلسات، آنها مردم را موعظه نموده و افراد، بخصوص نسل جوان را ترغیب می نمایند تا به طالبان بپیوندند. مثلاً، از طریق ویدئو یک بچه ۱۵ ساله را در جریان تجمع سازمان یافته و علنی طالبان در یک مسجد در ولایت جوزجان نشان میدادند که شهادت را با بیان کلمات ذیل می پذیرد:

مادرا! من در یک جنگ می روم. لطفاً برایم دعا نمایید که در جنگ به شهادت برسم. می خیلی خوشحال میشوم که اگر در جنگ علیه دشمنان اسلام کشته شوم.^{۷۲}

نیروهای مخالف دولت از شبنامه ها به عنوان ابزار تهدید، ارعاب یا اخطار علیه باشندگان محلی همیشه استفاده می نمایند. شبنامه های متذکره در مقابل آنهایی استفاده می گردد که حکومت افغانستان یا نیروهای نظامی بین المللی را حمایت نموده و یا با آنها کار می نمایند. مردم از مناطق متعدد در شرق افغانستان، گزارش داده اند که نیروهای مخالف دولت از رادیوهای محلی و شبنامه هایی استفاده نموده تا مردمانی که از حکومت حمایت می نمایند را اخطار دهند. از بعضی از ولسوالی های ولایت لغمان مردم به یوناما گفته اند که بخاطر تهدیدها از طرف طالبان یک شرکت مخابراتی مجبور گردید که فعالیت مخابراتی شان را در جریان شب خاموش نماید.^{۷۳}

^{۷۱}. یوناما با یکی از بزرگان قومی مربوط به ولایت بغلان مصاحبه نموده است. این مصاحبه به تاریخ ۴ جون سال ۲۰۱۲ در دفتر یوناما در پل خمی صورت گرفته است.

^{۷۲}. یوناما با یک مقام پولیس در ولایت جوزجان به تاریخ ۲۰ ماه می سال ۲۰۱۲ مصاحبه نمود. مصاحبه در دفتر یوناما در جوزجان صورت گرفت. به یوناما یک ویدئوی نشان داده شد که در آن یک تجمعی را نشان میداد که توسط طالبان در یکی از ولسوالی های جوزجان ترتیب داده شده بود.

^{۷۳}. مردم گزارش داده اند که دلیل اصلی غیر فعال ساختن ارتباطات تلفونی اینست که جلوی افراد ملکی را برای اطلاع دادن فعالیت های نیروهای مخالف دولت به نیروهای دولتی و بین المللی بگیرد. این موضوع جاسازی مواد انفجاری تعبیه شده در جریان شب را نیز شامل می گردد.

تهدید ها و حملات جهت اعمال دستور العمل های اخلاقی

منابع متعدد گزارش داده است که نیروهای مخالف دولت وقتی مردم را تهدید و به آنها آسیب می رسانند و یا هم آنها را به قتل می رسانند که مردم از قواعد اخلاقی که توسط طالبان تفسیر گردیده، سرپیچی نموده اند. به تاریخ ۷ ماه جون در یک روستائی در ولایت بلخ یک گروه ۱۱ نفری نیروهای مخالف دولت به یک خانه محلی حمله نمود، زیرا در آن خانه به عنوان بخشی از جشن عروسی صدای موزیک شنیده می شد. این گروه مسلح بر مردم در داخل خانه فیر نموده که در نتیجه دو فرد به قتل رسیده و سه نفر دیگر مجروح گردیده اند. یک مرد محلی که شاهد این حمله بود به یوناما گفت که در ۱۷ ماه می سال ۲۰۱۲:

در یک محفل عروسی، من رقص مردم را که در آن مردها گرد هم جمع شده بودند، نظاره می کردم. ناگهان صدای چند فیر تفنگ را شنیدم. ظاهراً بعضی از گروه های مسلح در این زمان حمله نموده و ابتدا به طرف هوا فیر نمودند. آنها یک مرتبه با صدای بلند فریاد زدند که "الله اکبر" یعنی خداوند بزرگ است و بعد به فیر نمودن دوام دادند. آنها ابتدا بر دو مردی که رقص می کردند فیر نموده و آنها را به قتل رسانید. هرچند حمله کنندگان نگفتند که آنها کیها هستند، اما ما میدانیم که آنها طالبان بودند بخاطریکه آنها تنها کسانی هستند که از موزیک متنفر می باشند.^{۷۴}

چنین حملات به هدف اعمال دستور العمل های اخلاقی در ساحاتی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل نمی گردد، نیز صورت می گیرد. به تاریخ ۲۱ ماه جون، نیروهای طالبان بر رستوران سپوژمی در بند قرغه ولایت کابل حمله نمودند. گزارش ها حاکی از آنست که حمله کنندگان بر مهمانان و افراد ملکی از یک فاصله نزدیک فیر نمودند که ۲۱ فرد ملکی را به قتل رسانیدند. کشته شدگان شامل سه محافظ امنیتی، سه افسر پولیس و ۱۵ فرد دیگر را شامل می گردید. در این حادثه هفت فرد ملکی به شمول دو خانم مجروح گردیدند. طالبان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته و اظهار داشتند که رستوران متذکره به حیث مکان رفتارهای غیر اخلاقی استفاده می گردید که این موضوع خلاف اصول، نورم ها و ارزش های اسلامی می باشد.

افراد محلی به یوناما گزارش داده است که نیروهای مخالف دولت باشندگان محلی را بخصوص در ارتباط طرز لباس و ظاهر افراد تهدید و اذیت می نماید. به تاریخ ۱ ماه جون سال ۲۰۱۲، در ولایت پکتیکا یک شب نامه توزیع گردیده بود که از طریق آن مردم را از پوشیدن لباس ورزشی که بدن را برجسته نشان می دهد، منع نموده بود. در یکی از مناطق ولایت ننگرهار، طالبان مردمان را که کریکت بازی می کنند، تهدید کرده بود و گفته بود که تفسیری که آنها از اسلام دارند، این بازی را اجازه نمی دهد.

دست رسی به خدمات صحی

بر اساس گفته های باشندگان تعداد زیادی از مناطق، نیروهای مخالف دولت تأسیسات خدمات صحی و فعالیت های آنها را بطور مستقیم از طریق حملات شان مورد هدف قرار نمی دهد. براساس گفته های

۷۴. یوناما با یکی از شاهدین این صحنه مصاحبه نموده است. شاهد صحنه از طریق تلفون توسط دفتر یوناما در مزار شریف به تاریخ ۱۷ ماه می سال ۲۰۱۲ مصاحبه گردید.

کارمندان صحتی که فعالیت های بشر دوستانه دارند، تعداد زیادی از آزار و اذیت ها و موانع فراروی کار آنها بخصوص زمانی که مردم محلی را دیدن می نمایند، از عدم ارتباط یا بعضاً از سوء تفاهمات با نیروهای مخالف دولت در داخل جامعه ناشی می شود. نیروهای مخالف دولت معمولاً از آسیب رساندن به کارمندان صحتی خود داری می نمایند، هرچندی که حادثاتی اتفاق افتاده که در آن کارمندان صحتی گرفتار، تهدید، اذیت شده و یا در جریان سوالات جراحات های سطحی برداشته است. مردم گزارش داده است که در محدود حادثاتی که کارمندان و تأسیسات صحتی مورد حمله قرار گرفته و یا اذیت شده اند، انگیزه این کار ظاهراً ارتباط با آن هدف گسترده تری می گیرد که افراد را از کار کردن و حمایت تأسیساتی که توسط حکومت پیش برده می شود، باز دارد.

در شرق افغانستان، نیروهای مخالف دولت برای یک حلقه مشخص دکترا نی که توسط وزارت صحت عامه استخدام شده بودند، اجازه دادند تا در مناطقی که تحت نفوذ آنها قرار دارند، سفر نمایند. افرادی که با یوناما مصاحبه نموده اند، دلیل این کار را چنین بیان داشته اند که نظر به عدم دست رسی مردم محل به دکترا نی جهت رفع نیازمندی های صحتی آنها، این کار صورت گرفته است. در حالیکه نیروهای مخالف دولت در بسیاری از ساحات با کارمندان صحتی محترمانه رفتار نموده اند، اما از بعضی از مناطق مردم پیام های ضد و نقیض داده اند. بطور مثال، در اوایل سال ۲۰۱۲، نیروهای مخالف دولت در ولایت پکتیکا شب نامه های را توزیع نمود که در آن کارمندان صحتی تهدید شده بود. چند ماه بعد، در یک شبنامه ی که مردم از کار کردن با نهادهای حکومتی منع گردیده بود، کارمندان صحتی را مستثنی نموده بود. یوناما گزارشی را دریافت نموده که در آن نیروهای مخالف دولت صراحتاً در ساخت یک شفاخانه مخالفت نشان داده، زیرا موقعیت شفاخانه در مکانی پلان شده بود که آن مکان در تحت کنترل حکومت قرار داشت و نیروهای مخالف دولت نمی توانست بر آن دست رسی داشته باشد.^{۷۵}

یوناما گزارش های را دریافت نموده است که در بعضی از ساحات نیروهای مخالف دولت قید نموده اند که کدام یکی از نهادها و افراد می تواند خدمات صحتی را فراهم نماید. در یکی از ولایات زون شرقی، نیروهای مخالف دولت فقط به یک مؤسسه غیر دولتی بین المللی اجازه داده است تا خدمات صحتی را برای مردم محل فراهم نماید. در مناطق دیگر، طالبان محدودیت ها را فراروی استخدام خانم های که متأهل نیستند ایجاد نموده و فقط خانم های کهن سال را اجازه داده بودند که به عنوان قابله ها کار نمایند. نیروهای مخالف دولت هم چنان دکترا نی و کارمندان صحتی را در پاسگاه های شان مورد آزار و اذیت قرار میدهند.

نیروهای مخالف دولت بطور عموم از کمپاین واکسین فلج اطفال حمایت می کنند. زیرا، آنها به این فکر هستند که این یک اقدام بی طرفانه است، با این فرض که اکثریت داوطلبان و فراهم کنندگان این پروسه توسط مجریان کمپاین فلج اطفال از میان مردم انتخاب می گردد. براساس گزارش های مؤسسه صحتی

۷۵. براساس گزارشی که در مورد کمپاین فلج اطفال توسط مؤسسه صحتی جهان و یونسف منتشر شده بود، در بعضی از ساحات گروه های واکسین زنی نظر به نگرانی که در مورد جاسازی ماین ها در این ساحات وجود دارد، قادر نیستند که خانه به خانه واکسین را انجام دهد.

جهان و یونسف در مورد کمپاین فلج اطفال، دست رسی کارمندان صحنی در اکثریت از ساحات ولایات هلمند و ارزگان برای واکسین زنی بهبود یافته است. و تعداد حادثاتی که گروه های واکسین زنی را متأثر می سازد، کاهش یافته است. دست رسی کمپاین واکسین فلج اطفال در بعضی از ولسوالی های ولایت کندهار مانند شاه ولی کوت، میانه شین، میوند، ژیری و پنجوائی بخاطر جنگ مسلحانه محدود می باشد. علاوهً مردم دو مثالی که نیروهای مخالف دولت مانع کارمندی که فعالیت بشر دوستانه دارند و واکسین زنی می نمایند را گزارش داده است. در ولسوالی های سرکانی، مروره، کوزکنر و واته پور ولایت کنر و ولسوالی کامدیش ولایت نورستان در شرق افغانستان، نیروهای مخالف دولت تطبیق واکسین فلج اطفال به شکل خانه به خانه را مانع شده بود. در نتیجه در حدود ۱۵۰۰۰ طفل واکسین نگردید.^{۷۶}

در بعضی از ساحات، نیروهای مخالف دولت پیامهای ضد واکسین زنی را از طریق رادیو پخش نموده و بعضاً می گوید که واکسین زنی باعث جلوگیری از تولید مثل می گردد. یوناما گزارشی را دریافت نموده که در یکی از مناطق، نیروهای مخالف دولت به مردم محل از طریق رادیو اطلاع داده بودند که واکسین زنی یکی از تاکتیک های صهیونیست می باشد و از این طریق به باروری ضربه زده و جلوی تولید مثل را در بین مسلمانان می گیرد. بطور مشابه، در بعضی از ولسوالی های ولایت کندهار برنامه واکسین فلج اطفال به تأخیر افتاد که دلیلش همانا نگرانی های امنیتی بشمول تداوم جنگ بود.

کوتاهی در قسمت ارائه واکسین فلج اطفال نتیجه بسیار جدی را برای صحت اطفال و تأثیر مستقیم را بر تلاش ها جهت از بین بردن فلج اطفال در افغانستان دارد.^{۷۷} قضایای فلج اطفال در افغانستان در سال ۲۰۱۱، سه چند گردیده است که نگرانی را در مورد برگشت این مریضی بعد از چندین سال کاهش ایجاد نموده است.^{۷۸} طالبان حمایت شان را از واکسین فلج اطفال در یک اعلامیه که در سی ان ان (CNN) در جنوری سال ۲۰۱۲ منتشر شده بود، اظهار نمودند، اما بیان نموده بودند که کمپاین های فلج اطفال نباید از

۷۶. گزارش کمپاین فلج اطفال مؤسسه صحنی جهان که از سپتمبر سال ۲۰۱۱ تا اپریل سال ۲۰۱۲ را در بر می گرفت.

۷۷. در گزارش محو فلج اطفال در سطح جهانی، افغانستان به عنوان یکی از شش کشوری یاد شده بود که به شدت از این ناحیه متأثر است و نیز به عنوان یکی از چهار کشوری معرفی شده بود که در آن قضایای فلج اطفال به شکل فزاینده گزارش داده می شود. در آخر سال ۲۰۱۱، در حدود ۸۰ قضیه فلج اطفال گزارش داده شده بود. که در مقایسه سال ۲۰۱۰ که ۲۵ قضیه در آن گزارش داده شده بود، ۳ چند افزایش را نشان می دهد. اکثریت از قضایا از ولایات کندهار، هلمند و ارزگان در زون جنوبی و ولایت فراه در زون غربی گزارش داده شده است. به گزارش هیأت مستقل نظارت بر ابتکار محو فلج اطفال در سطح جهانی، منشره فبروری سال ۲۰۱۲ مراجعه گردد:

http://www.polioeradication.org/portals/0/document/aboutus/governance/imb/5imbmeeting/imbreport_january2012.pdf
۷۸. وزارت صحت عامه افغانستان گزارش داده است که قضایای فلج اطفال در چند سال آخر پیوسته کاهش یافته بود و فقط ۲۵ قضیه در سال ۲۰۱۰ گزارش داده شده بود اما در سال ۲۰۱۱ این رقم سه چند گردیده و به ۸۰ قضیه رسیده است. ناردلند رود "بعد از سالها کاهش در قضایای فلج اطفال در افغانستان، در یک سال این قضایا سه برابر گردید." نیویورک تایمز، نوشته فوق الذکر به آدرس ذیل قابل دست رس می باشد و به تاریخ ۵ جولای سال ۲۰۱۲ به دست رس قرار گرفت:
<http://www.nytimes.com/2012/01/18/world/asia/after-years-of-decline-polio-cases-in-afghanistan-rise.html>,

منابع حکومتی بشمول محافظت این کمپاین توسط نیروهای امنیتی افغان، استفاده نماید.^{۷۹} از آن وقت به بعد پیشرفت های در زمینه دست رسی در این مناطق جهت این کمپاین مشاهده گردیده است.^{۸۰}

اکثریتی از آن ولسوالی های که در مورد بیماری فلج اطفال در خطر بالای قرار دارد، مناطقی می باشند که ظاهراً توسط نیروهای مخالف دولت به شکل کلی یا جزئی کنترل می گردد. ممانعت بخاطر دست رسی به این مردم آسیب پذیر (یا بخاطر محدودیت هایی که توسط گروه های مخالف دولت بر رفت و آمد وضع گردیده و یا هم از اثر نا امنی ناشی از جنگ مسلحانه) تأثیر قابل ملاحظه ی بر دست رسی و کامیابی کمپاین های واکسین زنی بشمول محو بیماری فلج اطفال در افغانستان دارد.^{۸۱}

دست رسی به تعلیم و تربیت

مردم به یوناما گزارش داده است که نیروهای مخالف دولت بر تعداد زیادی از مکاتب و نهاد های تعلیم و تربیت در ساحاتی که آنها فعالیت دارند، بطور مؤثر کنترل دارند. در برخی از قضایا، در بعضی از مناطق به یک نماینده مشخصی نیروهای مخالف دولت یا طالبان وظیفه داده شده است که هم بر رفتار معلمین نظارت نموده و هم نصاب تعلیمی که در مکاتب استفاده می شود را تحت نفوذ قرار دهد. مقامات نیروهای مخالف دولت مکاتب جدید را باز نموده، مکاتب را مسدود نموده و یا بر حضور دختران جهت دست رسی بر مکاتب متوسطه یا در تمام سطوح محدودیت ایجاد نموده است. یوناما هم چنان حادثات متعددی از حمله بر مکاتب را به ثبت رسانیده است.

مداخله در مکاتب و حمله علیه مکاتب

خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه همیشه بطور مستقیم بر فراهم نمودن تعلیم و تربیت تأثیر می گذارد. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما ۳۴ حادثه ی حمله علیه تأسیسات تعلیمی، کارمندان آن، معلمین و محصلین و حادثاتی که پروسه تعلیم را متأثر ساخته بشمول حمله مسلحانه بر مکاتب، تصرف و سوختاندن مکاتب، قتل های سازمان یافته، تهدید معلمین و کارمندان تأسیسات تعلیمی و نیز مسدود شدن مکاتب بخصوص مکاتب دخترانه را بررسی نموده است. این ۳۴ حادثه ی که تا هنوز به ثبت رسیده است در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۱ که یوناما ۱۰ تا همچون حادثه را به ثبت رسانیده بود، یک افزایش قابل توجه را نشان می دهد.

http://articles.cnn.com/2012-01-17/asia/world_asia_taliban-polio-vaccinations_1_polio-vaccination-vaccination-.۷۹
teams-nigeria-and-pakistan?_s=PM:ASIA

۸۰ این باید خاطر نشان گردد که بعضی گروه های واکسین زنی از انجام واکسین زنی منع شده است. این ممانعت بخاطر دلایل متنوعی بشمول موضوعات فنی صورت گرفته است.

۸۱ از مجموع ۱۳ ولسوالی که در خطر بالا قرار داشته و در گزارش درج شده بود، در مورد ولسوالی های ذیل گفته شده بود که ۶۰ درصد اطفال این ولسوالی ها واکسین نمی شود؛ ولسوالی شهیدی حساس در ارزگان، میوند در کندهار، شاه ولی کوت در کندهار، نادعلی در هلمند، پنج وایی در کندهار، دهرآود در ارزگان، ترینکوت در ارزگان و سپین بولدک در کندهار که حد اقل یک کمپاین را در شش ماه آخر از دست داده است.

برعلاوه ی این ۳۴ حادثه، یوناما افزایش ادعاهای مبنی بر مسموم نمودن متعلمین مکاتب را خواه از طریق آلوده نمودن آب آشامیدنی و یا توسط انتشار یک ماده ناشناخته در هوا به ثبت رسانیده است. مقامات صحتی صدها نفر از شاگردان و کارمندان تعلیمی را که شکایت از علائم بیماری مختلف بشمول حالت استفراغ و بیهوشی داشتند را دریافت نموده است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما گزارش ۱۷ حادثه ی ظاهراً مسمومیت بخصوص در مکاتب دختران را دریافت نموده است.^{۸۲} هرچند در تمام قضایای که بازنگری گردیده، هیچ مدرکی دال بر عمل عمدی جهت آسیب رساندن به متعلمین دریافت نگردیده است. آزمایشی که بر آب آلوده در مورد تشخیص زهر توسط آیساف، مؤسسه صحتی جهان، دپارتمنت های صحت عامه و سایرین صورت گرفته، به این نتیجه رسیده است که آب متذکره مواد زهری نداشته است.^{۸۳} آزمایش طب عدلی که در مورد سایر منابع و عوامل بالقوه زهری صورت گرفت یا منفی بود و یا بی نتیجه باقی ماند.

حملات تأیید شده

تحقیقات یوناما بر بعضی از حملات نیروهای مخالف دولت علیه تعلیم و تربیت نشان می دهد که این حملات و اعمال به اهداف وسیعتر سیاسی شورشیان در منطقه ارتباط می گیرد. به تاریخ ۸ ماه می، در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار، نیروهای مخالف دولت یک مکتب متوسطه دخترانه را در قریه وزیر آتش زدند و ساختمان دو مکتب را تخریب نموده و نیز بعضی از وسایل مکتب را نابود کردند. بنابر گزارش این حمله به تعقیب یک سلسله اتفاقاتی صورت گرفت بود و به آن سبب نیروهای مخالف دولت مکاتب متعدد را در آن ساحه بسته نموده تا در مقابل دستگیری چندین نیروی مظنون مخالف دولت در جریان عملیات شبانه اعتراض نمایند. در این قضیه، نیروهای مخالف دولت تهدید های مشخصی را علیه بازگشایی مکاتب منتشر نموده و بعد از آنکه مقامات محلی مکاتب متذکره را بازگشایی نمودند، به مکاتب حمله صورت گرفت. نیروهای مخالف دولت لزوماً این مکاتب را مسدود نموده بود یا حملات متعاقبی را به حیث یک بخشی از کمپاین سازمان یافته علیه نصاب تعلیمی یا مکاتب دولتی شروع نکرده بودند.

بطور مشابه، در چندین ولسوالی ولایت غزنی از ماه اپریل سال ۲۰۱۲ به این طرف، بعد از آنکه استفاده از موتور سائیکل های بدون مجوز توسط دولت ممنوع گردید، نیروهای مخالف دولت به زور مکاتب را بسته نمود. به تعقیب مسدود شدن مکاتب به تاریخ ۲۶ ماه می در ولسوالی اندر ولایت غزنی تبادل آتش

۸۲. براساس اطلاعاتی که توسط گروه کاری ملل متحد در مورد اطفال و منازعات مسلحانه تهیه گردیده بود.

۸۳. براساس گفته های متخصصین صحت عامه که توسط یوناما مصاحبه گردیده اند، موادی که به عنوان منابع و عامل بالقوه مسمومیت معرفی گردیده، نمی تواند باعث علانمی که در متعلمین متضرر مشاهده گردیده، محسوب گردد. این ممکن نشاندهنده ی این باشد که حادثات متذکره یک عمل عمدی نیروهای مخالف دولت جهت آسیب رسانیدن به متعلمین نبوده است. در اواخر ماه می سال ۲۰۱۲، طالبان اعلامیه ی را در مورد گزارش های مسمومیت متعلمین مکاتب به نشر سپرد که در آن ادعاهای مبنی بر دست داشتن آنها در همچون حملات را انکار نموده بود. هرچند آزمایش زهر شناسی طوری دیگری تشخیص داد، اما بعضی از مردم و مقامات حکومتی بر این نظر بودند که نیروهای مخالف دولت یا طرفداران شان ممکن مسئول این حادثات باشند. هم چنان افراد متعدد در ارتباط این حادثات دستگیر گردید.

بین روستائیان و یک گروه طالبان که در قریه داخل شده بود، رخ داد. بنا بر گزارش، جنگ از آنجا ناشی شد که باشندگان محلی علیه مسدود شدن مکاتب شان اعتراض نمودند تا بر طالبان فشار وارد نمایند که مکاتب را بازگشایند. در هنگام انتشار این گزارش، اکثریت از مکاتب بعد از مخالفت شدید مردم علیه مسدود شدن مکاتب دوباره بازگشائی شده و طالبان بخاطر اینکه مبادا حمایت مردم را از دست دهند، ترسیده اند.^{۸۴}

یوناما گزارش های بی شماری را در مورد مسدود شدن مکاتب، اذیت و تهدید معلمان و توزیع شبنامه ها در بین مردم در تمام ساحاتی که تحت کنترل طالبان می باشد، دریافت نموده است. رایج شدن این حوادث، بخصوص در ساحاتی که به شکل کلی یا جزئی تحت کنترل نیروهای مخالف دولت بخصوص طالبان قرار دارد، چنین به نظر می رسد که شورشیان ممکن نهادهای تعلیمی را به حیث یک وسیله بخاطر افزایش نفوذ شان بر مردم، استفاده نمایند. علاوه بر اکثریت مناطقی که توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد، محدودیت ها علیه تعلیم و تربیت طبقه انانث ایجاد می گردد. در دو ولسوالی ولایت کاپیسا تمام مکاتب دختران مسدود شده است، هرچند این محدودیت هم مناطقی را که توسط حکومت و هم مناطقی که به شکل جزئی توسط نیروهای مخالف دولت کنترل می گردد را شامل می شود. این مثال توضیح دهنده ی اینست که محدودیت و ممنوعیت تعلیم و تربیت دختران ممکن دلایل متعددی بشمول آن درک و احساس که از این جامعه سنتی دارند، داشته باشد.

اعلامیه های همگانی طالبان بر حمایت شان از تعلیم و تربیت تأکید نموده و از دست داشتن بر حملات علیه مکاتب را انکار نموده اند. در یک اعلامیه ی که به تاریخ ۷ مارچ سال ۲۰۱۲ منتشر گردید، طالبان اعلام نمودند که پیشرفت و رشد تعلیم و تربیت در داخل کشور یکی از اهداف آنها می باشد و آنها به این نظر هستند که تعلیم و تربیت یک ضرورت مبرم برای نسل جدید می باشد.^{۸۵} اعلامیه همگانی طالبان که حملات علیه مکاتب را محکوم می نماید، با تحلیل یوناما همسان به نظر می رسد، زیرا اهداف سیاسی منطقی و اوضاع و شرایط غالباً اسبابی برای اکثریت این حملات می باشد. بطور مثال در بعضی از مناطق، نیروهای مخالف دولت بر بازگشائی مکاتب کمک نموده و تعلیم و تربیت را از سر گرفته است. اگرچه، آنها در مکاتب مداخله نموده و یا تلاش می نمایند که بر نصاب تعلیمی کنترل داشته باشند.

^{۸۴} بطور مثال، سه تا مکتب در ولسوالی اندر دوباره باز شد. سه تا مکتب در ولسوالی ده یک باز شد. تمام مکاتب در ولسوالی گیرو و گیلان دوباره باز گردید. و نیز مکاتب مرکز غزنی که بطور متناوب بسته و باز می گردید، در ماه جون سال ۲۰۱۲ دوباره باز گردید.
^{۸۵} اعلامیه شورای رهبری طالبان در تحت عنوان "پیشرفت و رشد تعلیم و تربیت در داخل کشور یکی از اهداف امارت اسلامی می باشد"، اعلامیه متذکره به تاریخ ۷ مارچ سال ۲۰۱۲ منتشر گردید.

قتل های سازمان یافته و تعلیم و تربیت

در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، یوناما شش حادثه از قتل های سازمان یافته ی معلمین، محافظین مکتب و مقامات اداره تعلیم و تربیت را به ثبت رسانیده است. این قتل ها توسط نیروهای مخالف دولت صورت گرفته است. رقم متذکره در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱، که سه تا همچون حادثه به ثبت رسیده بود، افزایش یافته است. این قتل های سازمان یافته در سال ۲۰۱۲ در ولایت خوست، پکتیا، غزنی، ارزگان و لوگر صورت گرفته است. بنابر گزارش هدف نیروهای مخالف دولت در این شش حادثه این بوده که مردم را از حمایت و کار نمودن در مکاتبی که توسط دولت اکمال می گردد، باز دارد.

تصرف مکاتب توسط اطراف درگیر در جنگ

بر اساس اطلاعات بررسی شده توسط گروه کاری ملل متحد در مورد اطفال و منازعات مسلحانه، از ماه جنوری سال ۲۰۱۲، اطراف درگیر در جنگ در ۱۰ حادثه ی جداگانه مکاتب را اشغال و تصرف نموده اند. اکثریت این تصرفات توسط نیروهای دولتی صورت گرفته، اما بعضی از قضایا به نیروهای مخالف دولت نیز نسبت داده می شود. در اکثریت این حوادث، جنگجویان از مکاتب به عنوان پایگاه های عملیاتی شان بعضاً به شکل موقتی استفاده نموده است. در بعضی از مثال ها، اطفال حتا با حضور جنگجویان به درس خواندنش ادامه داده اند، در حالیکه در بعضی از قضایا زمانی که مکاتب اشغال شده بود، اطفال به مکتب نرفتند. این موضوع باعث شد که بر آمار اطفالی که بطور مداوم به مکتب می رفتند، کاهش رخ دهد و در این صورت اطفال دقیقاً به عنوان هدف تلقی می گردد. گروه کاری ملل متحد بطور موفقیت آمیز با مقامات محلی صحبت نموده که در تعداد از قضایا جنگجویان مکاتب اشغال شده را ترک گفتند. استفاده از مکاتب با این روش اساساً مکاتب را که یک مکان محافظت شده تلقی می گردد به یک هدف مشروع نظامی تغییر می دهد. هم چنان تأثیر بسیار جدی را بر امنیت، مصئونیت و دست رسی اطفال بر تعلیم و تربیت بجا می گذارد.^{۸۶}

نفوذ بر تعلیم و تربیت

اکثریت مکاتب؛ نظر به اوضاع امنیتی که در سطح محل حاکم می باشد، نظربه عدم توانائی دپارتمنت های نهادهای تعلیمی بر دست رسی شان در یک تعداد ساحات مشخص و عدم توانائی حکومت برای فراهم نمودن مواد آموزشی بشمول کتابهای درسی و وسایل نوشتن برای اکثر مکاتب، بسته باقی مانده است. بنابر گفته های وزارت معارف در ماه می سال ۲۰۱۲، در حدود ۵۹۰ مکتب در ساحات آسیب پذیر

^{۸۶} حقوق بشر دوستانه بین المللی بطور عموم تفکیک بین اهداف ملکی و نظامی و نیز منع حملات علیه اهداف ملکی را یک ضرورت مبرم می داند. اشغال مکاتب بطور صریح در این متن ذکر نگردیده است. هر چند، مکاتب در تحت ساختمان های ملکی قرار می گیرد، اما اشغال مکاتب توسط جنگجویان اساساً مکاتب را به عنوان اهداف نظامی معرفی نموده و در این صورت حمله بر مکاتب مشروع تلقی می گردد. این حملات اصول تفکیک را نقض نموده، افراد ملکی یعنی کارمندان و معلمین در خطر افتاده و بنابر این براساس حقوق بشر دوستانه بین المللی این نوع حملات غیر قانونی محسوب می گردد.

افغانستان هم اکنون بسته بوده^{۸۷} که یک کاهشی را در حدود ۱۲۰۰ مکتبی که از سه سال قبل به اساس گفته های وزارت معارف بسته شده بود، نشان می دهد.^{۸۸} یوناما به این نتیجه رسیده است که شرایط مسدود شدن مکاتب به تازه گی یا مسدود شدن مکاتب به شکل دوام دار، متفاوت می باشد و به این معنا نیست که یک استراتژی واحدی نزد یک گروه مشخص برای مسدود شدن مکاتب و به منظور ایجاد محدودیت فراروی تعلیم و تربیت، وجود دارد. با این وجود، تعداد زیادی از همچون مکاتب در ساحات موقعیت دارد که یا به شکل کلی و یا جزئی در تحت کنترل نیروهای مخالف دولت قرار دارد.

در ماه جون سال ۲۰۱۲، یوناما یک رهنمود طالبان را در مورد نصاب تعلیمی مکاتب از طریق اداره ولایتی دفتر معارف در مرکز افغانستان دریافت نمود. رهنمود مشابهی حد اقل در یک ولایت دیگر نیز توزیع شده بود.^{۸۹} اما یوناما معتقد می باشد که طالبان این رهنمود را در سایر ولایات در اواخر ماه اپریل یا اوائل ماه می سال ۲۰۱۲، توزیع نموده است.^{۹۰} بطور مشخص، طالبان از طریق این رهنمود درخواست نموده بود که برای تمام گروه های سنی تغییرات در نصاب تعلیمی کنونی بوجود آید و یک تجدید نظر مفصل را در مورد فهرست مطالب مشخص کتاب های درسی هم به نسخه دری و هم پشتو ارائه دادند. تغییرات پیشنهاد شده آنها، حذف کلاس های موزیک را شامل شده و توضیح داده بود که حق تحصیل خانم ها مطلق نیست.^{۹۱} در این رهنمود بین جنگ های عادی و جنگ مقدس یعنی جهاد فرق قائل شده بود، در بحث آموزش در باره حق حیات از تفاوت بین حمله انتحاری و شهادت طلبانه یاد نموده بود و گفته شده بود که تمام مذاهب باهم شبیه نیست.^{۹۲} این رهنمود در ماه جون سال ۲۰۱۲ در دست رس یوناما قرار گرفت و یوناما تا هنوز وسعت تطبیق این رهنمود را تأیید کرده نمی تواند.

توزیع این رهنمود، هم توأم با اعلامیه همگانی طالبان می باشد که ضرورت اصلاح نصاب تعلیمی را جهت انعکاس آرمان های شان مشخص می نماید. به تاریخ ۷ ماه مارچ سال ۲۰۱۲، طالبان اعلامیه ی را در مورد تعلیم و تربیت منتشر نموده بود که به شکل صریح بیان نموده بود که:

یک نصاب تعلیمی که آرمان های ملی و اسلامی ما را در خود جا دهد، اهمیت غیر قابل انکار را میتواند داشته باشد. نصاب تعلیمی که ضرورت های حیاتی ملت را انعکاس دهد، آن چیزی است که باید در آرزوی او بود و برایش کوشش نمود. امارت اسلامی به عنوان یک مسئولیت ملی در فکر حمایت و تحقق همچون نصاب تعلیمی می باشد.^{۹۳}

۸۷ اکثریت این مکاتب در ولایت هلمند، زابل و کندهار قرار دارد.

۸۸ وزارت معارف به تاریخ ۱۲ ماه می سال ۲۰۱۲، بیان نمود که در حدود ۶۵۰ مکتب در سه سال آخر دوباره باز شده است.

۸۹ نام ولایت براساس درخواست منبع اطلاعاتی ذکر نمی گردد.

۹۰ هرچند این موضوع توسط سایر ادارات ولایتی معارف تأیید نگردیده است.

۹۱ دختران باید در هنگام کودکی آموزش ببینند نه بعد از آن.

۹۲ در اینجا از تمام جزئیات رهنمود بحث نشده بلکه نمونه های گزینشی از رهنمود پیشکش گردیده است.

۹۳ اعلامیه شورای رهبری طالبان در تحت عنوان "پیشرفت و رشد تعلیم در داخل کشور یکی از اهداف اصلی امارت اسلامی می باشد". تاریخ-۷ مارچ سال ۲۰۱۲.

در بعضی از مناطق، یک اندازه هماهنگی بین مقامات دولتی و نیروهای مخالف دولت در مورد تهیه آموزش و پرورش و نظارت بر تعلیم و تربیت گزارش داده شده است. در جریان یک جلسه غیر رسمی با مقامات اداره تعلیم و تربیت در زون شرق، معلمین از جریان گفتگوی غیر رسمی با نیروهای مخالف دولت در مورد تعلیم و تربیت به یوناما اطلاع دادند. در تعداد زیادی از مثال ها، مقامات گزارش داده اند که آنها احساس می کنند که مجبور شدند که برای بعضی از تقاضاهای نیروهای مخالف دولت بخصوص در مورد تدریس موضوعات مذهبی جواب مثبت دهند. زیرا، با این طریق از حمله بر مکاتب و مسدود شدن مکاتب جلوگیری به عمل می آید. براساس اطلاعات دریافتی توسط یوناما، در زون های متعدد افغانستان، نیروهای مخالف دولت ناظرین را بر مکاتب مقرر نموده است. ناظرین متذکره بر نصاب تعلیمی (بر اساس معیارهای تأیید شده ی طالبان) و حضری نظارت می کنند.

تا وقت نوشتن این گزارش، کدام حادثه از عکس العمل شدید طالبان در صورت امتناع مقامات معارف جهت بحث بر نصاب تعلیمی به ثبت نرسیده است. هرچند این واضح می باشد که در اکثریت قضایا اداره تعلیم و تربیت و معلمین، بدون ترس از امنیت خود و اطفال شان، تقاضاهای طالبان را نادیده گرفته است. در صورت تصمیم طالبان مبنی بر تداوم تحمیل تفسیر های مضیق شان از شریعت، نهاد های محلی ممکن گزینه دیگری جزء اطاعت اجباری از طالبان و یا مسدود نمودن مکاتب نداشته باشند. این موضوع عامل اصلی نگرانی ها می باشد، زیرا بطور مستقیم حق تعلیم و تربیت و تساوی تعلیم و تربیت را متأثر می سازد.

یوناما در جریان این دوره یاد داشت نموده است که از مکاتب به حیث یک وسیله در جنگ بخاطر اهداف سیاسی بطور فزاینده استفاده می گردد. هرچند طالبان اعلامیه های متعددی را در سال ۲۰۱۲ منتشر نموده و اظهار داشتند که بطور عموم آنها از آموزش حمایت می کنند، اما یوناما تفاوت های جدی را در انگیزه های سیاسی و منطقی این گونه حملات مشاهده نموده است. یوناما از گفته های که در رهنمود طالبان در مورد تغییرات نصاب تعلیمی و تأثیر بالقوه آن بر دست رسی افراد بخصوص دختران به تعلیم درج گردیده، نگران می باشد.

نیروهای طرفدار دولت و محافظت افراد ملکی

در حدود ساعت ۱۱ بعد از ظهر بود که ما هلیکوپترهایی را دیدیم که به قریه نزدیک می شد. بعضی از اهالی قریه بیرون آمدند تا ببینند که چه خبر است. هلیکوپترها به آنها شلیک کردند و بعضی از آنها را زخمی نمودند. بقیه مردم به خانهای شان ماندند. هلیکوپترها به زمین نشست. نیروهای اردوی ملی و نیروهای بین المللی از آن بیرون آمدند و شروع به جستجوی خانه ها نمودند. به دلیل بزرگی قریه ما که در آن ۵۵۰ نفر زندگی میکنیم، جستجوی خانه ها در طول شب دوام یافت. در حدود ۷:۳۰ روز بعد یک تعداد از طالبان از قریه مجاور آمد و بالای عساکر فیر نمودند که آنها را غافلگیر و به تعداد سه یا چهار نفر از آنها را نیز زخمی نمود. نیروهای بین المللی و نیروهای اردوی ملی در مقابل به سوی طالبان فیر نمود اما در مسیر فیر آنها خانه های مردم واقع شده بود، در همین زمان بسیاری از افراد ملکی کشته یا زخمی شدند. عساکر همچنان خواهان حمایت هوایی و پرواز جت ها و بمباردمان ساحات حضور طالبان شده بود که این خود نیز به کشته و زخمی شدن تعداد از افراد ملکی منجر شد.^{۹۴}

یک متنفذ محل جریان عملیات شبانه ی جستجوی خانه ها را توضیح میدهد. عملیات زمینی و هوایی که در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب در ۴ می منجر به کشته شدن شش فرد ملکی و زخمی شدن پنج تن آنها گردید.

دفتر یوناما از جنوری تا جون ۲۰۱۲ در حدود ۱۶۵ کشته و ۱۳۱ زخمی افراد ملکی را در نتیجه عملیات و اقدامات نیروهای طرفدار دولت به ثبت رسانیده است. این نشان دهنده ی ۲۵ درصد کاهش در آمار کلی تلفات ملکی نسبت به عین دوره زمانی در سال ۲۰۱۱ میباشد که در آن یوناما ۲۵۵ مورد کشته و ۱۳۸ مورد زخمی توسط نیروهای طرفدار دولت را ثبت نموده بود. همچنان، این فرایند توضیح دهنده ی تداوم روند کاهش تلفات ملکی توسط نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغانستان میباشد که در گزارشهای سالانه دفتر یوناما راجع به محافظت افراد ملکی، مستند سازی شده است.^{۹۵}

در کل، تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی ۲۳ درصد نسبت به عین دوره زمانی در سال ۲۰۱۱ که در آن حملات هوایی ۱۶۷ مورد تلفات ملکی (۱۲۷ کشته و ۴۹ زخمی) برجای گذاشت، کاهش یافته است.^{۹۶}

از اول جنوری تا ۳۰ ماه جون، یوناما به تعداد ۲۰ کشته و ۱۲ زخمی را در نتیجه عملیات های جستجو و توقیف توسط نیروهای دولتی و بین المللی به ثبت رسانیده است. رقم متذکره در مقایسه سال ۲۰۱۱ که ۳۰

^{۹۴} مصاحبه یوناما، در شهر مینه ولایت فاریاب، ۹ می ۲۰۱۲

^{۹۵} در سال ۲۰۱۱، تلفات ملکی که توسط آیساف بوجود آمده بود، نسبت به سال ۲۰۱۰ چهار درصد کاهش یافت.

^{۹۶} با وجود اینکه در گزارش نیمه دوم سال ۲۰۱۱ در حدود ۱۱۹ مورد تلفات ملکی (۷۹ کشته و ۴۰ زخمی) ثبت شد ولی نسخه تجدید نظر شده ی آن گزارش که به تعداد ۱۶۷ فرد ملکی کشته و مجروح را نشان می دهد، شامل تلفات ملکی ناشی از حمله هوایی ۱۷ فیروری ۲۰۱۱ در ولسوالی غازی آباد ولایت کتر که باعث کشته شدن ۴۸ نفر و زخمی شدن ۹ نفر افراد ملکی گردید، نیز می باشد. به دلیل موجودیت آمار تلفات ملکی به شکل ضد و نقیض در حمله غازی آباد مانع اثبات به موقع آن گردید، تلفات ملکی حادثه ی مذکور در گزارش سالانه یوناما راجع به محافظت افراد در سال ۲۰۱۱، شامل نگردید.

کشته و ۱۴ مجروح به ثبت رسیده بود، ۲۷ درصد کاهش را نشان می دهد. این کاهش در حقیقت با آن روند نزولی ایکه در جریان چند سال در تلفات ناشی از چنین عملیات ها دیده می شود، سازگاری دارد.

تلفات افراد ملکی، در نتیجه حادثات ناشی از عکس العمل تدریجی نیروهای امنیتی افغان و آیساف در مقابل یک پدیده مظنون در سال ۲۰۱۲، دوام دار کاهش یافته است. در شش ماه اول سال ۲۰۱۲ در نتیجه چنین عملیات ها ۹ فرد ملکی کشته شده و ۱۶ فرد ملکی مجروح گردیده است. رقم متذکره در مقایسه شش ماه اول سال ۲۰۱۱ در حدود ۴۳ درصد کاهش را در تلفات ناشی از چنین تاکتیک نشان می دهد.

بیانیه ها و رهنمود های تاکتیکی آیساف

یوناما از تلاشهای نیروهای نظامی افغانستان و نیروهای بین المللی، خصوصاً در جریان عملیات های جاری در سراسر افغانستان؛ جهت کاهش تلفات ملکی، قدردانی میکند. در اواخر سال ۲۰۱۱ فرمانده جنرال جان آر. آلن دو رهنمود تخنیکی همگانی را به تاریخ های ۳۰ نومبر ۲۰۱۱ و یکم دسامبر ۲۰۱۱ که اولی مربوط به تلفات ملکی و دومی راجع به عملیات تلاشی منزل در شب هنگام می شد، صادر کرد. از زمان صدور این رهنمودهای تخنیکی دفتر یوناما شاهد کاهش تلفات ملکی در تمام تاکتیک های به کار برده شده توسط نیروهای طرفدار دولت بوده است. خصوصاً این کاهش در عملیات تلاشی که هنوز هم منحصراً تاکتیک اساسی مورد استفاده ی نیروهای نظامی است، مشهود می باشد و تا حالا تلفات ملکی ناشی از این گونه عملیات ها در حال کاهش یافتن است.

به تاریخ ۱۰ فبروری ۲۰۱۲ آیساف نسخه ۳ " طرز عمل معیاری عملیات " ۳۰۷ را که روش رسیدگی به تلفات ملکی در آیساف می باشد، تصویب کرد که این خود باعث تقویت طرز العمل جاری برای پاسخ به واقعات تلفات ملکی و جلوگیری آن می گردد. معاون فرمانده آیساف؛ بورد اجتناب و کاهش تلفات افراد ملکی را که تمام گروپهای کاری و ابتکارات عمل مرتبط به تلفات ملکی را تحت نظارت دارد، رهبری میکند. طرز العمل معیاری عملیات آیساف چهارچوب ها برای گزارش دهی از واقعات تلفات افراد ملکی را بهبود بخشیده و پروسه اجرای عملیات توسط نیروها در ساحه را از طریق سلسله مراتب فرماندهی تقویت نموده است. این چهارچوب تضمین میکند که فرماندهان در تمام سطوح به منظور پرهیز از رخداد واقعات تلفات افراد ملکی اجراءات را بازنگری نموده و راجع به آن نظر داده و اقدام نمایند که خود منجر به حسابدهی در تمام سلسله مراتب فرماندهی می گردد.^{۹۷}

در یک واقعه ی خارج از عملیات های آیساف به تاریخ ۱۱ مارچ یک سرباز آمریکایی از مقر خود در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار خارج شده و به روی مردم ملکی شلیک نمود. این حادثه باعث کشته

^{۹۷} تبادل ایمل بین یوناما و آیساف به تاریخ ۱۵ ماه جون سال ۲۰۱۲.

شدن ۱۷ نفر به شمول زنان و اطفال گردید. به تاریخ ۲۳ مارچ یک محکمه آمریکایی او را متهم به اتهام ۱۷ مورد قتل نمودند.

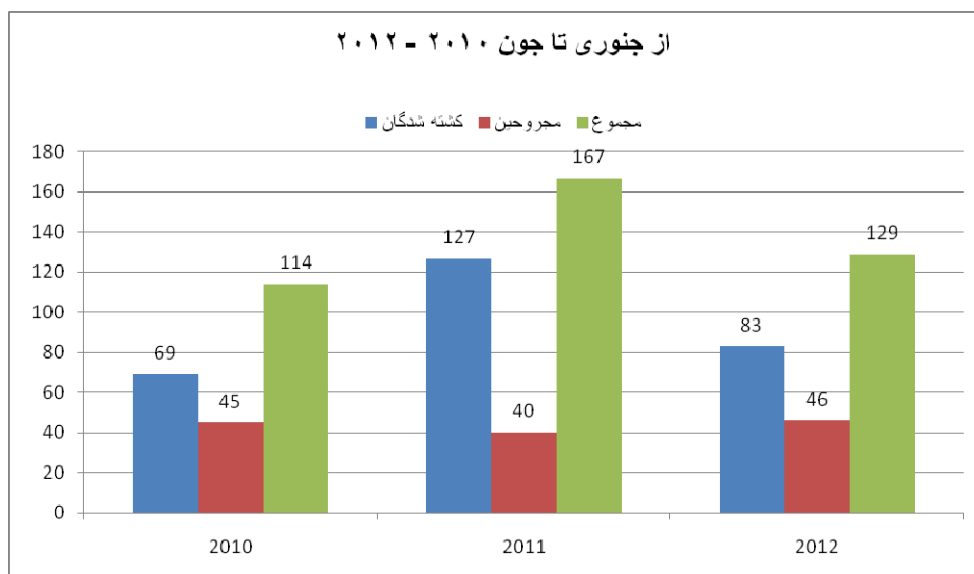
حملات هوایی

در حوالی ساعت یک صبح من صدای هواپیماهای جنگی و هلیکوپترها را شنیدم و متعاقب آن صدای انفجارات در قریه را. بعد از اینکه هواپیماها و هلیکوپترها (چرخبالبها) ها منطقه را ترک گفتند من از خانه بیرون آمدم دیدم که خانه پسر کاکایم کاملاً منهدم شده است. من داد و فریاد کرده به طرف خانه دویدم و به جستجوی نجات یافتگان پرداختم. در خانه دوم من خون را بالای خشت ها دیدم و زرغونه دختر چهار ساله پسر کاکایم را در بین مخروبه های سنگ یافتیم. او مرده بود. تمام اهالی قریه آمده بود تادر جستجوی بازماندگان مرا یاری رسانند. در بین مخروبه های خانه سوم، ما پسر بچه ی ۹ ساله پسر کاکایم را یافتیم. انفجار سر او را از بدن جدا کرده بود. تمام مردم فریاد می نمودند. بعداً ما جسد بی جان مادر او را در کنار او پیدا کردیم در حالیکه صورت او کاملاً برهم خورده بود. من صحبت را ادامه داده نتوانستم.^{۹۸}

یکی از خویشاوندان ۱۸ ملکی کشته شده در حمله هوایی ۶ جون در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر.

با وجودی که شمار تلفات افراد ملکی بر اثر حملات هوایی کاهش یافته است ولی با آنهم این حملات بیشترین تلفات ملکی را در مقایسه با سایر تاکتیک های مورد استفاده نیروهای طرفدار حکومت سبب می شوند. در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲ حملات هوایی توسط نیروهای بین المللی منجر به قتل ۸۳ نفر و زخمی شدن ۴۶ نفر گردید (۱۲۹ مورد تلفات ملکی). این رقم باعث ۵۰ درصد تمام قتل های نسبت داده شده به نیروهای طرفدار حکومت و هفت در صد تمام کشته شدگان ملکی می باشد. از جمله ۱۲۹ مورد تلفات ملکی که حملات هوایی باعث آن شده اند، ۸۱ نفر آن را زنان و اطفال تشکیل داده که تقریباً دو سوم مجموع تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی را تشکیل میدهد.

^{۹۸}. مصاحبه با یوناما، ۱۲ جون ۲۰۱۲



کاهش تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی ممکن به نسبت عوامل مختلف از قبیل اتخاذ تدابیر جهت جلوگیری تلفات ملکی یا کاهش عملیات علیه نیروهای بین المللی که در نهایت منجر به کاهش حملات مقتضی با حمایت هوایی نزدیک گردیده، باشد. مطابق گزارشهای آیساف از روند وقایع ماهانه، در یک دوره زمانی بین ماههای جنوری و می سال ۲۰۱۲ حملات راه اندازی شده از سوی دشمن در مقایسه با عین دوره زمانی در سال ۲۰۱۱ شش درصد کاهش یافته است.^{۹۹} مطابق به آمار قوای هوایی فرماندهی جز و تام های هوایی نیروی مختط در سالهای ۲۰۰۷ - ۲۰۱۲؛ در بین اول جنوری تا ۳۱ می ۲۰۱۲، به تعداد ۱۱۶۶ انداخت سلاحها در اثنای مأموریت های حمایت هوایی نزدیک صورت گرفته است. این رقم نشان دهنده ۳۷ درصد کاهش در مقایسه با عین دوره زمانی در سال ۲۰۱۱ میباشد که در آن دوره به تعداد ۱۸۴۸ مورد انداخت سلاحها (هوا به زمین) صورت گرفته بود.^{۱۰۰}

با وجود اینکه دفتر یوناما از کاهش تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی استقبال میکند، ولی با آنهم نگرانی خویش را نسبت به این حملات که باعث کشته و زخمی شدن افراد ملکی به شکل نامتناسب میگردد، ابراز میدارد؛ به ویژه نسبت به آن مواردی که در مقایسه با منفعت عینی و مستقیم نظامی حاصله از آن این حملات افراط آمیز به نظر می رسد. به طور مثال در ۶ جون ۲۰۱۲ در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر یک حمله هوایی که تجمع فرماندهان طالبان را در یک محله مسکونی شخصی هدف قرارداد، باعث کشته شدن ۱۸ نفر ملکی و زخمی شدن دو زن گردید. ۷ زن و ۹ طفل به شمول یک کودک ده ماهه و یک دختر بچه ی پنج ساله در این حمله جان باخت. عملیات در ابتدا زمینی شروع شد

^{۹۹} گزارش آیساف از روند رویدادهای ماهانه الی می ۲۰۱۲، منتشره ۲۳ جون.

http://www.isaf.nato.int/images/media/PDFs/20120623_niu_isaf_monthly_data-release-final.pdf, accessed 2 July 2012.

^{۱۰۰} آمار عملیات های مختط هوایی و فضائی مرکزی نیروهای هوایی ایالت متحده آمریکا. آمار پرتاب سلاح در عملیات تحکیم آزادی، منتشره ۷ جون سال

(۱۲-۰۶-۱۲۰۱۲)

ولی به تعقیب حملات مخالفین دولت بر نظامیان، حملات هوایی از سوی نظامیان مطالبه شد. با وجود اینکه حمله هوایی از یک سری معیارهای تاکتیکی عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مضمون، مطابقت کرد و لی با آن هم باید پیامد های آن نیز پیش بینی می گردید. چون یک حمله هوایی تاکتیکی (فنی) که یک مجتمع مسکونی را هدف قرار میدهد دارای پتانسیل بسیار بالا برای کشتن و آسیب رساندن به افراد ملکی میباشد که میتواند در مقایسه به منفعت عینی و مستقیم نظامی حاصله از آن، افراط آمیز تلقی شود.^{۱۱}

سایر مثالهای حملات هوایی که منجر به مرگ افراد ملکی گردیده است:

- در ۲۶ ماه می، در نتیجه یک حمله هوایی آیساف که شورشیان را در ولسوالی شاوک ولایت پکتیا هدف قرارداد، افراد ملکی آسیب دیدند. عملیات متذکره منجر به مرگ هفت نفر عضو یک خانواده، به شمول یک مرد، یک زن و پنج طفل و زخمی شدن دو طفل دیگر گردید.
- در ششم ماه می، به منظور هدف قرار دادن مخالفین دولت در ولسوالی بالا مرغاب ولایت بادغیس آیساف حمله هوایی را انجام داد که به هدف اصابت نکرد و در عوض به یک خیمه کوچی برخورد نمود. حمله منجر به مرگ هشت نفر و زخمی شدن ده نفر از غیر نظامیان گردید. مقامات محلی گزارش داد که این حمله با نیروهای امنیتی افغانستان هماهنگ نشده بود.
- در چهارم ماه می، در ولسوالی سنگین ولایت هلمند، به تعقیب چندین حملات پیچیده از سوی مخالفین دولت بالای ایستگاه بازرسی نیروهای طرفدار دولت، آیساف با هدف قراردادن مخالفین دولت توسط حمله هوایی به این حملات پاسخ داد. در نتیجه بعضی از گلوله ها محلات مسکونی ملکی را متأثر ساخته و منجر به مرگ شش نفر از افراد ملکی به شمول سه زن و دو طفل گردید.
- به تاریخ هشتم فیروزی، یک حمله هوایی آیساف در ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا منجر به مرگ هفت طفل (بین سنین هفت الی ۱۳ ساله) و یک مرد بالغ که جمله در یک فضای باز استراحت کرده بود، گردید.

آیساف قدم های عملی را به شمول اتخاذ اقدامات بعد از حمله هوایی شش جون در ولایت لوگر، برداشته است. با این هدف که از تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی جلوگیری نماید. رهنمود به روز شده ی آیساف راجع به استفاده مهمات علیه محلات مسکونی ملکی که شامل یک دستور تکمیل کننده نیز می گردد منجر به تعدیل رهنمود تاکتیکی راجع به عملیات هوایی شده که در اواسط جون ۲۰۱۲، این دستور تکمیل کننده شکل گرفته است. این دستور استفاده از مهمات علیه محلات مسکونی ملکی را محدود به موقعیت های دفاع از خود میکند. آیساف ممکن به حملات هوایی علیه محلات مسکونی ملکی

^{۱۱} جن ماری هینکارتس (Jean- Marie Henkaerts) و لوئیس دو زواک بیک (Louise Doswalk-Beck). حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، جلد یک: قواعد؛ قاعده ۱۴، تناسب در حمله و قاعده ۱۸، رعایت جانب احتیاط در حمله؛ آی سی آر سی، کامبریج، ۲۰۰۵.

منحیث آخرین چاره در مواقع که زندگی نیروهای آیساف یا نیروهای امنیتی افغانستان در خطر باشد متوسل شود.^{۱۰۲}

عملیات جستجو

خانواده خُسر خیل من یک مراسم عروسی را در ولسوالی پشتون کوت جشن می گرفت. تقریباً در حوالی ساعت ۱۰ بعد از ظهر بود که دو چرخبال، نیروهای افغان و خارجی را به قریه ی ما آوردند. آنها مستقیم به مراسم عروسی آمدند و شروع به شلیک کردن بر مهمانان ما کردند. پسر دونیم ساله من در این گیر و دار کشته شد و همسرم زخمی گردید. چرخبالها زن من را به میمنه جهت تداوی بردند. اول آنها او را به شفاخانه خود بردند ولی صبح امروز آنها وی را به شفاخانه عامه شهر میمنه آوردند. همسر من در کوما(بیهوشی) می باشد. من میدانم که او زنده خواهد شد و یا خیر. همچنان من نمی دانم که دیگر کیه کشته شدند، به خاطر ی که من قریه را با همسرم ترک گفتم و هنوز برنگشته ام. من حتماً توانستم پسر من را دفن کنم.^{۱۰۳}

شوهر و پدر آنها که در عملیات جستجو و توقیف، در ولسوالی پشتون کوت ولایت فاریاب، زخمی و کشته شده بود.

از اول جنوری تا ۳۰ ماه جون، یوناما به تعداد ۲۰ کشته و ۱۲ زخمی را در نتیجه عملیات های جستجو و توقیف توسط نیروهای دولتی و بین المللی به ثبت رسانیده است. رقم متذکره در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۱، در حدود ۲۷ درصد کاهش را نشان می دهد. این کاهش در حقیقت با آن روند نزولی که در جریان عین مدت سالهای ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در تلفات ناشی از چنین عملیات های دیده می شود، سازگاری دارد.

اکثریت از عملیات های جستجو و توقیف ظاهراً باعث تلفات افراد ملکی نگردیده است. آمار دقیق از عملیات های شبانه و تلفات ناشی از آن بنا بر محرمیتی که از لحاظ نظامی وجود دارد، خیلی مشکل است که بدست آید.^{۱۰۴} معلومات در باره ارقام مجموعی عملیات های شبانه که توسط طیف از نیروهای افغان و بین المللی بشمول نیروهای ویژه و سایر نیروهای حکومتی بطور مشترک یا مستقل انجام میگردد و نیز تلفات ناشی از آن بدسترس همگان قرار نمی گیرد. تا حد امکان، یوناما به شکل فعالانه انجام عملیات های نظامی را بخاطر تشخیص تلفات افراد ملکی و سایر آسیبهای که به مردم ملکی می رسد، نظارت می نماید. علاوه، یوناما تمامی ادعاهای مبنی بر تلفات افراد ملکی ناشی از عملیاتهای شبانه را تحقیق می نماید. با توجه به محدودیت های که در قسمت محیط عملیاتی وجود داشته و نیز دست رسی محدود به اطلاعات مرتبط، یوناما ممکن ارقام تلفات ناشی از عملیات های شبانه را بطور کامل گزارش داده نتوانسته باشد.

^{۱۰۲} تبادل ایمیل بین آیساف و یوناما در ۱۵ جون ۲۰۱۲. نقل قول از دگر جنرال Scaparrotti در سایت Stars and Stripes، منتشره ۱۲ جون ۲۰۱۲: " ما مهمات هوایی را علیه محلات مسکونی ملکی نخواهیم به کار برد مگر اینکه این آخرین چاره باشد و در واقع هدف آن تضمین دفاع از سربازان خود ما باشد" یک دستور تکمیل کننده ی صادر شده که "استفاده مهمات هوایی علیه محلات مسکونی ملکی را" ممنوع قرار داده است.

^{۱۰۳} مصاحبه ی یوناما، ۱۷ مارچ ۲۰۱۲، شهر میمنه ولایت فاریاب.

^{۱۰۴} یوناما این اطلاعات را هم به شکل شفاهی و هم توسط ایمیل چندین مرتبه در سال ۲۰۱۲، درخواست نمود، اما کدام پاسخی دریافت نمود.

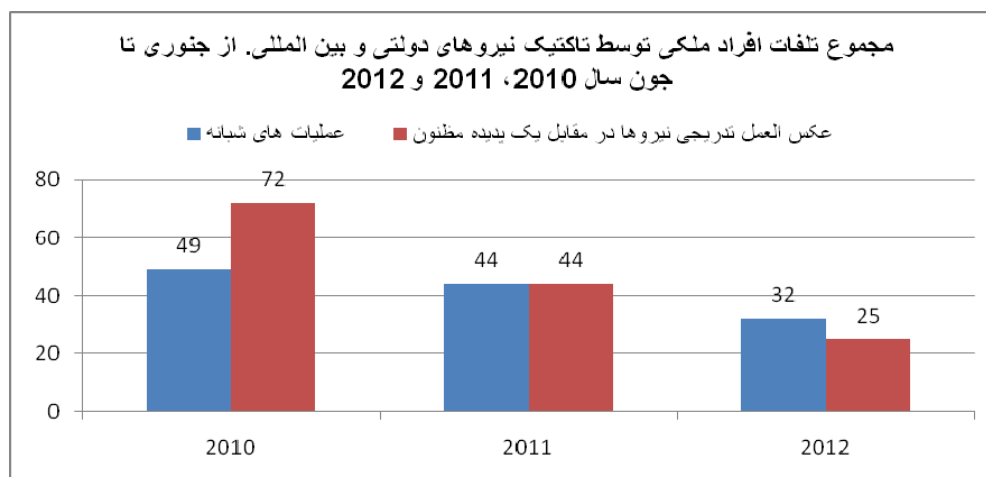
- به تاریخ ۴ ماه می، یک عملیات شبانه، یک فرمانده طالبان را در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب مورد هدف قرار داد. در نتیجه شش فرد ملکی بشمول سه تا طفل کشته شده و ۵ نفر دیگر بشمول سه تا طفل و یک خانم مجروح گردید.
- به تاریخ ۱۵ ماه فبروری یک عملیات توسط نیروهای امنیتی افغان و بین المللی در ولسوالی خان آباد ولایت کندز منجر به قتل ۴ فرد ملکی گردید.

به تاریخ ۸ اپریل یک تفاهم نامه در رابطه به عملیات شبانه و عملیات های ویژه بین فرماندهی آیساف جنرال جان آلن به نمایندگی از ایالت متحده آمریکا و وزیر دفاع رحیم وردک به نمایندگی از افغانستان، امضاء گردید. مطابق این تفاهم نامه عملیات شبانه باید توسط گروه هماهنگی عملیاتی افغانستان تأیید گردد و این عملیات توسط نیروهای افغان به حمایت نیروهای ایالت متحده آمریکا مطابق به قوانین افغانستان اجراء گردد. این عملیات شامل آن عده عملیاتهای میشود که ممکن منجر به تحت توقیف قرار دادن افراد یا جستجوی خانه های مسکونی یا مجتمع های خصوصی گردد. این محلات فقط در هنگام ضرورت و آن هم توسط نیروهای افغان باید بررسی گردد مگر اینکه در کدام مورد از نیروهای امریکای تقاضا به عمل آید و یا به آنها ضرورت گردد.

عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون

کاهش تلفات ملکی ناشی از واقعات "عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون" توسط نیروهای امنیتی افغانستان و آیساف^{۱۵} در سال ۲۰۱۲ ادامه یافته است. در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲، یوناما ۲۵ مورد تلفات ملکی (نه مورد قتل و ۱۶ مورد جراحت) را در ۱۹ رویداد جداگانه، مستند سازی نموده است که در مقایسه با واقعات مشابه در عین دوره زمانی در سال ۲۰۱۱ که در آن یوناما ۳۰ مورد کشته و ۱۴ مورد جراحت را مستند سازی نمود، ۴۳ درصد کاهش را نشان میدهد. این یک انکشاف مهم و بازتاب دهنده تعهد دوامدار نیروهای طرفدار دولت به منظور تشخیص افراد ملکی در هنگام مواجهه با خطرات واقعی می باشد. تعهداتی که در ایستگاههای بازرسی یا در کاروانهای نیروهای امنیتی مد نظر گرفته شده و استفاده از بدیل های غیرکشنده مد نظر گرفته شود.

^{۱۵}- واقعات عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون که "محافظت از نیروها" هم گفته شده به وضعیتی گفته می شود که در آن افراد ملکی زمانیکه در نزدیکی یا در حال نزدیک شدن و یا سبقت گرفتن از کاروانهای نظامی بوده، به اخطارهای پرسونل نظامی توجه نمی کنند و یا رهنمودها را در ایستگاه های بازرسی رعایت نمیکنند.



نیروهای امنیتی افغانستان و محافظت افراد ملکی

من در قریه خودم بودم. طالبان از بالای کوه سلاحهای ثقیله را به طرف اداره ولسوالی شلیک می کرد. اردوی ملی بخاطر گرفتن انتقام، سه هاوان به سمت موقعیت طالبان شلیک کرد. یکی از هاوان ها در نزدیکی اطفال که بر بالای کوه برای حیوانات علوفه جمع میکردند، اصابت نمود. من به سوی موقعیت آنها دویدم. من دو طفل را دیدم یکی کشته شده بود و دیگری شدیداً زخمی. بدن آنها بسیار بد خراب شده بودند. من طفل زخمی را بر یکی از شانه هایم انداختم و طفل کشته شده را بر شانه ی دیگرم. من ندای کمک از قریه سردادم و بعداً دختر بچه زخمی را از بین جنگ بیرون کردم و به جاده آوردم. آنجا اهالی قریه یک وسیله نقلیه (موتر) آورد و من دختر بچه زخمی را به کلینیک محل بردم.^{۱۰۶}

شاهد عینی واقعه ی جنگ زمینی در ولسوالی دره ی پیچ ولایت کتر. به تاریخ ۲۵ اپریل ۲۰۱۲ این حادثه اتفاق افتاد.

در جریان نیمه نخست سال ۲۰۱۲، دفتر یوناما کاهش قابل ملاحظه ی تلفات ملکی منتسب به نیروهای امنیتی افغانستان را ملاحظه نموده است. در این دوره زمانی، دفتر یوناما ۴۶ مورد تلفات ملکی (۱۲ مورد کشته و ۳۴ مورد جراحت) توسط نیروهای امنیتی افغانستان را مستند سازی نموده است. این یک کاهش اساسی در مقایسه با شش ماه (جولای- دسامبر) سال ۲۰۱۱ که در آن دفتر یوناما ۱۷۴ مورد تلفات ملکی بشمول ۴۱ مورد کشته و ۱۳۳ مورد زخمی را مستند سازی نموده بود، میباشد. این کاهش در نتیجه اتخاذ اقدامات فعال توسط نیروهای امنیتی افغانستان از قبیل: صدا کردن در بلندگو قبل از حمله یا خود داری از حمله زمانیکه عناصر مخالفین دولت در پناه افراد ملکی مخفی میگردد، میباشد. این اقدامات به طور فزاینده توسط نیروهای امنیتی افغانستان در حملات زمینی به کار برده میشود.

^{۱۰۶}. مصاحبه ی تلفونی یوناما با شاهد عینی، حادثه دره ی پیچ ولایت کتر، ۲۶ اپریل ۲۰۱۲.

با وجود کاهش تلفات افراد ملکی، این موضوع قابل یاد آوری است که هنوز هم تاکتیک های جنگ های زمینی منعی عامل پیشتاز در تلفات ملکی (سه مورد کشته و ۱۶ مورد زخمی در نتیجه ۵ حادثه) که دفتر یوناما در نیمه نخست سال ۲۰۱۲ مستند سازی نموده است، باقی مانده است. به تعقیب این عامل، تاکتیک عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون که منجر به چهار مورد کشته و ۱۱ مورد زخمی گردیده است، میباشد. بناءً این تاکتیک ها ایجاب می کند که نیروهای طرفدار دولت هنگام بازنگری تأثیرات آن مخصوصاً زمانیکه سلاح کشنده در ایستگاههای باز رسی مورد استفاده قرار می گیرد، به آن توجه نماید.

در حال حاضر هم وزارت دفاع و هم وزارت داخله میکانیزم هایی را روی دست دارند که اتهامات تلفات ملکی را براساس آن تحقیق میکنند. ریاست عملیاتی وزارت دفاع گزارشهای روزانه از واقعات امنیتی قطعات ساحوی اردوی ملی در یافت میکند. رویداد های که در آن تلفات ملکی وجود داشته باشد به ریاست حقوق ارجاع میگردد که نامبرده تعیین میکند که کدام واقعه تحقیق گردد. ریاست حقوق آن قضایایی را که ایجاب تحقیق میکند به قطعات (اردوگاهای) ساحوی نظامی اردوی ملی افغانستان می فرستد که در آنجا سارنوالان نظامی قضایا را تحقیق میکنند. اگر اتهامات تثبیت گردید، سارنوال نظامی قضیه را به محکمه نظامی جهت تعقیب قضایی احاله میکند. وزارت امور داخله هم پروسیجر مشابهی را نسبت به اتهامات دخیل بودن پولیس ملی، پولیس محلی، پولیس سرحدی و پولیس نظم عامه در تلفات ملکی به کار می برد. با وجود اینکه این میکانیزم ها کارایی دارد ولی تمرکز آن بر حسابدهی افراد متهم است تا جلوگیری و کاهش تلفات افراد ملکی.

یوناما مجدداً بر توصیه خویش برای نیروهای امنیتی افغانستان مبنی بر تأسیس میکانیزم های دایمی نظارت و حسابدهی در داخل ساختار نیروهای امنیتی افغانستان مخصوصاً اردوی ملی افغانستان که به طور فزاینده رهبری عملیات ها را مستقل از نیروهای بین المللی به عهده می گیرد، تأکید میکند. یوناما مطلع است که وزارت دفاع مخصوصاً برای پیگیری واقعات عمده تلفات ملکی چندین تیم بررسی را مبتنی بر رویداد تشکیل داده است. آنها رئیس حقوق را منعی شخص ذی صلاح خویش در قسمت واقعات مشخص تلفات ملکی تعیین کرده اند. با آنها این بسیار مهم است که یک تیم دایمی و فراگیر از تمام مقامهای امنیتی افغانستان که نمایندگی از نهادهای امنیتی افغانستان نماید، تشکیل گردد. این موضوع با در نظر داشت روند جاری انتقال مسئولیت های امنیتی به نیروهای افغان که پیش بینی می شود الی ختمی ۲۰۱۴ تکمیل گردد، باید صورت گیرد.^{۱۰۷}

یوناما به تشریح گزارشهای تلفات ملکی منتسب به نیروهای امنیتی افغانستان با ریاست حقوق وزارت دفاع ادامه داده است. با آنها این تبادل معلومات منجر به این نشده است که یوناما از شروع، اجراء و نتایج

^{۱۰۷}. یوناما صحبت های خویش را با وزارت دفاع از طریق رئیس حقوق برای تأسیس تیم کاهش تلفات ملکی (CMT) ادامه میدهد، تا موارد ی تلفات ملکی را به طور مستقیم رد یابی و تحقیق نماید. در اصل وزارت دفاع با این آیده در می ۲۰۱۲ ابراز موافقت نمود ولی با آنها این آیده هنوز محقق نشده است.

اینگونه تحقیقات آگاه ساخته شود. به طور مثال یوناما از اردوی ملی افغانستان در رابطه به تحقیق واقعات ذیل هیچگونه پاسخ دریافت نکرده است.^{۱۰۸}

- به تاریخ ۷ جنوری، در قریه نارِ ولسوالی باکِ ولایت خوست، اردوی ملی به یک راننده موتر خصوصی که موترش را در برابر ایستگاه بازرسی اردوی ملی پس از سیگنال اردوی ملی ظاهراً متوقف نکرده بود شلیک نموده و او را زخمی ساخت.
- به تاریخ ۱۴ جنوری، در منطقه شانگر ولسوالی بارکنر ولایت کنر، اردوی ملی بر یک مرد ۴۵ ساله فیر نموده و او را کشت. فرد مذکور مشغول جمع آوری هیزوم در بلندی یک کوهی که مکرراً توسط عناصر مخالف دولت برای حمله بر اردوی ملی استفاده میشد، بود.
- به تاریخ ۹ مارچ در ولایت قندهار، شهر قندهار و در حوزه ۸، پولیس ملی بریک موترسایکل سوار آنطوریکه گفته میشود در مقابل ایستگاه بازرسی پولیس پس از اینکه پولیس سیگنال توقف داده ولی آن شخص توقف نکرده بود، شلیک نموده و او را به قتل رسانید.
- به تاریخ ۱۳ جون در ولایت فراه، ولسوالی خاک سفید، اردوی ملی در یک عکس العمل در مقابل انفجار مواد انفجاری تعبیه شده که موتر آنها را صدمه رسانده بود، در اثر شلیک سه نفر را کشته و یک نفر را زخمی نمود.

مبارزه در مقابل مواد انفجاری تعبیه شده و استحصال آن. پاک سازی و خشی نمودن این مواد

در سال ۲۰۱۲، استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده بشمول حملات انتحاری و پیچیده باعث اکثریت تلفات افراد ملکی گردیده است.^{۱۰۹} در شش ماه اول سال ۲۰۱۲، مواد انفجاری تعبیه شده و تاکتیک های که در آن مواد انفجاری استفاده می گردد، ۵۳ درصد تمام تلفات را سبب گردیده است. با این فرض که مواد انفجاری تعبیه شده نسبتاً یک سلاح ارزان بوده و به راحتی میتوان درستش کرد، این موضوع قابل پیش بینی می باشد که نیروهای مخالف دولت به تولید و استفاده از آن دوام خواهند داد. و باعث می گردد تا افراد ملکی را بیشتر به قتل رسانده و مجروح نمایند.

نیروهای نظامی بین المللی مدتهاست که تلاش می نمایند تا مواد انفجاری تعبیه شده را کشف نموده، نابود ساخته و خشی نمایند. این یک خدمت اساسی در تقویت محافظت افراد ملکی می باشد. به حیث یک بخشی از انتقال امنیت به نیروهای امنیتی افغان، این خیلی مهم است که آیساف اطمینان حاصل نماید که ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان در کشف، نابود نمودن و خشی سازی مواد انفجاری تعبیه شده بعد از خروج نیروهای بین المللی از افغانستان، تقویت گردیده و پایدار باقی بماند. علاوه، هرچند آیساف

^{۱۰۸}. به تاریخهای ۲۶ مارچ و ۸ می ۲۰۱۲ یوناما با رئیس حقوق وزارت دفاع ملاقات نمود و دولیستی که حاوی هفت مورد واقعات تلفات ملکی مرتبط به اردوی ملی بود را به آن تقدیم کرد. به تاریخ بیستم جون ۲۰۱۲ یک لیست به روز شده را که در مورد قضایای مقایسوی بود، در دست رس آنها قرار داد.
^{۱۰۹}. در حملات پیچیده و انتحاری از مواد انفجاری استفاده می گردد. حمله انتحاری به شکل پیچیده عبارت از حمله ی است که به شکل عمدی و هماهنگ شده صورت می گیرد و شامل مواد انفجاری تعبیه شده در بدن انسان و وسایل حمل و نقل می باشد و هم چنان بیشتر از یک حمله کننده و بیشتر از یک نوع ابزار مانند مواد انفجاری تعبیه شده در بدن و راکت، در انجام حمله استفاده می گردد. تمام عناصر سه گانه فوق الذکر باید وجود داشته باشد تا یک حمله از جمله حملات پیچیده به شمار رود.

نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش داده، منابع و حمایت خود شان را بخاطر ظرفیت سازی این نیروها جهت مبارزه علیه مواد انفجاری فراهم می نماید. اما در حال حاضر نیروهای امنیتی افغانستان تا هنوز به طور کافی آموزش و تمویل نگردیده تا به طور مستقل و مؤثر تهدید ناشی از مواد انفجاری را برطرف نماید. به طور مثال، هرچند ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان جهت نابود سازی و خنثی سازی مواد انفجاری تعبیه شده رشد نموده است، اما توانای آنها جهت جمع آوری معلومات و مدارکی که بتواند عملیات های ضد شورش را تقویت کند و نیز ظرفیت آنها در تحقیقات جنائی و تعقیب عدلی افرادی که در ساختن و استحصال مواد انفجاری دست دارند، هنوز ضعیف باقی مانده است.^{۱۱۰}

هماهنگی مؤثر درونی بین اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی بسیار مهم خواهد بود تا اطمینان حاصل گردد که نیروهای امنیتی افغانستان در انجام عملیات های ضد مواد انفجاری تعبیه شده به شکل مؤثر و همه جانبه بعد از اینکه پروسه انتقال امنیت در سال ۲۰۱۴ کامل می گردد، توانایی پیدا می کنند. به تاریخ ۲۴ ماه جون سال ۲۰۱۲، شورای امنیت ملی افغانستان^{۱۱۱}، یک استراتژی مبارزه علیه مواد انفجاری تعبیه شده را به تصویب رسانید. این استراتژی طوری طرح شده بود که بر اساس آن نهادهای امنیتی مربوطه در انجام همچون عملیات ها باهم هماهنگی داشته باشند. تطبیق این استراتژی نیازمند حمایت دوام دار و دراز مدت از حکومت افغانستان می باشد. ناتو یا آیساف و به طور مشخص دولت های امضا کننده پروتکل اصلاح شده ی دوم کنوانسیون سلاح های متعارف معین (CCW APII)^{۱۱۲}، باید منابع بیشتری را جهت حصول اطمینان از عملیات های خنثی سازی مواد انفجاری و مبارزه متمرکز و مؤثر در مقابل این مواد، اختصاص دهد.^{۱۱۳} تطبیق موفقیت آمیز استراتژی مبارزه با مواد انفجاری تعبیه شده و تقویت ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان و نهادهای حاکمیت قانون جهت تعقیب، تشخیص و تعقیب عدلی شبکه های تولید و جاسازی مواد انفجاری برای دوره انتقال امنیت و تقویت محافظت افراد ملکی خیلی اساسی می باشد.

پولیس محلی افغانستان و محافظت افراد ملکی

مرور کلی

از جنوری الی جون ۲۰۱۲ یوناما با دولت، پولیس، رهبران اجتماعی، بزرگان قبیله و سایر افراد ذیدخل در ۵۱ ولسوالی مشوره نمود تا نظر آنها را راجع به تطبیق برنامه پولیس محلی در ولسوالی های خود شان جویا شوند.^{۱۱۴} بسیاری از مردم و مقامات محلی به طور منسجم دست آوردهای امنیتی این برنامه را

^{۱۱۰} استحصال در محل، (ATTP 3-90. 15(FM 3-90. 15)، تاکتیک های نظامی، طرز العمل و تخنیکها، نمبر 15. 3-90، مرکز، دپارتمنت ارتش، واشنگتن DC، ۸ جولای ۲۰۱۲.

^{۱۱۱} بار ریاست رئیس جمهور کرزی.

^{۱۱۲} از مجموع ۵۰ دولت عضو ناتو/آیساف، ۴۱ کشور آن پروتکل اصلاح شده ی دوم کنوانسیون سلاح های متعارف معین (CCW APII) را به تصویب رسانده است. آلبانیا، استرالیا، اتریش، بلجیم، بوسنیا و هرزیگوینا، بلغاریا، کانادا، کرویشا، جمهوری چکسلواکیا، دانمارک، اِسالوادور، استونیا، فنلند، فرانسه، جورجیا، جرمنی، یونان، هنگری، آیسلند، ایرلند، ایتالیا، اردن، لتویا، لیتوانیا، لوگزیمبورک، مونتینیگرو، نیدرلند، زیلانده جدید، ناروی، پولند، پرتغال، جمهوری کوریا، رومانی، سلواکیا، سلوونیا، اسپانیا، سویدن، ترکیه، اوکراین، انگلستان، ایالات متحده امریکا.

^{۱۱۳} کشور های مساعدت کننده نیروها ی ناتو/آیساف.

<http://www.isaf.nato.int/troop-numbers-and-contributions/index.php>

^{۱۱۴} این رایزنی ها، شامل مشوره با مردم در ولسوالی های برگ متال و کامدیش ولایت نورستان راجع به برنامه یک جانبه پولیس محلی نیز میشود.

گزارش کردند و گفتند که حضور پولیس محلی افغان به طور وسیع در بهبود امنیت در مناطقی که آنها مستقر اند ممد واقع شده است. با وجودی که مردم حضور پولیس محلی را در بسیاری از ولسوالی ها استقبال نمودند ولی با آنهم دفتر یوناما به طور دوامدار نظرات مختلطی راجع به احترام پولیس محلی به حقوق بشر را دریافت میکند.^{۱۱۵}

در ولایات کنر، میدان وردک و کاپیسا، مقامات و مردم محلی از تضمین گشت و گذار آزادانه در شاه راه ها توسط پولیس محلی قدر دانی نموده است. آنها همچنان نگرانی خویش را راجع به آینده پولیس محلی مخصوصاً بعد از سال ۲۰۱۴ ابراز نمودند. رهبران مردم محلی به اتفاق آراء پیشنهاد بر ادغام پولیس محلی در نیروهای امنیتی میکردند تا در نهادینه شدن دست آوردهای امنیتی و تقویت حاکمیت قانون و نظارت وسیع تر از عملکرد آنها مفید واقع شود.

بسیاری از مردم نگرانی های خویش را راجع به عدم انسجام در روند استخدام پولیس محلی و پروسه آزمایش افراد معرفی شده، ملاحظه شان را نسبت به نفوذ عناصر مخالف دولت در داخل پولیس محلی، ضعف در فرماندهی و کنترل پولیس محلی توسط پولیس ملی افغانستان، میکانیزم های نظارتی ضعیف و فقدان حسابدهی افسران پولیس محلی نسبت به تخطی های حقوق بشری چه در گذشته و چه در حال؛ ابراز داشتند. ناکامی در تحقیق و تعقیب عدلی اعضای پولیس محلی متهم به سوء رفتارها- چه در گذشته و چه در حال- در پروسه معافیت از قانون کمک نموده است. به طور مثال، یوناما گزارشهایی را از کندز، پل خمیری و ولسوالی های چوره، ارزگان خاص، خیر کوت و شاولی کوت راجع به ناکامی پولیس ملی در انجام اجراءات علیه قضایای جرمی یا نقض حقوق بشر توسط پولیس محلی به منظور تضمین اینکه مرتکبین این اعمال مورد تحقیق و مجازات قرار گیرند، دریافت نموده است.

نگرانی های بیشتر در رابطه به تداوم سایر اقدامات دفاعی محلی مانند موجودیت " پروگرام محافظت از زیرساخت های اساسی" در مناطق شمال و شمال شرق افغانستان علی الرغم فرمان رئیس جمهور کرزی مبنی بر انحلال آن در دسامبر ۲۰۱۱، وجود دارد. یوناما نگرانی های خویش را راجع به پروگرام محافظت از زیرساخت های اساسی طوریکه در گزارش سالیانه این دفتر راجع به محافظت افراد ملکی در موقع منازعات مسلحانه انعکاس یافته بود، مجدداً تکرار می نماید.

حاکمیت و کنترل محدود پولیس ملی بر پولیس محلی یک نگرانی در بعضی ولسوالی ها میباشد. یوناما گزارشهای از هماهنگی و همکاری ضعیف بین مقامات ولایتی (به ویژه امنیت ملی و پولیس ملی) و فرماندهان پولیس محلی دریافت نموده است. با وجود دخیل بودن قدرتمندانه نیروهای عملیات ویژه ایالت متحده آمریکا در پروسه استخدام و آزمایش پولیس محلی، یوناما مواردی زیاد از مداخلات

^{۱۱۵}. الی تاریخ ۲۲ جون ۲۰۱۲، پانزده هزار پولیس محلی در ۷۰ ولسوالی در سراسر افغانستان مشغول ایفای وظیفه اند. توقع می رود که این برنامه ۳۰۰۰۰ عضوی ختم ۲۰۱۴ داشته باشد. {ملاقات یوناما با ISAF HQ and USA CFSOCC-A DCO به تاریخ ۲۲ جون و یکم اگست ۲۰۱۲}.

زورمندان محلی در این روند را مشاهده نموده است. به نظر می رسد که امنیت ملی و پولیس ملی در فرایند استخدام و آزمایش پولیس محلی نقش محدود تری در مقایسه با آنها داشته باشند. یوناما همچنان موارد متعددی از بی خبری پولیس ملی از لایحه وظایف و سلسله ی گزارش دهی پولیس محلی را مشاهده نموده است که این خود باعث نگرانی در رابطه به مهارت مدیریتی ضعیف در بین سطح رهبری پولیس ملی در محل، می باشد.

یوناما مجدداً بر نگرانی های خویش راجع به معافیت و میکانیزم موجود نظارت و حسابدهی پولیس محلی طوریکه در گزارش سالانه یوناما در ۲۰۱۱ مستند سازی شد، تاکید می نماید.^{۱۱۶} بین جنوری و جون ۲۰۱۲ یوناما گزارش هایی را دریافت نمود که مطابق آن گزارش ها پولیس محلی نسبتاً آزادانه و با معافیت کامل در برابر سوء رفتارهای شان، اجراءات میکند.

یوناما این موضوع را تصدیق می کند که در ۲۰۱۲ ریاست پولیس محلی وزارت امور داخله، پولیس ملی و آیساف قدمهایی را در راستای تأمین نظارت بیشتر از عملکردهای پولیس محلی برداشته اند. این اقدامات شامل است بر: ماموریت های ساحوی در ساحات پولیس محلی توسط ریاست پولیس محلی وزارت امور داخله، ملاقات های منظم بین قومندانهای امنیه ولایات، منصوبین پولیس ملی - محلی و فرماندهان پولیس محلی، بازدید ها از ساحات پولیس محلی و نشست های مشورتی با بزرگان محل. برعلاوه، آیساف نیز تلاش های را به منظور ایجاد میکانیزم پایدار جهت تقویت پولیس محلی روی دست گرفته است، مثلاً جابه جا کردن نیروی ویژه ی افغانستان در داخل پولیس محلی برای تدارک آموزش دوامدار آنها که در بعضی ولسوالی ها این تلاشها شروع شده است. تلاشها همچنان شامل یک پلانی میشود که ظاهراً مطابق آن وزارت امور داخله یک واحد را در داخل ریاست پولیس محلی به منظور رسیدگی به شکایات تخطی های حقوق بشری که توسط پولیس محلی مرتکب می گردد، ایجاد می نماید. این واحد به مثابه یک میکانیزم ارجاع عمل میکند که در ظاهر، مواردی تثبیت شده ی تخطی های حقوق بشری توسط پولیس محلی را به ارگانهای عدلی و قضایی جهت تعقیب عدلی و قضایی ارجاع میکند. برطبق آن پلان، این واحد ویژه توسط قومندانان امنیه ولایت، آمریت جنایی، نمایندگان امنیت ملی و شوراهای محل حمایت میگردد تا ماموریت های ساحوی را جهت تحقیق گزارشهای تخطی های حقوق بشری توسط پولیس محلی انجام دهد.^{۱۱۷} در ۲۰۱۲ دفتر یوناما همچنان گزارشهای را مبنی بر عدم دستگیری اعضای پولیس محلی توسط پولیس ملی در مواردی که آنها مظنون به ارتکاب نقض حقوق بشر می باشند، دریافت کرده است.

به همین شکل یوناما گزارشهای از عدم انسجام در تطبیق پروسیجر استخدام و آزمایش اعضای پولیس محلی دریافت کرده است. به طور مثال در ولسوالی خاک سفید ولایت فراه، شورای محل گزارش دادند

^{۱۱۶}. گزارش سالانه ی ۲۰۱۱ یوناما راجع به محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه، صص ۳۵-۳۶، فیروزی ۲۰۱۲

^{۱۱۷}. ملاقات یوناما با جنرال علی شاه احمدزی رئیس ریاست پولیس محلی وزارت امور داخله، ۱۰ جون ۲۰۱۲

که با آنها در استخدام ۱۸ پولیس محلی هیچ مشوره ی نشده است. کوتاهی در مطابعت از طرز العمل استخدام و آزمایش باعث افزایش معافیت، بیشتر از پیش می گردد و دلیل آن اینست که این کوتاهی در روند استخدام کاندیداهای دارای توانمندی های پایین و اینکه آنها ممکن ناقص حقوق بشر باشند ممد واقع می شود و این موضوع منجر به بی اعتمادی بین پولیس محلی و مجتمعاتی که آنها در آن خدمت میکنند می گردد.^{۱۱۸} استخدام و آزمایش ناقص، همچنان سبب تضعیف فرمان دهی و کنترل پولیس ملی بر واحد های پولیس محلی می گردد. برعلاوه، آزمایش ناقص ممکن منجر به نفوذ عناصر مخالف دولت در درون پولیس محلی گردیده که به نوبه ی خود تهدیدات امنیتی جدی را علیه خود پولیس محلی و جوامع آنها بوجود خواهد آورد.^{۱۱۹}

به دلیل اینکه بزرگان محل اهمیت آموزش پولیس محلی را درک نموده است، آنها به یوناما گفتند که بسته آموزشی ۲۱ روزه که فعلاً پولیس محلی آنرا دریافت میکنند برای آموزش آنها کافی نیست. در این اواخر به منظور درک بهتری اینکه چگونه حقوق بشر در عمل، بخشی از وظایف محافظوی پولیس محلی گردد، مضمون حقوق بشر به شمول مفاهیم اساسی حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، درنصاب آموزشی مستخدمان جدید اضافه شده است.^{۱۲۰} با در نظر داشت اینکه آموزشهای پولیس محلی درحالیکه پولیس ملی اشتراک بسیار محدود در آن دارد و از جانب دیگر بسیار زیاد متمرکز بر تاکتیک های نظامی میاشد، معلوم نیست که تا چه حد در عمل باعث ایجاد تغییرات عملی در عملکرد های پولیس محلی و احترام آنها به حقوق بشر در ساحه می گردد.^{۱۲۱}

معافیت در برابر تخطی های حقوق بشری توسط پولیس محلی

یوناما از تحقیق، دستگیری و تعقیب عدلی بعضی از اعضای پولیس محلی توسط پولیس ملی و نهادهای عدلی و قضایی در این اواخر استقبال میکند ولی برنگرانی های خویش راجع به معافیت پولیس محلی در برابر سوء رفتارهای گذشته و حال در بعضی مناطق، تأکید میکند.^{۱۲۲} در شش ماه نخست ۲۰۱۲ یوناما هشت شکایت علیه پولیس محلی را در هفت ولایت مستند سازی نموده است. گزارش های دخالت

^{۱۱۸}. بد گمانی و تنش بین جوامع و پولیس محلی می تواند منجر به خشونت گردد. در پل خمی مرکز ولایت بغلان، آنتوریکه ادعا میشود؛ به دلیل عدم دخیل ساختن و عدم مشوره با پولیس ملی و مقامات ولایتی در روند استخدام پولیس محلی که توسط نیروهای عملیات ویژه ایالت متحده آمریکا در ۲۰۱۰ به طور یکجانبه صورت گرفت، تنش بین پولیس ملی که تاجکها در آن تسلط دارند و پولیس محلی که پشتونها در آن مسلط میباشند و بزرگان محلی مردم پشتون و تاجک وجود دارد.

^{۱۱۹}. برای جزئیات به بخش فرعی "پولیس محلی و گروههای مخالف مسلح" در این گزارش رجوع کنید.

^{۱۲۰}. ملاقات یوناما با ISAF HQ and USA CFSOCC-A DCO، ۲۲ جون ۲۰۱۲.

^{۱۲۱}. بر اساس پرنسبب "افغانی باید افغانی را آموزش دهد"، در حال حاضر نیروهای ویژه اردوی ملی پولیس محلی را حد اقل در ۸ محل (ساحه جغرافیایی) آموزش میدهد. باوجود اینکه آموزش، توانمندی های پولیس محلی را بالا می برد ولی پولیس ملی در روند آموزش پولیس محلی سهم نیست. آیساف ملاحظه نموده است که برنامه های آینده باید مضمون دخیل ساختن قوی پولیس ملی در بخش های تخنیک و اساسی پولیس محلی و نه فقط در بخش اداری، باشد. (ملاقات یوناما با ISAF HQ and USA CFSOCC-A DCO، ۲۲ جون ۲۰۱۲)

^{۱۲۲}. به تاریخ ۱۰ جون و ۲ جولای، علی شاه احمد زی رئیس ریاست پولیس محلی به دفتر یوناما اطلاع داد که از اگست ۲۰۱۱ تاکنون ۴۲ عضو پولیس محلی دستگیر شده و مورد تحقیق قرار گرفته است و نیز دوسیه آنها برای تعقیب عدلی ارجاع شده است.

مستقیم پولیس محلی در قضایای بد دادن زنان (دادن زنان و دختران منحیث جبران خساره وارده ناشی از ارتکاب عملی جرمی مانند تجاوز جنسی و قتل، با حفظ معافیت برای مرتکبین) نشانه واضح از فقدان حسابدھی پولیس محلی در برابر جرایم شدید و موارد نقض حقوق بشر می باشد. مثالهای از قضایای معافیت پولیس محلی که یوناما در ۲۰۱۲ مستند سازی نموده است، قرار ذیل می باشد:

- به تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۲، در شهر کندز ولایت کندز، یک فرمانده پولیس محلی یک دختر ۱۸ ساله را منحیث "بد" به یکی از اعضای پولیس محلی خود داد و ازدواج اجباری آنها را تسهیل نمود. طبق گزارش، این کار به هدف جلوگیری از برخورد بین خانواده های دو عضو پولیس محلی نسبت به یک ازدواجی که جدیداً واقع شده بود، انجام داده شد. طبق گزارشها، دختر مذکور در جریان ۵ روزی که با یکی از مرتکبین گذرانده بود مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. پولیس ملی عضو پولیس محلی را که دختر مذکور را منحیث بد گرفته بود به اتهام تجاوز جنسی دست گیر نمود و چند روز بعد برادر وی را که او هم عضو پولیس محلی می باشد، نیز دستگیر نمود. به تاریخ ۲۲ جون، یعنی یک ماه بعد از واقعه، به تعقیب مداخله مرکز در قضیه، پولیس ملی فرمانده پولیس محلی را که "بد دادن" را تسهیل نموده بود همراه با یک عضو دیگر پولیس محلی دست گیر نمود. پولیس هنوز یکی دیگر از اعضای پولیس محلی را که تسهیل کننده "بد دادن" بود، دستگیر نکرده است.

- به تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۲، در ولسوالی خیر کوت (زرغون شهر) ولایت پکتیکا یک فرمانده پولیس محلی و چهار عضو پولیس محلی به یک مرد در هنگام منازعه بر سر زمین شلیک نموده و او را کشت. مسئله توسط جرگه محلی با این تصمیم که خواهر هفت ساله قاتل به خانواده مقتول به "بد" داده شود، فیصله گردید. پولیس ملی قضیه را نه تحقیق کرد و نه هم فرمانده پولیس محلی و همدستان او را به دلیل ارتکاب جرم قتل و بد دادن، دستگیر نمود.

- در پنجم مارچ ۲۰۱۲ در ولسوالی چوره ولایت ارزگان، واحد های پولیس محلی به چندین خانه داخل شده و به جستجو در داخل خانه پرداختند و سرانجام دو مرد را دستگیر نمودند. پولیس محلی صلاحیت بازرسی به سبک پولیس را ندارد تا وارد خانه های خصوصی باشندگان شود یا به دستگیری به این شکل مبادرت ورزد. در جریان واقعه، پولیس محلی مطابق گزارشها یک دختر بچه و مرد مسن را کشتند. یکی از مردان دستگیر شده نیز بعداً مرده یافت شد درحالیکه دومی هنوز ناپدید بود. علی الرغم شکایات متعدد، مردم محل به دفتر یوناما گفت که پولیس ملی هنوز حادثه را تحقیق نکرده و اعضای پولیس محلی را نیز در این رابطه دستگیر نه نموده است و نیز در پیدا نمودن موقعیت مرد دستگیر شده و ناپدید شده نیز ناکام مانده است.

- مطابق گزارشها به دلیل سوء استفاده های حقوق بشری توسط پولیس محلی؛ در جنوری ۲۰۱۲، بیش از صد خانواده از ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان به مرکز ارزگان یعنی ترینکوت و ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار بیجا شدند. یوناما گزارشهایی را از مردم محلی مبنی بر اینکه یک فرمانده پولیس محلی در جریان سال گذشته ۱۵ نفر افراد محل را کشته است، دریافت

نموده است. سارنوال نظامی به یوناما اطلاع داده که او ۹ قضیه را در این رابطه مستند سازی نموده است.^{۱۳۳} با وجود تلاشها برای اجرای این مهم، مقامات محلی در دست گیری فرمانده پولیس محلی ناکام مانده است. یوناما این اتهامات را با نیروی عملیات ویژه ایالت متحده آمریکا مطرح نمود اما به مردم گفته شد که هنوز اسناد و مدارک اثباتیه عینی علیه فرمانده محلی وجود ندارد و اتهامات بیشتر ناشی از تنش قومی (اتنیک) می باشد. با وجود اینکه پولیس ملی فرمانده پولیس محلی را دستگیر نمود ولی متعاقباً او را آزاد نمود. وضعیتی که موجب آزادی وی شده هنوز مشخص نیست. با وجود اینکه این فرد دیگر موقفی در پولیس محلی ندارد ولی با آن هم پولیس ملی در دستگیری مجدد وی به خاطر جرایم گذشته او ناکام می باشد.

حملات عناصر مخالف دولت علیه پولیس محلی

یوناما درحالیکه از اهمیت نقش پولیس محلی در تأمین امنیت مردم در مناطق دور دست تأیید به عمل می آورد، اما نسبت به محافظت افراد ملکی در مناطقی که پولیس محلی به طور فزاینده مورد حمله ی عناصر مخالف دولت قرار میگیرد، نگران می باشد.^{۱۳۴} در بسیاری از مناطق حملات دوامدار طالبان علیه پولیس محلی بیشتر ناشی از توانایی پولیس محلی در جلوگیری از نفوذ طالبان به آن مناطق می باشد. حملات عناصر مخالف دولت بر پولیس محلی با استفاده از تاکتیک های غیر قابل تفکیک مثل مواد انفجاری تعبیه شده یا حملات انتحاری، باعث تلفات افراد ملکی می شود. از جنوری تا جون ۲۰۱۲ یوناما ۷۲ مورد تلفات ملکی (۱۴ کشته و ۵۸ مورد جراحت) را در ۲۳ واقعات جداگانه ی که مخالفین دولت علیه پولیس محلی حمله نمودند، مستند سازی نموده است. یوناما ۱۳ مورد حملات مواد انفجاری تعبیه شده را که پولیس محلی را هدف قرار داده بود مستند سازی نموده است که این حملات منجر به ۱۲ مورد قتل و ۴۱ مورد جراحت افراد ملکی شدند. از تاریخ تأسیس پولیس محلی در اگست ۲۰۱۰ الی جون ۲۰۱۲ بر اثر حملات عناصر مخالف دولت علیه پولیس محلی در سراسر کشور به تعداد ۲۲۴ عضو پولیس محلی کشته و ۲۳۴ عضو آنها زخمی شده اند.^{۱۳۵}

پولیس محلی افغانستان و گروپ های مسلح غیر قانونی که خود را پولیس محلی معرفی مینماید^{۱۳۶}
یوناما گزارشهای راجع به سوءاستفاده از نام پولیس محلی توسط گروپهای مسلح غیر قانونی که چالش های فراوان را درمقابل مردم محلی و گروپهای مدافع حقوق بشر برای تشخیص بین پولیس محلی قانونی

^{۱۳۳} مصاحبه یوناما با سارنوال نظامی، ۱۳ می ۲۰۱۲، ترینکوت ولایت ارزگان.

^{۱۳۴} عناصر مخالف دولت دوام دار واحد های پولیس محلی را مورد حمله قرار میدهد. این موضوع نشان دهنده ی اینست که پولیس محلی در مختل ساختن و جلوگیری نمودن از حملات شورشیان در مناطقی که آنها مستقر شدند، موفق بودند.

^{۱۳۵} ملاقات یوناما با جنرال علی شاه احمد زی، رئیس ریاست پولیس محلی وزارت امور داخله، ۱۰ جون ۲۰۱۲

^{۱۳۶} اصطلاح "پولیس محلی خود خوانده" به گروپهای ملیشه های حامی دولت اشاره دارد که به طور یک جانبه بدون تأیید وزارت امور داخله طوریکه در مقررده حاکم بر نحوه استخدام و عملیات پولیس محلی افغانستان تسجیل گردیده، توسط مقامات ولایتی یا نیروی ویژه عملیات ایالت متحده آمریکا استخدام شده اند.

وگروههای ملیشه های حامی دولت بوجود آورده، دریافت نموده است.^{۱۳۷} به طور مثال از زمانیکه ولایت تخار تشکیل پولیس محلی را در مارچ ۲۰۱۱ دریافت نمود، گروههای ملیشه حامی دولت در ولسوالی های خواجه غار و درقد این ولایت خود را پولیس محلی اعلان نموده است. با وجود اینکه آنها در مارچ ۲۰۱۲ رسماً جذب پولیس محلی گردیدند ولی تا آن زمان این وضع موجود بود. با وجود اینکه مقامات ولایتی و این گروهها خودشان را پولیس محلی قلمداد میکردند ولی آنها در بین مارچ ۲۰۱۱ تا مارچ ۲۰۱۲ نه استخدام شده بودند، نه آموزشهای را ازطرف نیروهای ویژه عملیات ایالت متحده آمریکا دریافت نموده بودند و نه هم توسط وزارت داخله تأیید شده بودند.

مشابه به آن در ولسوالی های برگ متال و کامدیش ولایت نورستان، مقامات ولایتی ۲۵۰ نفر را منحیث پولیس محلی به طور یکجانبه استخدام نموده بود، بدون اینکه از طرف وزارت امور داخله تأیید شود یا از طرف نیروهای عملیات ویژه ایالت متحده امریکا آموزش ببیند. آنها در طی نیمه نخست سال ۲۰۱۱ به همین شکل ایفای وظیفه می کردند. یوناما مورد دیگری از این چنین قضایا را در اگست ۲۰۱۰ در ولسوالی چهار دره ولایت کندز که در آنجا ۳۰۰ نفر منحیث پولیس محلی توسط قومندان امنیه ولایت به طور یکجانبه استخدام شده بود، نیز مستند سازی نموده است. گروه متذکره بعداً به برنامه محافظت از زیرساختار های اساسی تبدیل شد و درحال حاضر اکثریت آنها تبدیل به پولیس محلی شده اند.

تصاحب یا اختیار کردن عنوان پولیس محلی توسط غیر پولیس محلی تمامیت پروگرام پولیس محلی را به خطر می اندازد. یوناما مواردی از نقض حقوق بشر را مستند سازی نموده است که به دروغ به پولیس محلی نسبت داده شده اند درحالیکه توسط گروههای ملیشه حامی دولت تحت نام پولیس محلی ارتکاب یافته است. در این قضایا برای قربانیان تخطی های حقوق بشری دشوار است تا مرتکبین را شناسایی و نهادایرا که مسئولیت نظارت بر عملکرد آنها را دارد، پیدا نمایند. این خود سبب توسعه ریشه های معافیت در برابر موارد نقض حقوق بشر که توسط پولیس محلی ارتکاب می یابد، می گردد.

سایر اقداماتی که به منظور بهبود رفتار و اجزای پولیس محلی روی دست گرفته شده اند.

در ۲۰۱۲ دفتر یوناما شاهد تلاشهای واقعی توسط دولت افغانستان و آیساف برای رسیدگی به مسائل تخطی های حقوق بشری پولیس محلی و حاکمیت و کنترل پولیس محلی بوده است. یوناما گزارشهایی را راجع به بهبودی فرمان دهی و کنترل پولیس ملی بر پولیس محلی دریافت نموده است که به طور مثال در مقایسه به گذشته به کاهش موارد تخطی های حقوق بشری در ولسوالی پل خمیری ولایت بغلان و ولسوالی شیندند ولایت هرات منجر گردیده است.

^{۱۳۷} اصطلاح "پولیس محلی" در دری و "سیمه ایز پولیس" در پشتو اصطلاحی اند که درمصاحبه های یوناما با مصاحبه شوندگان مورد استفاده قرار گرفته است. سوء استفاده از نشان پولیس محلی در گزارش سالانه یوناما در ۲۰۱۱ راجع به محافظت افراد ملکی درج میباشد.

در ولایت میدان وردک از جمله ۷۷۰ پولیس محلی ۲۵۸ آنها توسط نیروهای ویژه ایالت متحده آمریکا خلع سلاح گردید. اتهامات تخطی های حقوق بشری و سوء اجراات آنها در گرفتن این تصمیم که بعضی از اعضای پولیس محلی را منفک کند، تاثیر داشته است. بر علاوه، اعضای پولیس محلی که خلع سلاح گردیده بود، قبلاً عضو پولیس محافظت عامه بود، که این پولیس یک ابتکار امنیتی محلی بود که قبل از پروگرام پولیس محلی وجود داشت ولی از متن جامعه ی که برای آن خدمت می کرد بر نخواستی بود، لذا در تضاد با مقررات پولیس محلی وزارت امور داخله قرار داشت. بعضی از اعضای خلع سلاح شده بعداً به پولیس ملی و اردوی ملی جذب گردید و بعضی دیگر آنها در مقام پولیس محلی انتصاب گردید.

تأثیر منازعات مسلحانه بر افراد آسیب پذیر

تأثیر منازعات مسلحانه بر زنان و اطفال

اطفال و زنان از تأثیرات برخوردار های مسلحانه در افغانستان به طور دوامدار رنج می برد. در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲ یوناما در مجموع ۹۲۵ مورد کشته یا زخمی شدن زنان و اطفال را مستند سازی نمود است که از آن جمله ۵۷۸ طفل (۲۳۱ کشته و ۳۴۷ زخمی) و ۳۴۷ زن (۱۱۸ کشته و ۲۲۹ زخمی) از برخوردار های مسلحانه متأثر شده اند. این رقم نشان دهنده ۳۰ درصد کل تلفات ملکی در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲ میباشد.^{۱۲۸}

مواد انفجاری تعبیه شده و عملیات زمینی عوامل پیشتاز در تلفات ملکی اطفال و زنان میباشد. ۵۸ زن و ۱۴۴ طفل قربانیان مواد انفجاری تعبیه شده بوده است که نشان دهنده ۲۲ درصد از کل تلفات ملکی زنان و اطفال میباشد. ۱۵۰ زن و ۱۶۶ طفل در جریان عملیات زمینی یا کشته و یا زخمی شده اند که مبین ۳۴ درصد کل تلفات زنان و اطفال میباشد.

در نیمه نخست سال ۲۰۱۲ از ۱۲۹ مورد تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی ۸۱ مورد آن را زنان یا اطفال تشکیل می دادند که تقریباً دو سوم کل تلفات ملکی ناشی از حملات هوایی^{۱۲۹} را و ده درصد مجموع زنان و اطفال زخمی یا کشته شده را تشکیل میدهد.

بیجا شدن افراد ملکی در اثر جنگ ها

در ۲۰۱۲ روند بیجا شدن افراد ملکی در نتیجه برخوردار های مسلحانه ادامه داشت. تا آخر جون ۲۰۱۲ دفتر ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) ۱۱۴۹۰۰ مورد بیجا شدن افراد در اثر برخوردار های مسلحانه در افغانستان را گزارش داد که از آن جمله ۱۷۰۷۹ مورد بیجاشدن در سال جاری واقع شده اند. مهاجرت

^{۱۲۸} ۱۱۳۹ مورد تلفات ملکی اطفال و زنان که در بین جولای و دسامبر ۲۰۱۱ مستند سازی شده بود نمایانگر ۲۹ درصد کل تلفات ملکی در آن دوره زمانی بود که آمار کل تلفات ملکی آن زمان به ۳۹۲۰ مورد میرسد.

^{۱۲۹} حملات هوایی توسط نیروهای بین المللی از جنوری تا جون ۲۰۱۲ منجر به تلفات ۳۰ زن (از آن جمله ۱۶ کشته و ۱۴ زخمی) و ۶۴ طفل (از آن جمله ۳۹ کشته و ۲۵ زخمی) شده اند.

ناشی از برخوردها در سال ۲۰۱۲ نسبت به عین زمان در سال گذشته ۱۴ درصد افزایش یافته است. تحلیل دفتر ملل متحد برای پناهندگان نشان میدهد که اکثریت بیجاشدن ها در اثر برخوردهای مسلحانه و بد تر شدن وضع امنیت عمومی صورت گرفته است. در سال ۲۰۱۲ دلایلی که بیشتر از همه عموماً آنرا به عنوان عوامل بیجاشدن ذکر نمودند عبارت اند از: برخوردهای مسلحانه به شمول گلوله باری از آن سوی مرز، منازعه بالای علفچر ها و عملیات نظامی.

در مدت زمان مورد نظر بیشترین بیجاشدگان داخلی از مناطق جنوبی گزارش شده اند که به تعقیب آن مناطق غرب و شرق افغانستان به ترتیب قرار دارند. مناطق جنوبی با ۸۴۴۱ بیجا شدگان داخلی شاهد بیشترین افزایش در بیجاشدگان داخلی بود. یوناما مواردی از بیجاشدن داخلی؛ خصوصاً از ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان در اثر سوء استفاده های حقوق بشری توسط پولیس محلی را نیز مستند سازی نموده است. مناطق غربی افغانستان با ۴۰۶۲ بیجاشدگان داخلی که جدیداً به دلیل بی امنیتی، تهدیدات (مانند اخذی ها)، خطرات و استخداهای اجباری^{۱۳۰} بی جاشده اند در رتبه دوم بیشترین افزایش در بیجاشدگان داخلی ناشی از برخوردها را شاهد بوده است.

واقعات بیشتری مرتبط به جنگ ها

گلوله باری از آن سوی مرز، از پاکستان

مانند سال ۲۰۱۱ یوناما گزارشهایی از واقعات گلوله باری از آن سوی مرز یعنی از پاکستان که ساحات سرحدی ولایت کنر در مناطق شرقی افغانستان را متأثر ساخته، دریافت نموده است. در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲، یوناما ۱۶ مورد تلفات ملکی افغانها (یک کشته و ۱۵ زخمی) را که در اثر گلوله باری از آن سوی مرز واقع شده، مستند سازی نمود است.

در ماه می یوناما ۱۰ واقعه این چنینی را ثبت نمود که بعداً در ماه جون تا ۲۵ حادثه افزایش یافت. از جمله ۳۵ مورد این واقعات ۱۰ مورد آن منجر به تلفات ملکی گردید. واقعات ماه جون منجر به بیجا شدن بیشتر از پنجصد خانواده از کنر و در داخل کنر، بسته شدن سه مکتب و تظاهرات عمومی علیه گلوله باران، گردید.

^{۱۳۰}. دفتر ملل متحد برای پناهندگان، معلومات به روز شده راجع به بیجاشدن ناشی از برخوردها، می ۲۰۱۲.

ضمیمه ۱

حادثات مربوط به محافظت افراد ملکی در بیانیه ی ۵ فبروی ۲۰۱۲ طالبان در مقایسه با

آمار بانک اطلاعات و ارقام دفتر یوناما

شماره	واقعات برگرفته شده از بیانیه طالبان	یافته های یوناما
۱	به تاریخ بیستم فبروی خبری پخش شد که در آن از زبان والی کنر (فضل الله وحیدی) نقل و قول گردید که در اثر حمله هوایی نیروهای امریکایی در ساحات ادره گل، سوکه و ایگل منطقه غازی آباد ۶۴ نفر ملکی که شامل ۲۰ زن و ۲۹ کودک نیز می گردید، کشته شده است.	تحقیقات یوناما در مقایسه با ۶۴ مورد تلفات ملکی ادعا شده دریافت که، در واقعیت ۴۸ نفر ملکی کشته و نه نفر ملکی زخمی شده اند.
۲	در اول مارچ، مطبوعات، گزارش کشته شدن ۹ طفل در تنگه ننگلام ولسوالی مانوگی (کنر) را به اثر حمله هوایی نیروهای امریکایی داد.	تحقیقات یوناما نشان داد که ۹ طفل کشته و یک طفل زخمی شده بود.
۳	یک گزارش در هشتم مارچ نشر شد که در آن گفته شده بود که پنجاه نفر ملکی در اثر حملات نیروهای اشغالگر در هفته اول ماه مارچ در ولسوالی سنگین کشته شده است.	یوناما دریافت که ۷ نفر کشته و ۵ نفر زخمی شده بود.
۴	در اثنای یک هجوم نیروهای امریکایی بالای قریه ی لاهوری منطقه لاسین ولسوالی شیگل (کنر) در ۱۹ مارچ ۱۰ نفر ملکی به شمول زنان و اطفال کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند.	یوناما این واقعه را تحقیق نمود و متأثر شدن یک فرد ملکی را تأیید نمود ولی مسئولیت آن را متوجه عناصر مخالف دولت دانست.
۵	۱۳ روستایی در ولسوالی غورماچ منطقه تازنوا به تاریخ دوازدهم اپریل زمانی که نیروهای امریکایی بر خانه های آنها حمله کردند، کشته شدند.	یافته های یوناما نشان میدهد که عملیات نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی در ۱۲ اپریل باعث شد که در آن ۱۴ فرد ملکی به شمول دو زن و دو طفل کشته شوند.
۶	همچنان به تاریخ دوازدهم اپریل نیروهای امریکایی در مسیر شاهراه اصلی ولایت میدان وردگ در ولسوالی سید آباد، قریه ی گلاب خیلی تنگی دره، ۱۲ نفر ملکی را کشته و زخمی نمودند.	یوناما یک مورد تلفات ملکی بدون نسبت داده شده را تأیید کرد.
۷	به تاریخ سیزدهم و چهاردهم اپریل در جریان تظاهرات علیه سوزاندن قرآن توسط کشیش متعصب و بی ادب (تیری جونز) در ایالت فلوریدای امریکا، ۱۳ نفر ملکی شهید و بیشتر از ۱۰۰ نفر ملکی توسط اردوی ملی دست نشانده در شهر قندهار و چندین ولسوالی دیگر زخمی شدند.	این قضیه مربوط به مواردی محافظت افراد ملکی نمی شود (مربوط به بخشی از برخوردهای مسلحانه نمی باشد) بلکه یک واقعه حاکمیت قانون و پاسخ پولیس به آشوب عمومی میباشد. یوناما نظارت نموده و تأیید کرد که تظاهرات کنندگان در این

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۲ در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه ی افغانستان

	واقعه و در حادثات دیگر کشته شدند.	
۸	به تاریخ بیستم اپریل حمله هوایی در منطقه سیابندی ولسوالی انگام (کنر) توسط نیروهای اشغالگر انجام شد که در آن ۹ فرد ملکی بشمول (دو زن و دو طفل) به شهادت رسید.	یوناما این قضیه را تحقیق نمود و تلفات ملکی یعنی کشته شدن یک طفل و دو زن را تأیید نمود.
۹	به تاریخ ۲۱ اپریل ۸ نفر ملکی بی گناه توسط نیروهای آمریکایی در ولسوالی کشک کهنه منطقه زمان کاریز (هرات) به شهادت رسید.	یوناما تلفات ناشی از این حادثه را تأیید می کند. در این حادثه ۲ کشته و ۶ مجروح به ثبت رسیده است.
۱۰	به تاریخ ۲۱ جون اشغالگران در ولسوالی سنگ آتش، در قریه عمرزو یک بزرگ قومی را کشته و دو متنفذ دیگر را توقیف نمودند.	این حادثه به ثبت نرسیده است. اما گزارشی در بانک اطلاعات وجود دارد که در نتیجه حادثه مواد انفجاری تعبیه شده، افراد تلف شده است.
۱۱	یک بزرگ قومی مشهور به (حاجی سخی داد) از ولسوالی مقور، منطقه ی داربوم (بادغیس) دست گیر شد. درحالیکه یک رهبر معنوی دیگر (سید گل جان آغا) که هزاران پیرو داشت از عبادتگاه اش بیرون کشیده شد و بعداً به تاریخ ششم ماه می به شهادت رسید.	یوناما این قضیه را تحقیق نمود ولی هیچ مورد تلفات ملکی را در آن یافت ننمود.
۱۲	در شب هجدهم می نیروهای اشغالگر پنج نفر ملکی به شمول زنان را در منطقه آغان دره به شهادت رساندند. یک تظاهرات بزرگی بعد از این واقعه راه اندازی شد که خواستار آزادی توقیف شدگان گردیده بود ولی ۱۳۵ نفر ملکی توسط پولیس که به روی مظاهره چپان در سایه دموکراسی کورکورانه آتش گشوده بودند، شهید و زخمی شدند.	یوناما دو مورد تلفات ملکی، کشته شدن یک زن و یک کودک، در این واقعه را ثبت نمود (اما متوجه شد که دو نفر دیگر نیز کشته شده اند ولی آنها ملکی دانسته نشدند)
۱۳	به تاریخ ۲۵ می در ولسوالی دو آب (نورستان) بعد از اینکه نیروهای اشغالگر توسط مجاهدین زیر آتش گرفته شد، به حملات هوای متوسل گردید. گزارشهای اولیه حاکی از شهید شدن ۳۰ نفر ملکی در این حملات میباشد. گفته می شد که صد نفر تلفاتی ملکی وجود داشته ولی در جریان یک جرگه ملی نماینده نورستان گفته: سه صد نفر در این حملات هوایی شهید و زخمی شدند.	یوناما به خوبی از این واقعه مطلع است و آن را تحقیق نمود اما به خاطر مشکلات دست رسی به ولایت نورستان تلفات ملکی در این واقعه را نتوانست تأیید کند. یوناما ارزیابی نمود که این احتمال قویاً وجود دارد که حملات هوایی و زمینی منجر به تلفات ملکی شده باشد. بناءً آن را تحت عنوان " تلفات ملکی احتمالی " مستند سازی نمود.

<p>این واقعه رایوناما ثبت نموده و دریافت که در آن یک فرد ملکی کشته و سه نفر دیگر زخمی شد.</p>	<p>بعد از چهار روز درگیری بین مجاهدین و نیروهای آمریکایی در همسایگی ولسوالی واته پور(کنر)، هنگامی عقب نشینی نیروهای اشغالگر از منطقه به تاریخ ۲۸-۳۰ جون بمبارد مان گسترده توسط آنها صورت گرفته که در آن تعدادی کمی از مجاهدین و بیست و سه نفر ملکی به شهادت رسیدند درحالیکه تعداد زیاد افراد ملکی زخمی شدند.</p>	<p>۱۴</p>
<p>یوناما یک واقعه ی را تأیید میکند که در ۲۸ می رخ داد و ارزیابی میکند که این قضایا مشابه اند: در ۲۸ ماه می سال ۲۰۱۲ زمانیکه محل مسکونی در قریه نوزی ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند مورد اصابت حمله هوایی قرار گرفت، حد اقل ۴ طفل زخمی و یک زن بالغ کشته شدند.</p>	<p>مطابق گزارشهای مطبوعات که از افراد محل نقل و قول می کردند: در ولسوالی نوزاد هلمند زمانیکه نیروهای اشغالگر منازل مسکونی را بمبارد کرد حد اقل ۲۶ نفر ملکی به شهادت رسیدند. این واقعه توسط اشغالگران نیز تأیید شد اما تأکید میکردند که شش مخالف (مجاهدین) کشته شده اند. اما، این ادعا توسط مردم محل مکرراً رد شده است. ۱۴ فرد ملکی دیگر نیز در همین ولسوالی بعداً توسط اشغالگران به شهادت رسیدند که این موضوع توسط رئیس اداره کابل نیز در رسانه ها مطرح گردید.</p>	<p>۱۵</p>
<p>یوناما تأیید نمود که ۱۱ نفر کشته شدند.</p>	<p>به تاریخ ۶ جولای نیروهای اشغالگر یک خانه را در منطقه سامجی ولسوالی مندو در خوست بمبارد کرد که در آن ۱۳ فرد ملکی به شهادت رسید. قومندان امنیه ولسوالی این رقم را نیز تأیید میکند و می گوید که بمباردمان بر اساس معلومات غلط صورت گرفت که در آن دو زن، هشت طفل و سه مرد یک خانواده شهید شدند.</p>	<p>۱۶</p>
<p>هیچ معلوماتی راجع به این قضیه در دست نیست و هیچ شکایت مبنی بر تلفات ملکی دریافت نشده است.</p>	<p>۱۳ فرد ملکی که اکثر آنها اطفال بودند به تاریخ ۱۲ می در اثر حمله هوای در ولسوالی ازره منطقه ی دنگی دره در لوگر به شهادت رسیدند. سخنگوی این ولسوالی دین محمد درویش و عضو شورای ولایتی داکتر عبدالولی وکیل نیز تأیید نمود که افراد ملکی کشته شده اند.</p>	<p>۱۷</p>
<p>یوناما در این زمان، دو واقعه تلفات ملکی را تأیید نمود ولی معلوم نیست که آیا این واقعات به اتهام مندرج در بیانیه طالبان ربط دارند، یا خیر.</p>	<p>بعد از اینکه یک بمب یک موتر ضد زره نیروهای خارجی اشغالگر را درشنیز دره ی ولسوالی سید آباد میدان وردک به تاریخ ۲۳ جولای پارچه پارچه کرد، نیروهای اشغالگر بر روی مردم آتش گشودند که</p>	<p>۱۸</p>

	داکتر عاقيله حکمت، فرزند وی و یک عضو خانواده خُسُرَش را شهید و دو عضو دیگر را زخمی نمود.	
۱۹	بعد از اینکه نیروهای اشغالگر ۱۳ نفر ملکی را در یک حمله راکتی شهید نمود، صد ها نفر به جاده ریختند و علیه نیروهای اشغالگر در ولسوالیهای احمد خیلی و زازی تظاهرات نمودند.	یوناما مشابه این واقعه را در بانک اطلاعاتی خویش ثبت دارد ولی مطابق آن یک فرد ملکی کشته و سه نفر زخمی شده اند.
۲۰	به تاریخ هشتم اگست گزارشی در رسانه ها پخش شد. بر اساس آن گزارش که از زبان مردم محلی ولسوالی نادعلی در هلمند نقل و قول میکرد، گفته می شد که نه نفر عضو یک خانواده پس از اینکه نیروهای اشغالگر خانه آنها را روز گذشته بمبارد نموده بود، شهید شدند. حبیب الله سلیمانی از نادعلی این رقم را با مصاحبه ی که با رادیو آزادی داشت، تأیید نمود.	یوناما حادثه را تأیید میکند ولی نه، ۹ نفر را آنطوریکه طالبان به مطبوعات استناد نموده بلکه هشت نفر را تأیید میکند.
۲۱	همچنان یک حمله نیروهای خارجی در سروان قلا ی منطقه پوپلزی ولسوالی سنگین (هلمند) به تاریخ ۸ اگست، چهار مرد و یک زن را شهید نمود.	هیچ معلومات و شکایتی راجع به این قضیه که ادعای تلفات ملکی کرده باشد، دریافت نشده است.
۲۲	به تاریخ ۳ سپتامبر نیروهای اشغالگر به خانه یکی از فرماندهان پیشین مجاهدین بنام حاجی صابرلال حمله ور شدند و خانه وی را قبل از اینکه ایشان و دونفر دیگر را به شهادت برسانند مورد تلاشی قرار دادند.	
۲۳	به تاریخ ۴ سپتامبر در منطقه آذان نوای ولسوالی زمین داور در هلمند بمباردمان انجام شد که در آن سه نفر ملکی به شهادت رسیدند.	هیچ معلومات و شکایتی راجع به این قضیه که ادعای تلفات ملکی کرده باشد، دریافت نشده است.
۲۴	به تاریخ ۸ سپتامبر در قریه کنجکل ولسوالی سارکنو در کنر قبل از اینکه نیروهای دشمن از زمین وارد محل شود، بمباردمان را انجام داد که در نتیجه آن ۱۲ نفر ملکی شهید شدند و هشت نفر ملکی دیگر دستگیر و از منطقه برده شدند.	یوناما این حادثه را ثبت ندارد، اما ممکن با یک حادثه دیگر که تلفات ملکی در آن تأیید شده بود خلط شده باشد.
۲۵	بر اساس گفته های بزرگان قومی نورستان و کنر، زمانیکه اشغالگران به تاریخ ۱۹-۲۱ سپتامبر حملاتی را در ولسوالی وانت واگل (نورستان) به راه انداختند، ۱۰ نفر ملکی به شمول زنان و اطفال و یک بزرگ قومی بنام حاجی جمعه گل به شهادت رسیدند.	یوناما تأیید نمود که نیروهای طرفدار دولت در آن منطقه عملیاتی را اجراء کردند که منجر به کشته شدن ۱۷ فرد ملکی به شمول ۷ طفل و چهار زن و زخمی شدن چهار ملکی به شمول ۳ طفل و یک زن، گردید.

<p>یوناما این قضیه را تحقیق کرد و دریافت که یک ملکی و ۱۰ جنگجو کشته شد. قضیه در ولسوالی اچین افتاد افتاد.</p>	<p>۲۶ به تاریخ بیست و هشتم سپتامبر درهنگام جستجوی شبانه توسط نیروهای خارجی در ولسوالی اسپین غر در ننگرهار ده نفر ملکی در مهمند دره کشته شده و شش نفر دیگر دستگیر و برده شدند.</p>
<p>هیچ معلومات و شکایتی راجع به این قضیه که ادعای تلفات ملکی شده باشد، دریافت نشده است.</p>	<p>۲۷ به تاریخ بیست و نهم سپتامبر یک حمله در ولسوالی گرشک منطقه حیدر آباد در هلمند انجام شد که در آن یک فرد بی دفاع روستایی شهید و یک پدر همراه با چهار فرزند اش دستگیر و توقیف شدند.</p>
<p>یوناما زخمی شدن چهار نفر را بشمول زنان و اطفال تأیید می نماید.</p>	<p>۲۸ به تاریخ ۱۶ اکتبر پس از حمله نیروهای خارجی بر قریه گردن مسجد ولسوالی چک ولایت میدان وردک یک معلم، مشهور به معلم نورآغا همراه با دو خواهرش شهید و دو نفر ملکی دیگر دستگیر شدند.</p>
<p>یوناما تأیید نمود که ۱۴ نفر ملکی به شمول هفت طفل پسر، دو طفل دختر و سه زن در این حادثه زخمی شدند.</p>	<p>۲۹ یک گزارش به تاریخ بیست و دوم اکتبر در رسانه ها نشر شد که در آن گفته شده بود: سیزده نفر ملکی پس از اینکه نیروهای اشغالگر بر ولسوالی غازی آباد ولایت کنر حمله هوایی کردند، زخمی شدند. والی کنر فضل الله واحیدی هم این حادثه را تأیید کرد و افزود که یازده نفر ملکی که شامل زنان، اطفال و مردان میشود در جریان بمباردمان هوایی نیروهای خارجی زخمی شده اند.</p>
<p>یوناما هردو واقعه را تأیید نمود: (a۳۰) ولسوالی ژیری ولایت کندهار: به تاریخ ۲۲ نوامبر زمانیکه در منطقه سای چوی ولسوالی ژیری حمله هوایی یک خانه ملکی را هدف قرار داد حد اقل هفت طفل و یک فرد ملکی کشته شد. (b۳۰) ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا: در اول اکتبر ۲۰۱۱ در حوالی ساعت ۸ بعد ظهر یک انفجار کوچک در قریه جاکیلان منطقه منیب خیل ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا بوقوع پیوست. واقعه متذکره هشت نفر زخمی برجای گذاشت.</p>	<p>30a در ماه دسامبر یک هیئت تحقیق از طرف اداره کابل به منظور تحقیق تلفات ملکی ناشی از حملات نیروهای خارجی در ولایت های کاپیسا، کندهار و پکتیکا فرستاده شد. هیئت توسط محمد طاهر صافی که در مطبوعات در بیست و چهارم دسامبر صحبت کرد رهبری می شد. بعد از نتیجه گیری تحقیق، وی در مطبوعات گفت که تمام تلفات ناشی از حملات در کاپیسا، کندهار و پکتیا افراد ملکی بوده اند. مطابق گزارش وی در جریان حملات هوایی ناتو در ولسوالی ژیری کندهار هفت نفر ملکی شهید و دو نفر زخمی شدند و همچنان دو نفر دیگر در ولسوالی میوند</p> <p>30b این ولایت به شهادت رسیدند. در قریه بهاردار خیل ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا، هشت نفر ملکی شهید و دو نفر ملکی دیگر زخمی شدند.</p>